مجاهد

نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

سال اول (شماره ۴)- دوشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۸- تکشماره ۱۵ ریال

لیلة القدر یا مرحلهٔ جهش

برداشتی از سوره "قدر" و تفسیر "شب قدر" بمناسبت شبهای پر اوج ماه رمضان

انا انزلناه فی لیلة القدر — ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم.

وما ادریک ما لیلة القدر — و چه میدانی که شب و مرحلهٔ "قدر" چیست؟

لیلة القدر خیر من الف شهر — مرحله قدر گزیده تر از هزار ماه است.

تنزل الملائکه والروح فیها باذن ربهم من کل امر — فرشتگان و روح در آن به اجازهٔ پروردگار کامل بخشنده همی آیند با کل امر. سطور کلی سوره های آخر قرآن مطلب ...

(بقیه در صفحهٔ ۵)

ملی کردن سرمایه‌های وابسته در شهریک اکباتان

در صفحه ۲

نقش امپریالیزم در روستاها

در صفحهٔ ۳

مردم و مجاهدین

در صفحهٔ ۵

آیا ضعف آگاهی مردم علت نارسائی های انتخاباتی است

آیا اساساً نمیشد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد؟

به مسأله انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی از وجوه مختلفی نظرشده است. از یکطرف اشکالات وانتقادات زیادی مطرح میگردد، تا آنجا که قانونی بودن ومشروع بودن نتایج آن نیز مورد عدم قبول واقع میشود. از طرف دیگر بانیان و دست اندرکاران این انتخابات، انتقادات واشکالات را کوچک کرده و در نهایت غیرقابل اجتناب دانسته ،مدعی میشوند که در بهترین و دموکراتیکترین انتخابات نیز اینقدر اشکال بوجودمی‌آید.

در این مقاله هدف بررسی میزان اشکالات و انتقادات وارد به اجرای انتخابات را دنبال نمیکنیم ،بلکه می‌خواهیم این مسأله را بررسی کنیم که آیا واقعاً "نمیشد انتخاباتی داشته باشیم که اساساً" فارغ از این اشکالات باشد؟ در بررسی سؤال فوق دو نظرگاه در دو سر طیفی قرارگرفته‌اند که بقیهٔ جوابها به گونه‌ای بینابینی بهآن دومربوط میباشند. یک جواب واقع بینانه نیز وجود داردکه به تشریح آن هم میپردازیم.

مهمترین تقلبات درون صندوقی:

تقلب های انتخاباتی به دو نوع متفاوت تقسیم میشوند:

۱ـ تقلب درون صندوقی، عبارت است از آراء بدون صاحب به صندوقی ریختن و تقلب در شمارش آراء و...

۲ـ تقلب برون صندوقی که به شیوهٔ تبلیغات و تحت تأثیرهای کاذب قرار دادن مردم بر میگرددو به اجبارهای اقتصادی و سیاسی و ... که از دوران رستاخیز کاملاً "با آن آشناهستیم.

در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی مهمترین تقلب برون صندوقی که انجام شد در درجهٔ اول استفادهٔ عوام‌فریبانه از جاذبهٔ عمومی امام بود. و در درجهٔ بعد استفادهٔ از عدم آشنائی مردم به ضوابط دمکراتیک یک انتخابات آزاد. در مورد تقلب فوق‌الذکر بقدرکافی نمونه خود در این زمینه صاحب تجربه‌شخصی نیز باشد.

دو برخورد غیرواقعی با مسأله انتخابات:

در برخورد با تقلبهای انتخاباتی عده‌ای میگویند که سطح پائین آگاهی مردم باعث شده که این تقلبها صورت گیرد. بیسوادی ،قشری‌گری ،دنباله‌روی ناآگاهانه و امثالهم ، سبب انتخابات این چنینی بوده‌است. از این جواب‌این نتیجه‌هم گرفته میشود که حد اقل‌دراین مقطع امکان‌هیچ انتخابات بهتری‌نبوده است. بایستی زمان بگذرد ،مردم آگاه شوند، تا خودشان مانع اینگونه سوء استفاده‌ها گردند.

بقیه در صفحهٔ ۲

مجلس بررسی قانون اساسی براستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است.

نامهٔ سرگشاده جنبش ،جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، جنبش مسلمانان مبارز، سازمان اسلامی شورا (ساش) و سازمان مجاهدین خلق ایران

به

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی درباره مخدوش بودن انتخابات تهران

"بسم الله الرحمن الرحیم"

حضرت آیت الله امام خمینی

گروههای امضاء کننده نامه حاضر در پاسخ به دعوت شما مبنی بر شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی، فعالانه در انتخابات مزبور شرکت کرده و معرفی کاندیدا نیز اقدام نمودند. این در حالی بود که فشارها و محدودیتهای بسیاری که متأسفانه هنوز هم مستقیم و غیرمستقیم تحت نام شما اعمال میشود کمتر امیدی در جهت تأثیرگذاری انقلابی برای ما برجا گذاشته بود. بهمین دلیل نتوانستیم بسیاری از زهوادار ان خود را بشرکت در انتخابات قانع کنیم. آنها بر این عقیده بودند که شرکت ما در جو موجود مفید هیچ فایده‌ای نخواهد بود.

اگرچه ما همیشه بر این عقیده بوده‌ایم که مقام رهبری شما فراتر از وابستگی به هر جمعیت وحزب بخصوص بوده ومتعلق بفرد فرد آحاد ملت ایران است، با این همه در جریان انتخابات ما شاهد دخالتهای غیرقانونی گسترده احزاب وجناحهای بخصوص بودیم که به انحاء طرق، تودهٔ مردم را تحت نام شما به رأی دادن به فهرستی وامیداشتند که در واقع امر انتخابات را به انتصابات تبدیل مینمود. این دخالتها که در چند مورد با چنان وضوحی صورت گرفت که آراء صندوقهای مربوطه بنا به اعتراض بازرسان ما باطل اعلام گردید. از پاره کردن اوراق تبلیغاتی دیگران تا رأی‌گیری غیرمجاز و ممانعت از رأی دادن به نامزدهای ، ورد نظر و تا دستکاری در صندوقها و اعمال نظر در شمارش آراء، و امثالهم گسترش داشت. اعمال بی رویه‌ای که مدارک آن طی قریب بیش از ۲۰۰ فقره شکایت به مسئولین امر تسلیم شده و چنانچه ملاحظه‌ندائید آماده ایم تا در ملاقات حضوری به خود آن حضرت نیز تقدیم داریم.

مسأله اساسی برای طرفداران ما اینست که حزب برنده انتخابات که چند ماه از تأسیس آن نیز بیشتر نمیگذرد، چگونه میتواند بدون اینکه همه چیز خود را به شما منتسب سازد در اکثر نقاط کشور حائز اکثریت آراء گردد. و آیا این استفاده شایسته‌ای از خون‌دهها هزار شهید انقلاب ایران که در اعتماد عمومی به شخص آن حضرت منعکس گردیده است محسوب می‌شود؟ و انگهی درشرایطی که وزراء ومعاونین آن بخاطر مسئولیت های اجرائی خود از مردی محلی محروم‌ند چگونه اعضای شورای انقلاب که هم اکنون در دولت نیز ادغام شده‌است میتوانند به رغم مسئولیتها و اقتدارات گسترده خود راهی مجلس شوند.

از همه اینها ناراحت کننده‌تر این بود که علیرغم تکذیبهای مکرر رادیو در روز انتخابات ،قویاً در روزهای قبل از انتخابات شایعه کرده بودند که شخص آن حضرت فهرست به محلی را امضاء کرده‌اید که قابل انتشار نیز هست ،مجموعهٔ این دخالتها و محدودیتها هم اکنون ما را با محلی مواجه ساخته است که بجز شما و قلیلی از علما و افراد شرکت کننده در آن، به راستی فاقد نمایندگان طرز تفکر

بقیه در صفحهٔ ۲

آیا بازسازی دستگاههای اطلاعاتی آریامهری را می‌توان اقدامی مردمی تلقی کرد؟

بیرون آمدن از دوران طولانی و کمرشکن اختناق آریامهری هشیاری عجیبی در خلق ما بوجود آورده‌است. نومی آگاهی وشیّم سیاسی که بوی اختناق و سرکوب را میتواند بینا بینا حس کند. چندی‌است شواهد واخبار دلالت بر آن دارد که تولد نامیمونی در شرف انجام است. شاید هم مولود تازه نه ،بلکه همان هیولائی که خود را آراسته. دگربارقصد دارد با قیافه‌ای تازه بجان مردم بیفتد. قبل از اظهار نظر اخیر روز بر کشور، در موارد متعددی دولت و مقامات مسئول یادآور شده بودند که ما به یک "دستگاه اطلاعاتی" احتیاج داریم و باید از امکانات رژیم قبل در این مورد استفاده کنیم و .... گرچه در خفا فعالیتهائی در جریان بود که گهگاه با هشدارهائی از جانب نیروهای انقلابی روبرو میشد ،اما صریحاً سخنی در این باره گفته نشده تا اخیراً صباغیان وزیر کشور در (روزنامه اطلاعات ۵/۱۱) عنوان کرد که: "... دخالت ارتشیها در مناطق نمیتوان پیش‌بینی کرد. ولی طبیعی است اگر مشکلی پیش‌بیاید ارتش باید به وظیفه خود عمل کند... هیچ مملکتی بدون مسائل اطلاعاتی قادر به انجام کارهای موفقیت آمیز نخواهد بود. بنابراین ما هم بعنوان اداره‌کننده مملکت احتیاج به یکنوع اطلاعات داریم. و تا تشکیل این مرکز در نخست‌وزیری، فعلاً اطلاعات برای مسائل و سیاست‌های کلی مملکت جمع‌آوری میشود ... "مخصوصاً" ضرورت دخالت ارتش" امری تصادفی نبوده که بعداً به آن اشاره‌ای خواهیم داشت. همچنین این نکته که سیستم مزبور با چه مکانیزمی و توسط چه افرادی بکار خواهد افتاد نیز بسیار حائز اهمیت است.

دستگاه اطلاعاتی مردمی یا ...؟

اساساً" هیچ دستگاه تحمیلی و پیش‌ساخته‌ای که توسط طبقات حاکم (نه مردم) بوجود آمده و تاکنون در خدمت منافع آنها باشد، نمیتواند ماهیتی مردمی داشته‌باشد. مخصوصاً" وقتی این ماهیت را بنتیجه ظهور میرساند که برای کنترل داخل هم بکار رود. مبنای چنین شبکه اطلاعاتی را ترس از توده‌ها و مبارزات آنها و سعی در سرکوب وخنثی نمودن آن، تشکیل میدهد.

بقیه در صفحهٔ ۸

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

یک سیاست مستقل وانقلابی در زمینه روابط خارجی مستلزم چه عواملی است؟

مبارزهٔ آزادیبخش خلق ایران، که کام نخستین آن یعنی سقوط دیکتاتوری شاه با پیروزی همراه بود، ضرورتاً با سیمای بلندتر و استوارتری دنبال شود. این گامها اساساً" در مسیر بلوغ مبارزهٔ ضدامپریالیستی است. کمااینکه نفی رژیم هم بی‌تردید ضربه‌ای مهم به قلب و حیات منافع امپریالیستی درایران بود. چرا که دیکتاتوری ایران ماهیتی امپریالیستی داشت. یعنی تمام حمایتها وغارتگریهای امپریالیسم، دقیقاً" در پناه آن دیکتاتوری صورت می‌گرفت.

همانطورکه می‌دانیم آمریکا بعنوان سردمدار امپریالیسم جهانی دشمن و غارتگر همه خلقها و بحقاً" مسئول درجه‌اول تمام بدبختی‌های ملل زیرسلطه است. از اینرو حرکتهای آزادیخواهانه ورهائی‌بخش هم درهرگوشه‌ای از جهان بدون شک بر علیه آمریکا خواهد بود.

بقیه در صفحهٔ ۲

آیت الله طالقانی در دیدار با هیئت کوبائی: از نظر ما در هر منطقه دنیا

"هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد و علیه استثمار یک انقلاب اسلامی است"

شب‌گذشته (۱۳ مرداد) در دیدار هیأت کوبائی با حضرت آیت‌الله طالقانی بین اعضای این هیئت و آیت‌الله طالقانی بحث و گفتگوهای مفصلی پیرامون "اسلام و مارکسیسم" صورت گرفت. از آنجا که دقت و تعمق در این بحث می‌تواند رهنمودهای ارزنده‌ای برای عموم خواهران و برادران دربرداشته باشد، اقدام به توضیح و تشریحاتی در بارهٔ برخی قسمت‌های این گفتگو نمودیم.

آیت الله طالقانی در این گفتگو بیان داشتند که: "ما انقلاب کوبا را انقلابی عظیم می‌دانیم .... در واقع هر انقلاب علیه ظلم و علیه استبداد و علیه استثمار در هرجای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است. چرا که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت رفع ظلم از همهٔ ابنای بشر، همه انسانها، و همهٔ مظلومین و مستضعفین است.

این واقع‌بینانه‌ترین و درعین‌حال عالیترین دفاعی است، که می‌توان از ایدئولوژی اسلام بعمل آورد.

این همان نحوه برخورد شایسته و اصولی است که یک مسلمان انقلابی همواره بایستی در مواجهه با افکار و اندیشه‌های دیگران در پیش گیرد.

معیار ترقیخواهی و انقلابی بودن از دیدگاه توحیدی:

از دیدگاه ایدئولوژی ما، هر فرد یا جریان به اندازه‌ای که در مسیر

بقیه در صفحهٔ ۶

دیدگاههای ایدئولوژیک مجاهدین خلق

برداشتهائی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه‌های ۹۱ و ۱۹۶) (قسمت دوم)

امام علی

میکوشد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد.

اصل اساسی "عدل" و مساوات در توزیع ثروت اجتماعی

بر اساس این بینش و درک عمیق امام علی، از کار مکتبی و حرکت اصولی است که در پاسخ کسانی که او را نصحت می‌کردند که چرا اعطاء و بخشش بیت‌المال و غنائم را میان مردم، مساوی تقسیم می‌نماید و اشخاصی را که در اسلام سوابق طولانی‌تر داشته و دارای "شرافت و بزرگی" بوده‌اند، برتری نمی‌دهد؟ فاطمانه جواب می‌دهد که "آیا بمن دستور می‌دهید که با ستم روا داشتن بر کسانی که بر آنان حکومت می‌کنم پیروزی را بجویم؟!

"بخدا قسم تا روزگار می‌گردد و تا ستاره‌ای در آسمان، ستاره دیگر را قصد می‌کند، چنین نخواهم کرد. اگر دارائی مال خودم هم بود، به تساوی تقسیم می‌کردم چه رسد به اینکه مال اساساً" از آن خداست" خطبه ۱۲۶

از دیدگاه امام علی این یک اصل اساسی است. اصلی که یک موحد انقلابی را ملزم می‌سازد که همهٔ مصلحت‌ها و منافع زودگذر آنی دیگر را بخاطر آن‌فدا سازد. اصل "عدل" و قیام بخاطر برپا داشتن "قسط"، همان هدف والا و بلندپایه‌ای که خدا بپیامبر خود را برای محقق ساختن آن فرستاده بود، و بنابر این باید کمترین خدشه‌ای بدان وارد شود. این همان چیزی است که انبیاء راستین توحیدی و انقلابیون تاریخ، بخاطرش قیام کردند، و در این راه همتی جود را فدا ساختند. اصول شلوغ و فشرده و مطهر واقعیت‌های مرتبت و غیرقابل بحث و اجتناب هستند، و اگر می‌شود که گردش روزگار را مانع شد و حرکت ستاره‌ها را تغییر داد، از این اصول هم می‌توان عدول کرد. بنابراین تأکید علی بر این مسأله که "بیت المال باید بطور مساوی قسمت شود" یک شعار توخالی نیست، بلکه دقیقاً" بمن جهت و هدف تکاملی "یگانه سازی" است که می‌بایستی بر تمام فعالیت های ما در دنیای واقعی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و غیره حاکم باشد. ولذا دیگر جای هیچگونه کوتاه آمدن و تخفیف دادن در مورد آن‌ها نیست.

فرصت طلبان از امام علی امتیاز و "سهم سیاسی" طلب میکنند

اینست که علی از همان نخستین روزی که عهده‌دار رهبری جامعه میگردد، اعلام می‌نماید که بر طبق سنت دیرین رسول خدا و بر اساس مساوات و عدل عمل می‌کند. در این باره در خطبه ۱۹۶ خطاب به طلحه و زبیر می‌گوید: "آنکه مطرح کردید که چرا در قسمت کردن بیت‌المال بطور مساوی عمل کردم، من مطابق میل شخصی انجام ندادم، و از راه هوای نفس حکم نکردم، بلکه خارج از تمایلات ما، احکام و معیارهائی است که خدا برقرار کرده و پیامبر آورده است، و من بنا گزیر بایستی بر مبنای آن رفتار کنم و

بقیه در صفحهٔ ۹

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

بقیه از صفحه ۱

ضرورت مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان تنها راه رهائی

این حقیقت از آنجا ناشی میشود که امریکا دوام و بقاء خود را در غارت و چپاول خلقها می‌بیند . پس طبیعی است که هر جا هم با مخالفت و آزادیخواهی مردم ریشه‌سلطه روبرو شود ، از جنایت و سرکوب و وحشیگری خودداری نکند . مدافع اکثریت رژیم‌های دیکتاتوری ضد خلقی و فاسد است . همچنین تمام حیله‌های تجاوزکارانه و امپریالیستی ، همه‌کودتاهای ضدانقلابی ، فتنه‌گریها ، آشوبها و جنایاتی که هر روز در گوشه و کنار شاهدیم ، مستقیم یا غیر مستقیم بوسیله‌آمریکا طرح‌ریزی و پیاده می‌شود . درست به این دلیل هر جنبش انقلابی و خلقی قلب آمریکا را نشانه می‌رود ، و شریانهای حیاتی او را قطع می‌کند ، و راه را بر گلوگاه‌متعفن‌اش می‌بندد . و در یک کلام تا آنجا که به رسالت یک انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی مربوط میشود : کلیه نیروها را در جهت ضربه‌زدن به‌سلطه ، منافع وبالاخره‌موجودیت امپریالیسم بسیج می‌کند . و این انقلاب مستمری است که تا نابودی کامل نظام صدبشری مزبور ادامه خواهد داشت .

به بیان دیگر از آنجا که در مقطع کنونی تاریخ ، تضاد اساسی حاکم بر جامعه‌ بشری ، تضاد بین خلق‌ها و امپریالیسم است ، نیروها ، احزاب و رژیم‌ها بایستی در اردوی خلقها و همراه آنان با امپریالیسم جهانی (سرکردگی امریکا) در نبرد و ستیز باشند ، وگرنه اجباراً حزب و اقمار امپریالیسم و به‌موضع ضدیت با خلقها سقوط می‌کنند !!

ملاک حقانیت سیستمهای سیاسی در دوران ما

با توجه به توضیحات فوق اهمیت نوع برخورد با آمریکا (این پرچمدار جهانخواران) را درمی‌یابیم . و به حق باید گفت که چگونگی این رابطه به بهترین وجه بیانگر درجه‌اصالت یک انقلاب وبطورکلی ، هر سیستم و جریان سیاسی است . بعبارت دیگر هر جریان و سیستم سیاسی که بهتر بتواند با امپریالیزم مبارزه کند و به منافع و موجودیت آن‌شدیدتر ضربه‌وارد نماید ، از حقانیت ، ترقیخواهی و دینامیزم بیشتری برخوردار است . و برعکس هر نظامی که در جهت سازش و به اصطلاح تفاهم و دوستی با آن گام بردارد ، عناصر ارتجاعی و کهنگی ذاتی خود را آشکار می‌کند . و خبر از پوسیدگی و میرائی خود می‌دهد . این هم روشن است که وقتی جریانی پویائی و زندگی سیاسی‌خود را از دست داده باشد دیگر نمیتوان از پویائی‌ودینامیسم ایدئولوژیک و مکتبی او سخنی بمیان آورد .

برخورد نیروهای خلقی ایران با امریکا (درسالهای سکوت)

در جریان انقلاب اخیر ، خلق ما هر روز با پوست و استخوان دشمنی ها و ضربات آمریکا را درک می‌کرد ، و به‌همین جهت تعلقه‌های خشم و کینه‌اش علیه این دشمن فروزان‌تر می‌گشت ، و بی تردید هرچه زمان انقلاب طولانی‌تر می‌شد ، لبه‌ تیز آن تیز بیشتر متوجه آمریکا می‌گشت ، و بدین ترتیب از اصالت و عمق بیشتری برخوردار می‌شد .

بدیهی است که برای سازمان‌های انقلابی که از چندین سال پیش‌تر دست به سبزی قهرآمیز و مسلحانه علیه رژیم و حامیان امپریالیستش زده بودند ، نوع رابطه‌با آمریکا بطور عینی و علمی روشن بود . حتی بسیاری از عملیات انقلابی مستقیماً بر علیه آمریکائی‌های جنایتکار بود . من باب مثال : ترور ژنرال‌پراس ، سرهنگ‌هاوکینز و بطور کلی سنت انقلابی اعدام جلادان آمریکایی و انفجار تأسیسات امریکائی که میتکر و مجری آن هم عمده مجاهدین خلق بودند ، از افتخارات جنبش انقلابی ایران در سال‌های سکوت و خفقان محسوب می‌شود .

خلق ایران دشمن اصلی خود را بازمی‌شناسد

اما طی دو سال اخیر دشمنی آمریکا میرفت تا برای تمامی خلق ایران آشکار گردد . کما اینکه هرروز که به وحشیگری شاه خائن افزوده می‌شد ، حمایت اربابان آمریکائی‌اش هم غلیظتر میگشت . تا آنجا که بدنبال بزرگترین قتل‌عامهای رژیم دست‌نشانده (۱۷ شهریور ، حکومت نظامی ، دولت نظامی) ، آمریکا سریعاً مراتب پشتیبانی خود را از بازگرداندن نظم و قدرت به شاه خائن ابلاغ میکرد . اما مهمتر اینکه خلق ما به عینه می‌دید ، این توپ و تانک و هواپیما و مسلسل و تفنگ آمریکائی است که بدست شاه مزدور همه‌ هستی او را تهدید می‌کند . و هر روزخون دهها وصدها نفراز باکترین فرزندان این میهن بوسیله گلوله‌های و مزدوران آمریکائی بر زمین ریخته می‌شود .

این حمایت‌های مادی و معنوی از رژیم شاه ، و در واقع از منافع خود آمریکائی‌ها ، نمی‌توانست از دید مردم ما پوشیده بماند . در نتیجه در همان شرایط ، نبرد مردم برای سرنوشت خود اجتناب‌ناپذیر می‌شد (البته در صورتی که آمریکا بر حفظ شاه پافشاری می‌کرد) .

اما آمریکا علیرغم همه‌کوته‌بینی‌هایش که ذاتی نظام طالمانه و رو به افولش‌می‌باشد ، این حقیقت را بخوبی درک می‌کرد که دیگر شاه نه تنها حافظ منافع او نیست ، بلکه بصورت یک‌تهدید جدّی درآمده است ، وآتش خشم مردم ایران دیگر به شاه هم ختم نمی‌شود ، بلکه همین اربابان او را هم خواهد سوخت !! لذا بایستی شاه را قربانی کرد .

موضع تردیدآمیز جناحهای حاکم در قبال امریکا :

بعد از سقوط رژیم شاه ، مردم ما بیشترین آگاهی و آمادگی را برای ادامه‌ مبارزه‌ ضد امپریالیستی داشتند . و گرمی انقلاب و جود آنانرا قوت و تحرک می‌بخشید ، تا بقول خودشان " بعد از شاه نوبت امریکا " را تحقق‌بخشند . در مقابل این قاطعیت مردم متأسفانه‌سیاست و موضع دولت و دیگر جناحهای حاکم در برخورد با آمریکا مشخص و واحد نبود .

مثلاً " در موارد متعددی امام خمینی با تأکید بر ضرورت ادامه انقلاب و محو کلیه‌آثار و عوامل استعمار ، و اینکه " ما چه نیازی به رابطه‌با آمریکا داریم " ، " آمریکا محتاج رابطه‌با ما است " ، " آمریکا از رابطه‌با ما سود می‌برد " ، و از این قبیل تمایل و جهت خود را ابراز کرده‌اند . اما ازسوی دیگر مقامات و دیگر جناحهای حاکم هرگز با صراحت و قاطعیت بر ضرورت مبارزه‌ ضدامپریالیستی (که طبیعتاً " قبل از همه دامن آمریکا را خواهد گرفت) ، انگشت نگذاشته اند . برعکس‌گاهی با جملات دوپهلو ، زمانی با دلجوئی ، از در تفاهم و دوستی درآمده‌اند . در مواردی صحبت از لغو یک قرارداد و تثبیت " قراردادهای‌مفید " کرده‌اند . بعضی اوقات بر اجتناب ناپذیربودن روابط حتی در زمینه‌های بهداشتی ، تسلیحاتی و . . . به آمریکا تأکید نموده‌اند . مثلاً " در روزنامه ۵۸/۲/۹ آیندگان چنین می‌خوانیم :

" سخنگوی دولت ایران ، عباس امیرانتظام ، دموت دولت از چند مستشار و تکنسین آمریکایی برای تعمیر و نگهداری وسائل خریداری شده از آمریکا و رژیم سابق را تأیید کرد . "

" این مستشاران عمدتاً " در زمینه‌ ابزار الکترونیک و رادار متخصص‌اند ، که

بقیه از صفحه ۶

آیا اساساً نمی‌شد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد!

بقیه از صفحه ۱

این طرز تفکر در اساس فاقد برنامه‌ای سیاسی برای تغییر جامعه میباشد . و تنها کار فرهنگی دراز مدتی رامیتواند ارائه کند که در نهایت به آگاهی مردم منجر میگردد . افرادی که از این‌دیدگاه به مسأله برخوردکرده‌اند یقیناً " موضعی غیر فعال در جریان انتخابات داشته‌اند . منظور از موضع غیر فعال شرکت کردن یا نکردن نیست ، بلکه اساساً این افراد از کنار این موضوع گذشته‌اند .

عده‌ای دیگر ناآگاهی مردم‌را نادیده‌گرفته ، وهمه‌ موارد اشکالات وانتقادات را مستقیماً " به مسئولین مملکتی وحزب حاکم بر میگردانند . اشکال این برخورد دراین است که به ریشه وچگونگی انجام تقلبات نمیتوان رسید . راه‌حل صحیحی‌نیز برای مبارزه دراز مدت و کوتاه‌مدت با این نارسائیها نمیتوان ارائه داد . درنتیجه صاحبان این نظرگاه به برخورد های عصبی و گاه برخورد متقابل با مرتجعین وامثالهم خواهند پرداخت ، و چون‌بهر حال مسأله‌ای را نمیتوانند حل کنند ، به یأس و بدبینی کشیده خواهند شد .

آیا ضعف آگاهی مردم علت نارسائیهای انتخاباتی است؟

نقش عدم آگاهی وبهره‌گیری حزب حاکم :

ولی دربررسی واقع‌گرایانه ، موضوع بشکل دیگری بررسی میشود . درست‌است که عدم آگاهی‌مردم " مبنای " تقلبات و جوّ غیر دموکراتیک انتخابات میباشد . یعنی درست است که مردم اگر به حقوق واقعی یک‌انسان در جامعه‌آزاد و مردمی آگاه بودند ، هرگزاجازه‌ایمن‌سوءاستفاده‌های وسیع را نمیدادند ، بلکه فرد فرد مردم خود یک بازرس و ضابط برای رعایت حقوق اجتماع میگشتند . ولی عدم آگاهی خلقی که‌سالهادرزیربوغ‌استبداد پهلوی کمرش خرد گشته‌است وحالاتمامی اعتماد خود را نثار میکند ، این اجازه را به قدرت و حزب حاکم نمیدهد تا به هر وسیله‌ای و در هرجهتی از اعتماد و عدم آگاهی ، هرگونه‌ سوءاستفاده کند . به عبارت دیگر عدم آگاهی توده‌های مردم علت بلاواسطه و مستقیم نارسائیها و تقلبات و سوءاستفاده‌های انتخاباتی نیست ، بلکه اگر حزب وقدرت حاکم را بعنوان " شوط " حرکت اجتماع تلقی کنیم ، آنوقت تا آنجا که به سیستم اداره‌ انتخابات مربوط میشود ، تمامی اشکالات‌وانتقادات و سوءاستفاده‌ها به همان قدرت و حزب حاکم بر میگردد . اگر بیش از این گناه سوءاستفاده ها و تقلبات را به گردن ناآگاهی مردم بیندازیم آنوقت هرکاری و حتی هرگونه خیانتی توجیه‌پذیرخواهد بود . بعنوان مثال اگر کودک خردسالی‌را بهاین علت که قدرت دفاع‌ندارد گرگ خورد ، آیا گرگ را نخواهند کشت؟ و یا بطور مثال اگر درخانه‌ای‌بازبود و دزدی خانه را بتاراج برد ، ممکن‌است صاحب خانه را سرزنش کنند ، ولی دزد را نیز یقیناً " به کیفر گناهش خواهند رساند .

در رابطه‌با انتخابات هم‌سؤال این‌است که‌آیاتمام تقلبات‌وسوءاستفاده‌ها و . . . اجباری بود؟ یعنی سیستم حاکم نمیتوانست بگونه‌ای عمل کند که جریان انتخابات بصورت یک‌جریان‌سالم و سازنده‌وهمچنین رشددهنده‌آگاهی مردم درآید؟

در این مقاله در صدد علت این موضوع نیستیم که‌آیا این سیستم حاکم میتوانست انتخاباتی سالمتر ازاین برگزار کند یانه ، و تاچه حد این‌رفتارمثلاً از ماهیت حزب حاکم‌میجوشد ، بلکه‌می‌خواهیم بگوئیم بر مبنای همین حد از آگاهی مردم چه کارهائی میشد کرد ، تا انتخابات این چنین ازآب در نیاید ، درجهٔ مردمی بودن شیوه‌هائی که یک سیستم برای اداره‌ اجتماع بکارمی‌گیرد ، بیانگرمشروعیت وحقانیت‌آن سیستم‌میباشد .

یک جریان انقلابی با انتخابات چگونه برخورد میکرد؟

برای برگزاری‌یک‌انتخابات بالنسبه سالم میتوانست کارهای زیر انجام‌گیرد :

۱ ـ فاصله‌ اعلام انتخابات‌تاروز رأی‌گیری بیشتر میشد ، تا امکان آموزش مردم در این مدت فراهم شود .

۲ ـ وزارت کشورضوابط‌انتخابات را به رادیو و تلویزیون میداد ، و ازآنها میخواست تا طی برنامه‌هائی آنها را آموزش دهند . مثلاً " درجریان‌انتخابات عموم مردم حتی نمیدانستند کمتلیغات در روز انتخابات ممنوع است .

۳ ـ حدود آزادیها مرتباً" بمردم تأکید میشد ، تا اگرعده‌ای‌پوستروپلاکارت دیگران را پارمیکنند ، ومیگویند آزادی است ، مردم بگوئیدما درون‌جوش مانع این کار شوند .

۴ ـ رسماً" اعلام میشد که‌نیروهای نظامی وشبه‌نظامی حق‌دخالت نظامی به نفع هیچ گروه وحزبی راندارند . درنتیجه برخوردهائی بین پاسداران و افراد کمیته‌ها از یکطرف و مردم از طرف دیگر پیش نمی‌آمد .

۵ ـ ازکاندیداها خواسته میشد و امکانات رادیو تلویزیون کافی دراختیار آنها قرار میگرفت ، تا برنامه‌ها و نقطه‌نظرات خودشان را بگویند . باین طریق کمکی به انتخاب آگاهانه و آزادانه‌مردم میشد . در جریان این انتخابات تعداد معدودی از کاندیداها نقطه نظرهای خودشان را بیان کردند . آنهم فقط با استفاده از امکانات مردمی ، حزب‌برنده هم برنامه‌ای ارائه نداد .

۶ ـ برای مردم تشریح میشد که همانطور که همهٔ‌مردم امام را پذیرفتند ، متقابلاً" امام هم‌متعلق به هیچ فرد یا حزب یا دسته بخصوصی نیستند . بنابر این سوءاستفاده از جاذبهٔ مردمی امام ممنوع است . این کار را آگاهانه‌نکردند . فقط برای آنکه بعدها مسأله‌ای پیش نیاید ، روز انتخابات و موقعی که کاراز کار گذشته بود ، رادیوچندین‌مرتبه‌اعلام کرد . اما درحوزه‌های رأی‌گیری آنها که باید به کار خود پایان دادند .

ممکن است اینطور بنظرآید که‌در شرایط کنونی جامعه‌ ما انتخاباتی با توضیحات فوق امکان ندارد . اگر دراین نظر قاطع باشیم باین معنی است که حضور بنیادی امپریالیسم وارتجاع‌وابسته بآن مانع تحقق آزاد اراده‌ ملت‌میباشد و بایستی فعلاً" مبارزه ضدامپریالیستی را ادامه داد . و تدوین قانون اساسی مردمی در این شرایط امکانپذیر نیست .

مجلس بررسی قانون اساسی براستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان وروشنفکر مسلمان است ؟

بقیه از صفحه ۱

انقلابی نسل جوان وروشنفکر مسلمان است . مجلس که‌طبعاً" نحوه‌ادغام‌است چنانکه‌بایدبه حیاتبترین خواسته‌های توده انقلابی مسلمان درچهارچوب تدوین یک قانون اساسی اسلامی ومردمی پاسخ دهد .

حضرت امام :

استدعا داریم کسانی نفرمایندکه‌امضاء کنندگان نامه‌ها فرکه‌بفایت درجه‌به سرنوشت‌وحیثیت انقلاب ومکتب و شخص خودشما عشق میورزند‌از این مطالب خدای ناکرده قصدکار شکنی وتلاشی جوئی دربرابرمردم انتخاب خودداردند . غیر ، سوابق مبارزاتی درخشان تک تک نامزدگروههای ما آنچنان بر همگان روشن است که‌دامن جمیع آنها را ازهرشائبه‌مقام‌پرستانه منزه میسازد . بخصوص که‌ما فرد فرد آنها را باحداکثرامیدوار و اگرامه‌چنین نامزدی که‌از پیش‌بی نتیجه‌بودن آن روشن بودوادارنمودیم . علیهذا این تنها وتنها مصالح مکتب وانقلاب وخلق ورهبری است که‌ما را به نوشتن این سطورکشانیده‌است .

ازاینروظیفه‌خودمیدیم که‌مهمترین اصول ومواضعی را که‌بایستی درقانون اساسی آینده‌گنجانیده‌شود (ودربرنامه حداقل همه‌گروههای امضاء کننده‌حاضرازمدتهاپیش عنوان شده‌است)تحت‌مواردذیل باطلاع آن حضرت‌برسانیم . تاشدکه‌تحت رهبری وارشادات وسفارشات خودشما قانون اساسی داشته باشیم‌که‌مردم‌بویژه‌جوانان انقلابی بتمام‌وکمال ازآن استقبال نموده‌واسباب سربلندی همه‌وبخصوص شخص شما در پیرابرخدا وخلق وتسلیمای آینده باشد .

۱ ـ تأکیدوتصریح بر محتوای ضداستبدادی وضد استعماری جمهوری اسلامی که باروها موردتأکیدآن حضرت قرار گرفته‌وطبعاً‌اراهکشای حصول به جامعه‌ای فارغ ازهرگونه‌بهره کشی واستثمارخواهدبود .

۲ ـ فرم‌حکومتی دولت اسلامی نظام‌شورایی است شوراها درتمامی دوایروقسمتهای مملکت بایستی عهده‌دارمشوره لیتهای مختلف گردند . برهمین اساس اموردا خلی هرمنطقه بایستی بدون هیچ محدودیت اختیارو فرماندهی دادگستری قرارگیرند . درمورد فرهنگ ، سیاست خارجی ، دفاع ارحقوق کارگران ، رادیوو تلویزیون و محافظت ازتولیدات وبازارملی نیزهریک ازگروههای امضاء کننده‌نقطه‌نظرهای مشخص دارندکه‌انشاء الله حضورا معروض خواهدگردید .

حضرت آیت اله :

مجدداً امیدواریم‌با رعایت این نقطه‌نظرهای اسلامی و مردمی قانون اساسی ماشامل حداقلهای لازم‌گردیده‌واسباب سربلندی وروسفیدی دربرابر تمام‌جهانیان وتسلیمای آینده باشد . چراکه‌ما بیادهمهٔ‌شهدای گلگون کفن این میهن هیچگونه عدشه‌ای رابه‌حرمت اسلام و حیثیت رهبری خوش‌نداریم . به همین دلیل خودرا موظف دیدیم که‌هیچ حقیقت اساسی را در مقابل شماکتمان نکنیم‌منحمله بیرمترین مسأله‌کنونی سیاست کشورمسأله‌ملیتها ومناطق کردستان ، کنید ، بلوچستان و خوزستان است که‌متأسفانه‌تا کنون کمتردرایت وکفایتی در دستگاههای مسئول رسیدگی به این قضایا دیده‌ایم . بحدی که دیرنیست پادخالت ارتش یک فاجعه‌ملی وجنگ داخلی سر بگیردحال اینکه‌به‌شهادت تمام تاریخ این مسائل هیچگاه با دخالت ارتش وبقیدخونریزی قابل حل نیست . وانگهی کدام ارتش است که در عین خونریزی وکشتار مردم‌بی پناه‌بازهم‌از مشروعیت برخوردار باشد . حال اینکه اگربایک دیدگاه واقع گرایانه مردمی وانقلابی و اسلامی ، مسئله ملیتها نگریسته شود ، مشکل را میتوان بدون کمترین دخالت ارتش وقوای قهریه‌به جانب حق سوق داد . راه‌حل در قالب تمامیت ارضی عدشه‌ناپذیرجمهوری اسلامی وعاری از هوصیغه‌تحزبه‌طلبانه که‌بی تردیدتمام نیروهای انقلابی نیزدرمسیرآن بهرگونه‌کمک و همکاری آمادگی خواهندداشت .

با احترام

جنبش‌جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) جنبش مسلمانان مبارز ، سازمان اسلامی شورا (ساش)وسازمان مجاهدین خلق ایران

تماماً" بوسیله‌شوراهای محلی مردمی همان منطقه‌وناحیه اداره‌شده‌وانتخابات محلی نیز زیرنظروبه‌تائیدشوراهای محلی باشد .

۳ ـ مبنای ارزش وحق بهره‌وری وتصرف درنظام‌جمهوری اسلامی تنها وتنها کاراست و لا غیر .

۴ ـ زمین ومحصول از آن کسی است که‌کارکرده‌وکشته است .

۵ ـ کارگران ودهقانان ایران ازهرگونه‌مالیات و پرداخت دولتی معاف بوده‌واز بیمه‌وبهداشت وتحصیل رایگان بهره‌مندبایدباشند .

۶ ـ زنان به‌لحاظ سیاسی واقتصادی با مردان متساوی‌الحقوقند .

۷ ـ تامرزقیام‌مسلحانه آزادی همه‌احزاب ، جمعیتها و مطبوعات کاملاً‌تامین ومحاکمات اختصاصی آنها درحضورهیأت منصفه‌انجام‌میشود . کماینکه‌بهر نحووتحت‌هرعنوان مخل آزادی های مزبوربا شدیداً‌بایدبرخورد بینیند .

۸ ـ هرنوع شکنجه‌به‌هر اسم‌وبهرعنوان مطلقاً‌ممنوع است .

۹ ـ جزدرموردجرائم‌شغلی ویژه‌نظامی ارتشیان‌،هرگونه دادرسی درمهده‌دادگستری است وملاحیت قضائیه را هیچ چیزدیگر محدودنخواهدساخت .

۱۰ ـ حقوق حقهٔ‌ملیتها مبنی برتعیین وادارهٔ امور داخلی خوددرچهارچوب وحدت وتمامیت تجزیه‌ناپذیرجمهوری اسلامی محفوظ وازهرجهت به آنها آماده‌خواهدشد .

۱۱ ـ ارتش مایک ارتش اسلامی ، مردمی ، ضدامپریالیست وضداستبدادیابدبایدکه‌درخدمت دفاع ازانقلاب وحقوق مستضعفان بوده‌ودردرون مرزهای ایران از هرگونه‌درگیری ممنوع‌شود .

ارتش مستقل وملی که‌ما رابازهر گونه‌وابستگی به‌قدرتهای خارجی بوده‌ومستثمران امپریالیست راهرگزنبخواهدداشت . واراین طریق به‌سمت ارتش اساساً‌اسلامی که‌دا وطلبی میباشد حرکت نماید .

۱۲ ـ ژاندارمری و شهربانی دریکدیگرادغام‌شده‌و بعنوان ضابط عدلیه‌تحت

نقش امپریالیزم در روستاها

درحاشیه اردوهای آموزشی ـ عمرانی سازمان جوانان

در شماره‌های قبل گزارشهائی از اردوهای عمرانی ـ آموزشی سازمان جوانان در روستاها داشتیم و امیدواریم که بتوانیم در آینده نیز خوانندگان عزیز را در جریان کار دیگر اردوهایمان قرار دهیم .

در این رابطه آنچه ما را بر آن داشت تا به طرح موضوع فعلی بپردازیم ، پاسخ به این سئوال است که ریشه ٔ این همه نابسامانی در روستاها و اینهمه فشار و بدبختی چیست ؟ این سئوالی است که بسادگی در یک گذار ساده از اوضاع روستاها به آن برمی‌خوریم ، و ما در کنار گزارشهای فوق خود را ملزم دیدیم که به بررسی این مساله نیز بپردازیم . در هفته نامه ٔ گذشته هم این مساله را با سئوال دیگری کامل کردیم . " آیا امکان دارد که بتوانیم بر مشکلات عظیم روستاها پیروز شویم ؟ از چه طریقی ؟ " جواب این سئوالات را همگامی درخواهیم یافت که هرچه بیشتر به ماهیت و عملکرد امپریالیزم ، این دشمن اصلی تمام خلقهای جهان پی ببریم . و درک کنیم که برای حیات خود چگونه به غارت و استثمار توده‌های مردم در کشورهای جهان سوم می‌پردازد و بالطبع روستاهای میهن ما که سمبل بیکرانی از نیروی انسانی و مواد طبیعی است ، از اولین هدفهای این تجاوز بوده و هست . برای روشن‌ترشدن مطلب لازم است به بررسی سابقه ٔ تاریخی مساله در ایران بپردازیم . اکنون بررسی خود را از قبل از سال ۴۲ آغاز می‌کنیم .

امپریالیزم انگلیس بوسیله اربابها روستائیان را مورد بهره‌کشی قرار میداد

ویژگی این دوره تاریخی حاکمیت فئودالها و زمینداران بزرگ و در راس آنها دربار و شاه خائن بود . اینان با حاکمیت بلامعارض خود ، از هیچگونه جنایت ، دزدی ، چپاول و زورگوئی ابائی نداشتند . اربابان معتقد بودند که باید با رعیت چونان یک برده رفتار کرد . و او را از اولین و ابتدائی‌ترین امکانات زیستی از قبیل حمام ، مدرسه و ... محروم ساخت . و در صورت سرکشی ، او را به زندان انداخت ، شکنجه کرد ، تا او مانند برهای مطیع و رام فقط برای ارباب خود سود آور باشد . تنها ارباب این بود که اگر کشاورز جان بگیرد دیگر اطاعت نمی کند !

در همانحال فئودالهای درباری ، این نوکران دست به سینه ٔ امپریالیزم انگلیس ، با بهره‌برداری از امکاناتی که ثمره ٔ خون ورنج هزاران روستائی بود ، به زندگی اشرافی و مجلل خود در شهرها و یا حتی خارج از کشور مشغول بودند ، و دستورات شیطانی و ضدانسانی خودرا از طریق مباشرین و معاونین به اجرادر- می‌آوردند . وحتی بخش قابل توجهی از سهم رعیت را بعناوین مختلف بنفع مالک می‌گرفتند . در حالیکه سهم رعیت بسیار ناچیز و طالمانه تعیین شده بود . به لحاظ سیاسی ، ریشه ٔ ناپاک فئودالیزم بر کلیه ٔ ارگانهای مملکت گسترده شده بود . مجلس بطور عمده در دست مالکین بود ، و آنها با برگزاری انتخاباتی که فقط نامی از انتخابات داشت ، و در حقیقت رایهای از قبل مشخص شده به صندوق ریخته می‌شد ، در مجلس حائر اکثریت بودند . آوردن روستائیان با ارعاب و تهدید به پای صندوق انتخابات ، از مادی‌ترین کار- هائی بود که انجام می‌گرفت . شاه و دربار نیز وابسته به سیستم فئودالیزم حاکم بر ایران بودند . و مجریان بی- ادعای دستورات ارباب بزرگ خود امپریالیزم انگلیس بشمار میرفتند . و طبیعی بود که مورد تائید و حمایت ارباب هم باشند .

امریکا روش جدید بهره‌کشی از روستائیان را به شاه خائن می‌آموزد

در اوایل دهه ۴۰ فقر و فشار بیش از اندازه به روستائیان ـ روستاهای ایران را آماده ٔ انفجار عظیمی کرده بود . وهر آن امکان انقلاب عظیم روستائی در ایران میرفت . از طرف دیگر امپریالیزم تازه‌نفس آمریکا تلاش داشت که با رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران نفوذ خود را در کشور ماتوسعه دهد و جای انگلستان را بگیرد .

آمریکا با تجربه‌اندوزی از انقلابات چین و کوبا بیش از پیش تلاش می‌کرد ، با اجرای طرحهائی چون اصلاحات ارضی تضادهای حاصله در جامعه ٔ روستائی ایران را تخفیف بخشد . ولی در این راه موانع انگلیس مانع اجرای این طرح بود . و مهمتر آنکه شاه و دربار نیز وابسته به انگلیس و فئودالها بودند . مبارزات آزادی خواهانه مردم در این سالها شاه خائن را بوحشت انداخت . او درصدد جلب نظر آمریکا برآمد تا با کمک و حمایت آن جنبش مردم را سرکوب کند . سرانجام بعد از سفر شاه در سال ۴۰ به آمریکا و انگلیس ، یک توافق جدید صورت تحقق گرفت ، و شاه اجرای طرح آمریکائی اصلاحات ارضی را دراین به همکاری اعلام ، فئودال بزرگ و غلام حلقه بگوش خود ، بعهده گرفت . از این پس فصل جدیدی در تاریخ روستائی ایران آغاز شد .

مضمون اساسی تحولات آمریکا بی‌و رفرمی که در دهه ٔ ۴۰ انجام گرفت عبارت بود از ، جلوگیری از ظهور جنبش رهائی‌بخش انقلابی ، و استثمار هرچه بیشتر و روستاها توسط بورژوازی وابسته به امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا .

وجود مناسبات تولیدی فئودالی ، که در آن اکثریت توده‌های مردم تحت تسلط یک اقتصاد بسته و خودکفا قرار داشتند ، حائلی برای رشد سرمایه داری وابسته باقی نمی‌گذاشت . چرا که سرمایه داری وابسته نیاز به بازارهای مصرف و در نتیجه آب کردن کالاهای امپریالیستها دارد . و هم چنین موقعیت استراتـ ـژیک ایران که در منطقه ٔ حیاتی خلیج قرار گرفته ، و ذخائر نفتی بیکرانی دارد و در معادلات جهانی قدرت ، مهره ٔ ارزشمندی است ، و باعث میشود که هرتحول انقلابی در آن ، معادلات جهانی را شدیداً بهم بزند . مجموعه ٔ این شرایط منجر به اجرای یک رفرم ارضی البته با محتوای ضدخلقی و ـ ارتجاعی شد . نقش استثمارگر آمریکا وقتی روشن‌تر می‌شود که هرگونه کمک به ایران را منوط به اجرای رفرم ارضی نموده بود . به یمن این باصطلاح اصلاحات ، زمین‌داران نه تنها ضرر ندیدند ، بلکه با خرید سهام کار- خانه‌ها در کسوت سرمایه‌داران ، دست خود را در استثمار و غارت خلق بازتر یافتند .

با رفرم ارضی روابط فئودالی تضعیف گردید ، و جنبه ٔ مسلط خودرا از دست داد . ولی نه تنها اوضاع و احوال روستائیان بهتر نشد ، بلکه به لحاظ کشاورزی وضع بسیار وخیم‌تری پیدا کرد . و بدلیل نبودن امکانات کشاورزی و ضرر کردن کشت و کار ، تورم و گرانی ، نیروی کار روستاها مجبور به گریختن از روستاها و هجوم به‌شهرها میشود . و در شهرها به خیل بیکاران آنکار و پنهان می‌پیوندند . بطوری که می‌بینیم پس از گذشت حدود ۱۵ سال ایران بصورت یکی از عمده‌ترین وارد کنندگان مواد غذائی و کشاورزی درمی‌آید .

بهرحال بعد از رفرم ، استثمار غیر مستقیم سرمایه‌داری جای استثمار شناخته شده ٔ فئودالی را گرفت . و روستائیان می‌دیدند که سایه ٔ ارباب از سرشان برداشته شده ، و صاحب زمین شده‌اند ، ولی هم چنان محروم وگرسنه‌اند مساله به اینجا هم ختم نمی‌شد . بلکه بعد از رفرم ، سرمایه‌داری وابسته شروع به بردن کالاهای صنعتی به روستاها نمود ، و به اشاعه ٔ فرهنگ مصرفی در روستا ها پرداخت . و این خود باعث از دست رفتن درآمد ناچیز آنها و یا حتی وام- هائی گشت که در واقع از طرف بانک به آنها تحمیل شده بود .

فشار در روستاها به نهایت میرسد

رژیم برای تکمیل این استثمار دست به تشکیل شرکتهای تعاونی زد . شرکتهای تعاونی درواقع جای کمک ارباب به روستائی را گرفتند . در اکثر موارد خرده‌مالکان ، مرفه‌ترین روستائیان و مقربان سابق درگاه مالک در هیأت مدیره ٔ شرکت تعاونی و نیز انجمن ده عضویت دارند . خوش‌نشینها یا فقیرترین قشر روستائی که فاقد زمین زراعی هستند ، از عضویت در شرکت تعاونی محرومند . و باید نان بخور و نمیری را بشکل کارگر روزمزد کشاورزی در بخشی از سال بدست آورند . از آنجائیکه اکثر کشاورزان نمی‌توانند وام خود را به شرکت بپردازند ، یعنی فاقد قدرت پرداخت هستند ، روانه ٔ زندانها می‌شوند . یا اینکه تمام دار و ندار خود را فروخته و وام خود را می‌دهند . و از شدت فشار روانه ٔ شهرها شده ، وبشکل کارگر روز- مزد استثمار می‌شوند . طی سئوالات متعددی که از روستائیان کرده‌ایم ، وقتی در رابطه ٔ با نهادهای رژیم گذشته مثلاً با سازمان عمران روستائی و دستگاههای دولتی گرفته‌اند ، اکثراً نارضایتی خود و از همکاری با آنها ابراز کرده‌اند .

مثلاً " یک مرد کشاورز ۴۰ ساله که سالها کشاورزی کرده است ، شفاهاً بطور روز- مزد ۱۰ تومان از سازمان عمران مزد می‌گرفت اما روزهائیکه کار نداشت مستمری نمی‌گرفت .

آن مرد روستایی اظهار می‌داشت ، سازمان عمران سیب‌زمینی را برای کشت بذر کیلویی ۱۰ ریال با ما حساب می- کرد ولی در موقع برداشت از بین کلیه ٔ سیب‌زمینی‌های درجه ٔ ۱و۲و۳ فقط درجه یک را برمی‌داشت و کیلویی ۳ ریال به ما پول می‌داد . تازه وقتی حساب می‌کنیم می‌بینیم پول برداشت ما برابر است با پول بذر سیب‌زمینی که کاشته‌ایم . و باید مخارج کود و سم و غیره را از جیب خود به عمران بپردازیم . یعنی یک مقداری نیز بدهکار می‌شویم . ضمناً می‌گفت که ما رادیو را گوش می‌کنیم و برنامه ٔ دهقان را می‌شنویم آنها دهقان را مسخره می‌کردند و می‌گفتند رعیت آزاد شده ، کجا رعیت آزاد شده؟ و ...

جهانخواران بین‌المللی در روستاها خودرانشان میدهند ،

رژیم آریامهری به اینجا هم بسنده نمی‌کند و دست سرمایه‌داران داخلی و خارجی را در بهره‌برداری از این خوان یغما باز می‌گذارد . این چرمایه‌داران ، شرکتهای کشت و صنعت تاسیس میکنند ، که بهترین و حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی را باقیمت بسیار پایین ، و در موارد زیادی با ارعاب و تهدید می- خرند . و به کشت محصولاتی میپردازند که مصرف داخلی ندارد . (به عنوان مثال مارچوبه) . و دهقانان بیکار شده را روی این زمینها به عنوان کارگر با حداقل مزد مشغول کار می‌کنند . و در نتیجه ثروت بیکران میهن ما و دسترنج کار برادران و خواهران روستایی ما را به جیب سرمایه‌داران جهانی و امپریا- لیستهای جهانخوار سرازیر می‌کنند . نمونه ٔ آن صدها و هزاران هکتار از بهترین زمینهای کشاورزی زیر سد دز است که در واقع تیول سرمایه داران آمریکائی است .

این است ره‌آورد امپریالیسم برای روستاهای ما . و این است که می‌بینیم در کشوری که روزانه دهها میلیون دلار روانه ٔ خزانه ٔ امپریالیستها و سرمایه‌داران داخلی و خارجی می‌کند ، درآمد سرانه ٔ روزانه در بسیاری از روستاهایش ۴ الی ۸ ریال است . یعنی یک روستائی با این مقدار درآمد باید خوراک ، لباس و همه چیز خود را تأمین نماید و خانواده- اش را هم ارضاء نماید و ... حال چه انتظاری از اوضاع روستاها داریم ؟ اینها همه ٔ مسائلی است که در یک سفر به روستاهای اطراف میهن‌مان به سادگی خواهیم دید . اوضاعی که برادران ما در اردوهای عمرانی ـ آموزشی همه‌روزه با آن روبرو هستند .

باز می‌گردیم به این کلام زیبای علی (ع) که : " *وما اخذ الله علی العلماء ان لا یقروا علی کظة ظالم ولا سغب مظلوم* " .

و ... خدا از روشنفکران پیمان گرفته است که گرسنگی مظلوم و سیری ظالم را تحمل نکنند و به مبارزه‌ای بی- امان علیه هرگونه استثمار و ظلم و نا- برابری دست بزنند .

آیا برای حل این مشکلات راهی به جز یک مبارزه ٔ همه‌جانبه در زمینه ـ های اقتصادی ـ اجتماعی ـ سیاسی علیه امپریالیسم وجود دارد ؟

به امید محو هرگونه استثمار ونابرابری

پیش بسوی جامعه ٔ بی‌طبقه توحیدی

باقسام .

(پاورقی ـ برای اطلاعات بیشتر راجع به اوضاع روستاهای ایران به کتاب " مطالعات روستایی در ایران " نوشته ٔ سازمان مجاهدین خلق مراجعه شود .)

بسم الله الرحمن الرحیم

بدعوت انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران برادر مجاهد مسعود رجوی .

درشبهای ۱۹ و ۲۰ ماه رمضان (یکشنبه دوشنبه ۲۱ و ۲۲ ۲۳ مرداد) درساعت ۹ ۳/۴ بعدازظهر، تحت عنوان :

حکومت علی و قانون اساسی دولت اسلام

درمسجد دانشگاه تهران، سخنرانی میکند.

روابط و نهادهای شورائی (قسمت چهارم)

نقش عملی شوراها در بالا بردن کیفیت مبارزه کارگران

دستاورد شوراها در زمینه ٔ آگاهی های سیاسی ـ ایدئولوژیک کارگران

در شماره‌های قبل پس از بیان ضرورت تشکیل شوراهای کارگران کارخانجات به بررسی اهداف و وظایف شورا پرداختیم .

اکنون بدنبال قسمتهای گذشته ، گوشه‌هائی از دستاوردها و عملکرد شوراها را در کارخانجات از زمان پیروزی انقلاب تا کنون می‌آوریم ، تا نقش این نهاد کارگری را در عمل ببینیم . ازقدرت کارآیی آن آگاه شویم . از یکطرف بکوشیم تا در گسترش این نهاد در سطح جامعه موثر باشیم ، و از طرف دیگر در عمق- بخشیدن و افزایش کیفیت آن گام برداریم

دستاوردهای اقتصادی و رفاهی شوراها

راه‌اندازی کارخانه‌ها گامی در افزایش تولید

۱ـ شورای جهان چیت :

در زمینه ٔ صنفی و رفاهی شورای کارخانه ٔ جهان چیت اقدامات مفیدی انجام داده که نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم

الف . افزایش حقوق کارگران : این افزایش از یکطرف شامل ازدیاد حقوق کارکنان جمعاً " به میزان ماهیانه یک میلیون و هشتصد و هشتاد هزار تومان (۱۸۸۰/۰۰۰ تومان) شده است که بخشی از آن با جلوگیری از یک‌سری سوءاستفاده‌های مالی به مبلغ ۶۰ هزار تومان و کم کردن مبلغ ۵۴۰ هزار تومان اضافه‌کاری راکد در ماه ، برای اضافه دستمزد فوق ، تامین گردیده است ، و از طرف دیگر توزیع دستمزدها نیز جریان حقوق را بنفع کارگران دگرگون نموده است . بدین ترتیب که دارندگان حقوق کم تا ۱۲۰٪ و حقوق متوسط ۳۰٪ و حقوق بیشتر از آن ۱۰٪ به تناسب به دستمزدشان اضافه شده ، به کسانیکه حقوق مکفی داشته‌اند هیچ اضافه نشده است ، حقوقهای بیش از ۷۵۰۰ تومان نیز بنفع دیگران تا این حد کاهش داده شده ، همچنین از بین بردن تبعیض‌های حقوقی بین افرادی که دارای سابقه کار یکسان و شغل مشترک هستند از دیگر اقدامات شوراست .

ب . تقسیم سود سالیانه : با فرمول جدید اینکاری شورا ، و بر خلاف فرمولهای وزارت کار سود سالیانه تقسیم گردید . چون با فرمول وزارت کارمندهای از کارگران پس از حسابرسی بدهکار هم می‌شدند .

ج . پرداخت حقوق از دست رفته کارگران زن ، مانند حق اولاد ، که در مواردی حتی بمدت ۱۹ سال پرداخت نشده بود ، و تصویب پرداخت حقوق کامل برای ایام تعطیلی و مرخصی .

د . تقسیم عادلانه کار متناسب با نیروی جسمانی کارگران در حد متعادل ، و استخدام ۱۳۰ نفر از کارگرانی که بجرم دفاع از حقوق کارگران اخراج شده‌بودند . جالب اینکه با توجه به اینهمه دگرگونی سریع تولید نسبت به گذشته بیش از ۵۰٪ افزایش یافته است .

هـ . نظارت بر امور داخلی کارخانه و شروع به اقدام برای ساختن تعداد ۳۰۰ دستگاه خانه ٔ کارگری از دیگر کارهای شورا می‌باشد .

۲ـ شورای سیمان تهران ـ شمال

الف . از طریق کمیته ٔ فنی شورای کارکنان اقدام به راه‌اندازی واحد ۲۰۰۰ تنی جدید شده است . این واحد بعلت جدی نبودن سرپرست مربوطه راه‌نیفتاده بود . البته اشکالات بعدی که ایجاد شده ، راه‌اندازی آنرا عقب انداخته .

ب . رسیدگی شورا بوضع ۱۰۰ تن سیمان در روز که کارگران شامل میتوانند دریافت دارند . توضیح اینکه ، کارگران در صورت احتیاج می‌توانند مجموعاً " روزی ۱۰۰ تن سیمان بقیمت تجاری خریداری کنند . در صورتیکه قبلاً " از طرف کارخانه با پارتی بازی این مقدار به افراد دیگری تحویل می‌شد .

بعد از این اقدام شورا ، سهمیه ٔ سیمان بدون دلیل قطع شده است ، که شورا در تلاش برای برقراری مجدد آن است . در این کارخانه چنانچه ملاحظه میشود ، تلاشهای ضدکارگری شورا را با مشکلات متعدد مواجه ساخته است .

۳ـ شورای بنزخاور

کارفرما یک نماینده ٔ با حق امضاء انتخاب کرده ، ولی شورا وی را نپذیرفته است . در مورد اضافه حقوق ، شورا روش تقسیم اضافه حقوق به نسبت عکس درآمد را جایگزین افزایش یکسان ۴۴۰ تومان به حقوقهای تا ۱۰ هزار تومان کرده است . با این حساب هرکس حقوقش کمتر است اضافه حقوق بیشتری دریافت می‌دارد . موقعی هم که کارفرما می‌خواسته پورسانتاژ را روی حقوق بکشد شورا آنرا رد کرده است .

۴ـ شورای اونیورسال

بین شورای کارگری با کارفرما در- گیریهائی پیش آمده بود . برای حل اختلاف طرفین به دفتر آیة ا . طالقانی مراجعه می- کنند . ایشان ضمن برخورد قاطعی با کارفرما ، مساله را بنفع شورا و پرداختن سود ویژه بمبلغ ۶۰۰/۰۰۰ تومان به کارگران تمام می‌کنند .

عملکرد سیاسی ـ اجتماعی شوراهای کارگری

شوراها سنگر مقاومت در برابر جریانات ضدکارگری

۱ـ شورای جهان چیت

شورای جهان چیت در اسفند ماه گذشته با انحلال سندیکای فرمایشی تشکیل شد . شورا در اولین فرصت پرونده‌های موجود در دفتر حفاظت را که رئیس آن سرهنگ یمینی از ماموران ساواک بود ضبط کرد . از این طریق شورا موفق به شناسائی رابطین و عوامل ساواک در کارخانه شد .

۲ـ شوراهای وابسته به سازمان گسترش صنایع

شورا های کارکنان ـ کارخانجات وابسته و تابع سازمان موفق به تشکیل یک اتحادیه سراسری شدند . این اتحادیه که در ماه گذشته در تهران تشکیل شد در نوع خود بزرگترین اقدام سیاسی تشکیلاتی کارگران است . در گذشته راجع به اتحادیه و اساسنامه و قطعنامه آن نوشتیم و به موضوعات مورد بحث در جلسات کنگره اشاره کردیم .

۳ـ سندیکای آزمایش

خنثی کردن کارگرفریبی‌های کارفرما با افشاگری وسیع در میان کارگران . با اینکه کارفرما در ابتدا با دفلکاری توانسته بود نظر بعضی کارگران را جلب کند ولی بعد از آگاه شدن کارگران ، وی مجبور به استعفا می‌شود . پس از استعفا حساب بانکی وی بوسیله نمایندگان کارگران بسته شده ، تا نتواند به سوءاستفاده‌های گذشته ادامه دهد . این سندیکا در عمل در حد یک شورای کارگری توانایی کار دارد .

(بقیه در صفحه ٔ ۴)

ملی کردن سرمایه‌های عناصر وابسته در شهرک اکباتان

تنها راه حلی که شورای اسلامی کارکنان ارائه میدهد:

شهرک اکباتان یکی از بزرگترین پروژه‌های خانه‌سازی است که با سهام دارانی چون حسین دانشور آجودان کشوری شاه، وعناصر وابسته به دربار برافراشته است. آنان با غصب زمینهای عمومی در جادهٔ کرج وسهرکشی شدید از کارگران و چاول دسترنج مردم محروم جامعه، واستفاده سرشار از وامها وامکانات دولتی درگذشته ساختمانهای شهرک را برافراشتند.

بعد از پیروزی قیام خونین مردم، این وابستگان به دربار سعی داشته و دارند در پناه حمایت برخی از کمیته‌ها ونیز با بهره‌گیری از برخی عناصر سازشکار، شهرک وده شرکت وابسته به آن مانند الکترولوکس، ساختمان محدود... را مجدداً به تصاحب درآورند.

کارکنان هوشیار شهرک با مبارزات مداوم خود این خواب وخیالهای شیرین سرمایه‌داران را آشفته میسازند. آنها که در حدود ۲۷۰۰ نفر میباشند، با تشکیل یک شورای عمومی ۷۸ نفره وشورای هماهنگی مرکزی ۸ نفره از نمایندگان واقعی منتخب خود یکی از فعالترین ومتحدترین شوراها را سازمانده‌ی کرده‌اند.

در اتحاد وهمبستگی آنان همین شاهد بس است که تا بحال عوامل کارفرما، ۳ کمیته برعلیه آنان ساخته‌اند، ودرمقابل مبارزات آنها کاری از پیش نبرده‌اند.

آخر چرا باید بعد از آنهمه جانسازی وشهید دادن، حالا در حکومت جمهوری اسلامی هزاران کارگر ما همچنان با مشکلات بسیاری باشند که عوامل وابسته به دربار سابق پشت آن خوابیده‌اند؟ چرا شورای واقعی کارکنان شهرک اکنون بایستی درجبهه‌های مختلف با کارفرماهای فراری، عوامل وطرفداران آنها در سیستم اداری وکمیته درگیر باشند؟ از طرف دیگر کارگران شهرک به زحمت نان شب خود و خانواده‌شان را تامین میکنند، وعلیرغم آن تلاش میکنند تا شهرک از فعالیت نیفتد وبه کار خود ادامه دهد. درچنین شرایطی حمایت مقامات رسمی از مالکیت سهامداران وابسته وفراری شهرک با نمایندگان آنان چه مفهومی میتواند داشته باشد؟

راستی آیا وقت آن نرسیده که با ملی کردن واقعی این قبیل سرمایه‌ها تحت نظارت شوراهای کارکنان ومدیریت دولت به حقوق حقه کارگران رسیدگی شود. وعلاوه بر مصادره ۲۵٪ سهام شرکت بقیه آن نیز ملی گردد.

نامه زیر که به امضاء شورای اسلامی کارکنان شهرک اکباتان میباشد، گویاترین دلیل بر ضرورت ملی کردن واقعی تمامی شهرک است.

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگاه ملت ایران ورهبر انقلاب

ما کارکنان شهرک اکباتان در مسیر انقلاب با تلاشهای فراوان از تعطیل شدن شهرک، که از خواسته‌های کارفرمایان ضد انقلابی آن بود، جلوگیری کرده، وبه این ترتیب یاری از همکاران بعد از انقلاب که وبال گردن وزارت کار بوده برداشتیم ولی سهامداران عمدهٔ این شهرک یکی بنام حسین دانشور با ۲۵٪ سهام قبل از انقلاب بار خود را بست وفرار کرد، وسهامش نیز بوسیله دولت مصادره شد، سهامدار دیگر این شهرک بنام گلزار با تهدید وحیله واعمال نفوذ فراوان درصدد بازپس گیری خود برآمد تا خیال خود را عملی کند اما حکومت جوزا برقرار گشت، ولی بالاخره در مقابل ختم وانتقام کارگران متحد به شاه مقاومت نیاورده وفراری گشت، وبا استفاده از ایادی دیگر خود از ایران خارج شد. وی با نفوذی که داشت برادر خود بنام گلشنی را وکیل خود کرده ومنتظر است تا بگیر وببندهای جنایتکاران تمام شود وحسابات او نیز فراموش شود. آنوقت برای بهره‌وری از سرمایه‌های خود که تیلورخون مستعفین است با فراغ بال به ایران برگردد.

... در روز ارتجاعه‌ها بجای مصادره اموال گلزار ودستگیری برادر جنایتکارش که شریک جرم او نیز بوده، با لکیت او را محترم شمرده واین وکالتنامه را قانونی قلمداد میکند. واین در حالی است که ما کارکنان شهرک همه نوع مضیقه را بجان پذیرا شده ایم، تا این پروژه با حداقل هزینه به اتمام برسد، وهر ماه برای حقوقمان کاسه گدائی به دست میگیریم.

آقای گلشنی برادر وموکل گلزار یکی از ساختمانهای این شرکت را که در شهرآرا واقع است با پرداخت رشوه‌های کلان به کارسازهای وابسته به چندین میلیون تومان میفروشد.

مابه اطلاع رهبر انقلاب وملت ایران میرسانیم،

درجائیکه به کارگران ما فقط حقوق میدهند، وپول برای تهیه تدارکات نمیرسد، وبه این جهت تدارکات کار ما ناقص است، محترم شمردن مالکیتهای کذائی خیانت به اسلام ومسلمانان است. فروش اموال شرکت بنفع گلزار حمایت از استعمارگران غاصب است وموجب کم‌کاری کارکنان این شهرک میشود. چون نمیخواهند همراه غاصبین دیگر آب به آسیاب جنایتکاران بریزند.

لذا ما کارکنان شهرک بنا به مسئولیت ایمانی خود در مقابل امت اسلام ورهبر عزیز خود میخواهیم:

۱ – اموال گلزار بنفع مستضعفین مصادره گردد.

۲ – فروش ساختمان شهرآرا بازپس گرفته شود.

۳ – گلشنی دستگیر وبه سزای اعمال خود برسد.

شورای اسلامی کارکنان شهرک اکباتان

۵۸/۵/۱۰

چگونه سرمایه‌داران وابسته، کمیته شهرک را در برابر کارگران قرار میدهند،

با همه اقداماتی که کارکنان وشورای شهرک در رابطه با وزارت‌خانه‌های مسئول انجام داده‌اند ومبارزاتی که طی چندماه اخیر با عوامل کارفرما داشتند، تلاشهای غدکارگری از مجاری گوناگون همچنان ادامه دارد.

مثلاً هنوز هم کمیته برای ضربه زدن به شوراهای واقعی کارکنان کارشکنی میکند. اکرامی رئیس کمیته بین کارگران ترک وکرد تبعیض قائل شده وتفرقه میاندازد. از کارگران مبارز بازجوئی کرده ویا به نمایندگان شورا تا سزا میگوید.

حتی بخود این اجازه را میدهد که در مقابل خواسته‌های بحق کارکنان تیر بار آورده ویا شلیک هوائی کنند. گویا نمیدانند که اگر با تیر بار مشکلات حل میشد تا غاز با شوب وتانکش حلال همه مشکلات بود.

عدم رسیدگی به خواسته‌های هزاران نفر از کارکنان شهرک طی چندماه اخیر، وتحریکاتی که علیه آنان وبخصوص برای از هم پاشیدن شوراهای عمومی و هماهنگی میشود، باعث شده، در تاریخ سه‌شنبه ۵۸/۵/۱۶ شورای مرکزی ضمن اعلام یک حرکت اعتراضی جمعی خواستهای زیر را مطرح نمایند.

کارکنان وافراد شهرک اکباتان در روز سه‌شنبه ۵۸/۵/۱۶ در محوطهٔ شهرک مورد تهاجم افراد کمیته مستقر در شهرک قرار گرفته‌اند، واهانت کلی به امضاء شورا ونمایندگان قسمتها نموده، و حکم جلب آقای اکبرشاهی عضو شورای شهرک را صادر نموده‌اند.

لذا با توجه به وضع موجود نداشتن تامین جانی، بیش از چهارهزار نفر کارکنان شهرک مواردچهارگانه زیر را خواستارند:

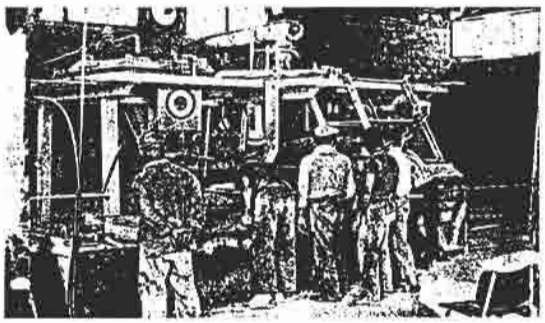

۱ – خروج فوری وبدون قید وشرط مسئول کمیته محمد اکرامی از شهرک بعلت نداشتن صلاحیت.

۲ – تشخیص وشناسائی افراد مهاجم وباز خواست از ایشان.

۳ – تصفیه قسمت حفاظت و کارگردن این قسمت زیر نظر کمیتهٔ انتظامات، منتخب شورای کارکنان شهرک.

۴ – مصونیت داشتن افراد شورا و نمایندگان قسمتها از هر جهت.

حل این مسائل بستگی به رفع نیازهای واقعی کارکنان براساس خواستهای اعلام شده آنان از روز گارگرتا بحال دارد. بنابر این تا زمانیکه با ملی کردن شهرک وواگذاری اداره امور آن بعهده شورای کارکنان تحت نظارت دولت عملی نشود، وبه نیازهای صنفی وسیاسی کارکنان رسیدگی نگردد، نه تنها مشکلات حل نخواهد شد، بلکه روز بروز افزایش خواهد یافت.

هرگونه تاری اجتماعی روش خاصی دارد، وراه حل روشن مسائل شهرک اکباتان همین است.

ونیز امیدواریم مسئولین شورا با قاطعیت از منافع کارکنان شهرک دفاع کرده و مسئولیتی را که عهده‌دار شده‌اند بخوبی انجام دهند. تا جائی برای اعمال ضد کارگری عناصر سازشکار و ارتجاعی باقی نماند. در اینصورت مطمئناً "شورای عمومی وهماهنگی از پشتیبانی کارکنان پشتگرم خواهد شد.

نتیجه فعالیت‌های کارگران

شورای کارکنان شهرک در ادامه فعالیتهای خود برای رسیدن به خواستهای کارگران وکارمندان در تاریخ ۵۸/۵/۱۷ با مدیریت شرکت وکمیته مرکزی بمذاکره پرداخت.

مدیریت شهرک که از طرف وزارت مسکن تعیین شده است به مهلت یکماهه شورا برای مصادره بقیه اموال وملی کردن تمامی شرکت وعده داده است. هم چنین قول داده است که دیگر اکرامی را بعنوان رئیس کمیته شهرک برسمیت نشناسد.

هرچندکه تا این تاریخ مقامات بالاتر کمیته مسئله برکناری اکرامی را تحت بررسی میدانند، شورای کارکنان برکناری وی را حتمی تلقی کرده وعملی غیرقابل برگشت می‌پندارد.

نتیجهٔ دیگر مذاکرات وعده اخراج ۳ نفر با سدانی که در مقابل کارگران تیراندازی نموده‌اند، از طرف کمیته مرکزی میباشد.

درسومین نماز جمعه، استاد مجتهدی شبستری:

صراحت، اعتماد ووحدت ضامن پیروزی انقلاب

● همبستگی خلقهای ایران و فلسطین پیروزباد

هفتهٔ قبل نمایندگان جنبش خلقهای ایران وفلسطین، آیت‌الله طالقانی و برادر هانی الحسن، دبر سفارت فلسطین بودند وامروز (جمعه) قلب مردم ما در دانشگاه تهران به اشتیاق پیروزی خلق فلسطین می‌تپید.

شعارهائی چون "ثوره ثوره حتی النصر" (انقلاب، انقلاب تا پیروزی)، "امریکا، صهیونیسم دشمن مستضعفین" و بگفته خمینی پیش بسوی وحدت"، فضائی از خشم مقدس ضد امپریالیستی – ضد صهیونیستی را با کلام خدا درهم می‌آمیخت. و اینبار آیات قرآن مضمون واقعی ضد استبدادی وضد استعماری خود را که دراین شرایط لازمهٔ وحدت نیروها است می‌یافت.

سخنرانی استاد مجتهدی شبستری پربار تر از همیشه، بدور از گلی گوئی، رهنمودهای عینی و ملموسی بمردم میداد اینک بدنبال گزارشهائی که از دو نماز جمعه اول و دوم داشتیم، مضمون و محتوای سخنان استاد شبستری را در سومین نماز وحدت می‌آوریم.

انحصارطلبی به اعتماد مردم لطمه میزند

دراین شرایط که امپریالیسم و صهیونیسم وعوامل ضد انقلاب روزبه روز بر علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند، بایستی در جهت جلب اعتماد مردم نسبت به رهبری و به گروههای سیاسی و بالعکس حرکت کرد. واعتمادی اصولی را پایه ریخت، نه اینکه با تقلبهای گوناگون مردم را فریفت. مگر چندبار میتوان بمردم دروغ گفت. یکبار، دوبار، ولی بار سوم مسلماً دیگر آن گروه ماهیتش رو میشود. و لو اینکه خود را در پس چهره‌ای اسلامی هم پنهان کند، نمیتواند روی اعتماد مردم حساب کند. آن حزبی که بنام اسلام با اعتماد توده‌ها ضربه بزند، به اسلام، بوحدت مردم وبخودش ضربه زده است.

برای حفظ وحدت بایستی با مردم صریح بود.

انبیاء در طول تاریخ یکه وتنها، ولی با بیانی صریح، پاک و صادق، اعتماد توده‌های مردم را جلب کردند. و به اتکای همین اعتمادها تلاشهای فاسد حاکم را سرنگون نمودند.

خلق فلسطین با صراحت ووحدت خویش احترام و اعتماد تمامی جهانیان را برانگیخته است. تا آنجا که در هفتهٔ آخر ماه رمضان بفرمان امام تمامی مسلمین جهان، هفتهٔ قدس را برگزار میکنند. و ما بایستی با برگزاری هرچه پر شکوهتر این روزها، همبستگی و احترام خود را نسبت به خلق قهرمان فلسطین نشان دهیم.

در اردوگاههای فلسطین ارحوه – بزرگ بینی و برتری‌طلبی‌های انحصار – طلبانه خبری نیست. آنجا خلقی نوین پا به صحنهٔ تاریخ میگذارد. خلقی متحد وبندگی و سازوکار آنان با درس صراحت، اعتماد و وحدت مأمور.

بقیه در صفحه ۷

نقش عملی شوراها در بالا بردن کیفیت مبارزه کارگران

بقیه از صفحه ۳

۴ – شورای کارخانه اونیورسال

یکی از افراد مسفور اخراجی اونیورسال بهمراه یک روحانی بما به کارخانه میآید، تا مشغول کار شود. نماینده شورا آنها را راه نمی‌دهد. مراجعین پس از یک درگیری لفظی باز میگردند. سپس چند نفر از کمیته محل می‌آیند، و ابتدا از نمایندگان شورا می‌خواهند که برای افتتاح کلانتری محل با آنها بروند. نمایندگان که می‌فهمند کاسه‌ای زیر نیم کاسه است، حاضر به رفتن نمی‌شوند. مأمورین کمیته حکم جلب نمایندگان را رو می‌کنند. نمایندگان کارگران برای رسیدگی به مسئله به شهربانی تلفن زده و ازطرفی کارگران را نیز مطلع می‌کنند. برخی کارگران به پشتیبانی از نمایندگان خود با آجار و پیچ‌گوشتی و ... از راه می‌رسند. افراد کمیته مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند.

۵ – شورای ارج

شورای کارخانه موفق به دستگیری رئیس سابق حفاظت کارخانه و کشف اختلاسی بمبلغ ۲۸۰/۰۰۰ تومان میشود.

عملکرد فرهنگی شوراهای کارگری:

آگاهی ایدئولوژیک وانقلابی

۱ – شورای جهان چیت

ایجاد کتابخانه، تشکیل کلاسهای ایدئولوژیک، واجرای سخنرانی در قسمتهای مختلف برای آگاهی و آشنائی کارگران با حقوقشان جزو کارهای کمیتهٔ فرهنگی شورا است.

۲ – شورای بوتان

گرامیداشت سالگرد شهادت دکتر علی‌شریعتی، و سالروز خلع بدار شرکت نفت ایران و انگلیس از نمونه‌کارهای فرهنگی شورا می‌باشد. این مراسم همراه با سخنرانی استاد حلال گنجه‌ای و قرائت گزارش فعالیتهای انجمن اسلامی کارخانه بوتان بوده است.

۳ – شورای توانیر

برگزاری یک سخنرانی درباره امپریالیسم و عملکرد آن، و تشکیل یک نمایشگاه عکس از شهدای انقلاب که به وسیله یک کارگر به شکل زیبائی نقاشی شده بود از اقدامات فرهنگی شورای توانیر می‌باشد. این مراسم با شعار "انقلاب انقلاب پیروزاست" – "آمریکا، آمریکا نابود است"، در میان استقبال گرم کارکنان پایان یافت.

نکته قابل توجه: در زمینهٔ نقش فرهنگی شوراها، باید زمینهٔ فکری کارگران را برای استمرار مبارزه ضد امپریالیستی ارتقاء دهند. آگاهی سیاسی – ایدئولوژیک آنانرا برای تشکل و سازمان یافتگی در مسیر انقلاب بالا برند، و دید درازمدت آنانرا برای استقرار جامعهٔ بی‌طبقه توحیدی و نفی استثمار انسان از انسان جهت دار سازند. بلحاظ ایدئولوژیک جامعهٔ بی‌طبقه توحیدی مضمون اجتماعی اهداف مکتبی کارگران می‌باشد. و راه وصول به آن در این مرحله از انقلاب خلق ما از یک مبارزه قاطع با امپریالیسم و بقایای پوسیدهٔ آن عبور می‌کند. در این انقلاب و در راه تحقق اهداف بلند مدت مکتب توحید کلیهٔ زحمتکشان بخصوص کارگران نقش اساسی بازی می‌کنند. و از نظر تاریخی کارگران باید با کسب آگاهی لازم، آمادگی خود را برای قبول رسالت اجتماعی شان بالا برند – باامید تحقق آرمانهای توحیدی

"مردم و مجاهدین"

امیدواریم با انتقادات و پیشنهادات خود ما را یاری دهید

با انتشار اولین شماره‌ی نشریه مجاهد، نامه‌های زیادی دریافت کردیم، حاوی تشویق‌ها، انتقادات، سئوالات، اشعار و مقالات و پیشنهادات.

اینها همه مایه دلگرمی ما است، ولی برای ما نامه‌های حاوی انتقادات و پیشنهادات، ارزشمندترین و تشویق‌آمیزترین نامه‌هاست، چرا که برادر یا خواهری که به ما انتقاد می‌کند و یا پیشنهادی طرح می‌کند، آنقدر به سرنوشت مجاهدین و نشریه مجاهد علاقمند است که می‌خواهد در "بهتر شدن" و "ارتقاء آن" شرکت کند.

امیدواریم پیش از پیش با "انتقادات" و "پیشنهادات" خود ما را یاری دهید. درست بهمین دلیل سعی خواهیم کرد این ستون در درجه اول منعکس‌کننده انتقادات و پیشنهادات شما باشد. البته انتقادات عمومی‌ای که طبعاً در حد گنجایش هفته‌نامه و توان خودمان باشد. ولی بدون شک سعی خواهیم کرد کلیه انتقادات شما را بدقت مطالعه کنیم و آنچه را که وارد می‌بینیم در زندگی سیاسی خودمان بکار بگیریم و بدین سان سیاس و پاسخ عملی را تقدیمتان کنیم.

امیدواریم با گسترش این ستون نشریه، بیش از پیش منعکس‌کننده، نظرات، مقالات و اشعار شما برادران و خواهران باشیم.

ـ درباره قیمت نشریه

برادری ضمن بررسی نقش آگاه‌کننده نشریه مجاهد و یادآوری این نکته که نشریه، سازمانی که بخاطر بهروزی مستضعفین مبارزه می‌کند باید دارای شرایطی باشد که بدست طبقات کم‌درآمد برسد، از قیمت نشریه انتقاد کرده و پیشنهاد کرده بود که تک‌شماره مجاهد ۱۵ ریال فروخته شود.

در این مورد باید یادآور شویم که یکی از شیوه‌های فشاری که بر ما اعمال میشود زمینه مالی است. ما بسیار مایل بودیم که قیمت نشریه را به حداقل ممکن تقلیل دهیم. ولی در شرایطی که حتی برای بازپس گرفتن کوچکترین امکانات مالی که ما در زمان طاغوت و در جریان مبارزه، ضد دیکتاتوری بدست آورده‌ایم، بیشترین فشارها برما وارد میشود. وحتی ساده‌ترین وسائل موجود در ساختمان جنبش بتدریج بازپس گرفته میشود، و عملاً منبع مالی جز حمایت‌های صادقانه توده‌های حامی سازمان نداریم، تصدیق می‌کنید که توان تحمل هزینه مستمر و هفتگی تقلیل قیمت نشریه را نخواهیم داشت.

به امید آنکه حمایت‌های همه‌جانبه خواهران و برادران، ما را از مضیقه مالی برهاند. تا بتوانیم انتشارات خود را با شرایط سهل‌تری در اختیار توده‌ها قرار دهیم.

ـ درباره خبر حمله به مسجد جامع خرمشهر

خواننده‌ای در مورد نحوه نقل این خبر در نشریه انتقادی داشت که عیناً ذکر میشود:

"... برادران در شماره اول نشریه مجاهد صفحه ۷ در مورد خبر حمله به مسجد جامع خرمشهر و وقایع آن شهر خبر را عیناً مانند خبری که در آینده‌گان و پیغام امروز و ... چاپ‌شده بود منتشر کردید. چون واقعیت اینست که عده‌ای مزدور به مسجد جامع حمله نموده و نارنجک به مسجد پرتاب می‌کنند، که عده‌ای هم شهید و زخمی می‌شوند. و کاری که حتی آریامهر جلاد هم مرتکب آن نشده بود. انجام می‌دهند. ولی شما نوشته بودید "بدنبال انفجار نارنجک در مسجدی در خرمشهر"! در صورتیکه باین مسجد حمله شده بود. شما نمی‌دانم از "یک درصدی‌ها" حساب می‌برید و از آنها وحشت دارید که اخبار را باب طبع آنها منتشر می‌کنید! با اینکه این موضوع را باور ندارید که به مسجد حمله شده، اگر حق دوم را قبول داشته باشید وای به حال ملت مسلمان که ماله گروهی از مارزین مسلمانش چنین باشد.

درباره مشکل بودن زبان نشریه مجاهد برای کارگران

نامه‌هائی داشتیم از برخی برادران و خواهران که از مشکل بودن زبان نشریه برای کارگران و یا افرادکم‌سواد انتقاد کرده بودند که یکی از آنها را عیناً نقل میکنیم:

"... این سخن یک کفاش از یکی از بخشهای ایران است نشریه مجاهد را مطالعه کردم ولی باید بگویم فکر نکنم شما یا دیگر ارگانها، روزنامه‌های خودشان را اعتماد می‌به قشرها می‌ی از جامعه داده باشند. مثلاً نمیتوانید بگوئید که نشریه ما، فقط اعتماد می‌دارد به روشنفکران. در اولین نشریه سازمان مجاهدین خلق فکر کنم انتقادها و پیشنهادها از زمینه جا سرازیر شده و یا میشود چرا؟ و به چه علت؟ روزنامه و یا هفته‌نامه با یدهمگان فهم باشد. همه اقشار از آن استفاده کنند. و قابل درک باشند من که یک کارگر هستم با یدبفهمم که مطلب شما چه میگوید آنقدر پیچیده مطلب را بیان کرده ایدکه برای افرادی از دیپلم به پائین قابل فهم و درک وبرداشت صحیح نیست ..."

در این مورد با یدیادآور شویم که بخش کارگری و سازمان جوانان مجاهد، نشریات ویژه‌ای دارند که با زبان ساده‌تر نوشته میشود. امیدواریم بتوانیم این انتشارات ویژه را گسترش بدهیم تا بتدریج انتقاد دفوق، رفع شود.

عملاً تجربه نشان داده که نمیشود نشریه را بشکلی منتشر کرد، که چه بلحاظ محتوی وچه بلحاظ زبان نشریه نیازهای تمام اقشار و طبقات را یکجا سر آورد. وبهمین علت درغالب موارد سازمانهای انقلابی با بوجود آوردن ارگانهای ویژه، نشریات عامی نیز برای اقشار مختلف اجتماعی منتشر میکنند، تا بدوا نندیا سخگوی نیازهای فرهنگی وسیاسی جامعه باشند.

بمناسبت شهدای برادر ماه رمضان

بقیه از صفحه ۱

از مفاهیم و مقولات بسیار ژرف و انگیزنده است. قدر و تقدیر به معنی اندازه و اندازه‌گذاری از جمله این مقولات ارزنده می‌باشد. جالب اینست که قرآن در هر موردی که بیکی از این مفاهیم یا مقولات بسیار مهم اشاره می‌کند، اهمیت آن را با جمله "و ما ادریک ما ..." تأکید می‌کند. مثل: و ما ادریک مالقبه (و چه میدانی که عقبه چیست) و یا در این سوره: و ما ادریک ما لیلة القدر (و چه میدانی که شب قدر چیست) و امثالهم. و این نشان آنست که مطلب فوق العاده مهم و حیاتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اکنون در این سوره ضمن چند آیه بسیار کوتاه مسئله و مقوله "قدر" (که سوره نیز بهمین نام، اسم‌گذاری شده) مطرح گردیده است. و ما درصدد آنیم که برداشت‌های انقلابی خود را در این مورد منطبق با فرهنگ اصیل توحیدی قرآن باختصار هرچه تمامتر در اینجا ارائه دهیم.

قبل از ورود به اصل مطلب شایسته است از تفسیر آیت‌الله طالقانی از سوره قدر نیز که راهگشای ما در این مورد بوده است و از هرجهت خواندنی است نام ببریم.

توضیح قَدَر بعنوان هم ریشه قَدْر

پیش از ورود به بحث "قَدْر" بی‌مناسبت نیست ابتدا مختصری در باره "قَدَر" (قضا و قدر) که با این کلمه هم‌ریشه است توضیح دهیم تا زمینه مشترک هر دو بحث روشن گردد.

با اعتقاد به آزادی اراده، سوء انسان که یک اصل اجتناب ناپذیر انسان شناسی توحیدی است، تفاوت کیفی عظیم میان برداشت انقلابی قرآن از مسأله "قضا و قدر" با استنباط عامیانه و جبرگرایانه از این موضوع وجود دارد. در استنباط جبرگرایانه، مطلق از "قضا و قدر" آزادی و حریت ذاتی نوع انسان و اینکه انسان می‌تواند باذن خدا (با استفاده از سنن و قانونمندیها) جبرهای کور را شکسته و طبیعت و جامعه و خودش را مطابق آنچه که می‌خواهد (البته بطور نسبی و مرحله‌ای) نظم و سامان دهد، فراموش می‌شود. بدین ترتیب انسان پیوسته غلام و اسیر و بنده جبرهای کور غریزی، طبیعی و اجتماعی است و هرگونه قدرت و توانایی را برای سمت‌دادن آنها بحساب مطلوب فاقد است. بنابراین بایستی اساساً بنشیند و صبر و انتظار علیم طلبانه پیشه کند. پیداست که این استنباط که در بطن خود مسئولیت و وظیفه‌مندی فرزند انسان را منکر است، یک استنباط شرک‌آمیز می‌باشد که انسان را در جهانی کور و بی‌مقصد، بله و رها و بلاتکلیف تلقی می‌کند. تجسم عینی این طرز تفکر در سده‌های نخستین اسلام، اشاعره بودند. آنان با استناد صوری به برخی از آیات قرآن، مانند آیه: "ما رمیت اذ رمیت" (سوره انفال ـ تو نبودی که تیر می‌انداختی بلکه خدا تیر می‌انداخت) جبرگرایی کور و شرک‌آمیز خود را توجیه می‌کردند. آنها نمی‌دانستند که درمتن همین حتمیت‌ها و تقدیرات و ضرورتهای اجتناب ناپذیر آفرینش، آدمی بطور نسبی صاحب اختیار است. بطوریکه میتواند با آگاهی برضرورتها وقانونمندیها از سلطه جبرهای کور رها شده و با اختیار خود به مقتضیات و اندازه‌گذاریها و و حتمیت‌های جدیدی رو کند. این جبرگرائی عامیانه از لحاظ سیاسی بسیار خطرناک بود و تباه کاریها و جنایات زمامداران سفاک اموی و عباسی را توجیه می‌نمود و آنها را به مهر "خواست خدا" (یعنی خواست خدا همین است و کاری هم نمیشود کرد) ممهور می‌ساخت. در همین رابطه بود که امام حسین (ع) ضمن نامه‌ای به حسن بصری پیشوای ملکی اشاعره در باره مفهوم قضا و قدر نوشت:

"... هرکه به قَدَر ایمان نداشته باشد نصیبی از خداپرستی ندارد وچراغ تابناک ایمان در دلش پرتو نخواهد افکند". ملاحظه میشود که امام، ایمان به حتمیت‌ها و ضرورتها را شرط مقدم خداپرستی و اعتقاد به حساب و کتاب داشتن هستی میداند، لیکن بلافاصله خاطرنشان میدارد که: "... و آنانکه نافرمانیها و سیاهکاریهای خود را از جانب ایزد متعال می‌دانند، بی شک افترائی بس بزرگ بخداوند بسته اند. پروردگار بی‌نیاز، هیچ بنده‌ای را به فرمانبری مجبور نفرمود ...".

ملاحظه می‌گردد که اسلام راستین یک اسلام سنت‌گرای طبقاتی و جاهلی را که در طی سالیان دراز جهل و بندگی و تحریف، شکل گرفته است، بدک می‌کشند. چنانکه می‌دانیم در فرهنگ عامیانه شب قدر را اینطور تفسیر می‌کنند که "در یکی از شبهای ماه رمضان که ضمناً شب نزول قرآن هم هست خدا سرنوشت و تقدیر همه کس و همه چیز را تا سال بعد معین می‌کند ... سرنوشتی که هیچ گریزی هم از آن نیست ...".

روایات و اخبار متعددی که بر اهمیت این سوره تأکید دارند و از جمله سفارشاتی که در مورد قرائت این سوره بهنگام وضو گرفتن و یا هنگام افطار شده، اهمیت مطلب را (در هر جهت که تفسیر شود) بالا برده است.

اکنون سعی داریم با مدد گرفتن از یک فرهنگ توحیدی خالص و انقلابی تا جائیکه برایمان امکان دارد معنی "قَدْر" را بزبان ساده تشریح کنیم. روش برداشت و تفسیر ما از قرآن همان روش متقن تفسیر تشیع و ائمه است که "تفسیر قرآن بوسیله و با کمک خود قرآن" نامیده می‌شود.

ـ شب قدر منحصر به یک شب نیست

چنانکه از روال و معانی آیات سوره پیداست، شب قدر بطور انحصاری فقط همان شبی که قرآن در آن نازل شده نیست. چرا که قرآن خود در یک شب قدر نازل شد، نه اینکه منحصراً "موقع نزول قرآن" شب قدر نامیده شده باشد. بعبارت دیگر در حالیکه شبانگاه نزول قرآن بطور اخص یک شب قدر بوده، لیکن شب قدر بطور اعم نیز مطرح است. یعنی سلسله شبهایی که یکی از آنها به نزول قرآن تخصیص یافته است.

۲ـ شب به معنی مرحله بکار رفته است

معنی دقیق "شب قدر"، "مرحله قدر" است. اگرچه قرآن بزبان ساده آنرا با کلمه "شب" خاطرنشان می‌نماید. به عبارت دیگر هیچ لزومی ندارد که کلمه "شب" را دقیقاً "به شبانگاه" تعبیر نمائیم. کما اینکه در بسیاری موارد دیگر نیز شاهد هستیم که منظور قرآن فی‌المثل از کلمه "روز" (یوم)، نه یک روز خورشیدی بلکه یک "مرحله" یا "زمان" و "گاه" و "قدم" مورد اشاره است. بعنوان مثال وقتی در فرهنگ قرآن به واژه "یوم الفصل" (زمان جدائی و گسست از مرحله‌ای به مرحله دیگر) برخورد می‌کنیم و یا وقتی در سوره معارج از "روز" ی صحبت می‌شود که مقدار آن پنجاه هزار سال است و یا وقتی در سوره یونس اشاره میشود که خدا آسمانها و زمین را در ۶ روز آفرید. معلوم است که منظور ۶ روز خورشیدی نیست و بلکه ۶ گاه یا مرحله است.

۳ـ مرحله قدر سرفصل کیفی حرکت پدیده‌ها

نخستین نشانه‌ای که خود سوره قدر از معنی قدر بما میدهد اینست که شب یا مرحله قدر از هزار ماه گزیده‌تر و بهتر است. باین معنی که بعد از تأکید روی اهمیت قدر (و چه میدانی که شب قدر چیست؟) چنین تشریح شده که مرحله قدر از همه آنها گزیده‌تر است. مرحله‌ای که علی‌القاعده بایستی فرجام یا سرفصل مسیر تحولات چندین ماهه را (که به عددکثرت هزار خاطرنشان شده) در بر داشته باشد. بنابراین مرحله قدر آن مرحله و نقطه‌ای است که مشخص یک سرفصل کیفی در مسیر حرکت و تحول پدیده‌هاست. مرحله‌ای که سر انجام یکری مراحل قبلی و سرآغاز یکری مراحل بعدی است که ضمناً در چارچوب کلی تقدیرات و ماهیت پدیده‌ها صورت می‌گیرد.

۴ـ در مرحله قدر کلیت هر امری مشخص میشود

نشانه بعدی که از قدر در این سوره بدست داده می‌شود اینست که در آن مرحله ملائکه و روح باذن پروردگار تکامل بخش خود، کلیت هر امری و یا کل امور را فرومی‌آورند. "ملائکه" مطابق تفسیر آقای طالقانی همان مبادی و مبانی قوا نیروهای طبیعی و هستی می‌باشند. در مورد "روح" بخاطر پیچیدگی مطلب و نیاز به شرح و بسط مفصل آن (برای پرهیز از انحرافات مبتذل ادیان شرک‌آمیز و مکاتب تشوی) فعلاً از تفسیر آن صرفنظر می‌کنیم و آن را به بحث مبسوط‌تری‌وا می‌گذاریم، همین قدر باید متذکر گردید که در رابطه با بحث حاضر آنچه بسیار روشن کننده است اینست که مرحله قدر مرحله‌ای است که مبادی و مبانی قوا وروح و جوهر و جان مایه امور و پدیده‌ها در آن فروفرستاده و معین می‌گردد. به عبارت دیگر این سرفصل تغییرات کیفی نقطه‌ای است که در آن مطابق اذن خدا (که همان نوامیس و قانونمندیهای نظام خلقت باشد) نیروها و مبادی قوای طبیعت و خلقت، روح و جوهر و طبیعت هر شیئی و بالاخره "کل امر" با کلیت مسیر حرکت پدیده‌ها و اشیاء را معین و مقرر می‌سازند.

۵ـ در جهان بینی توحیدی "تضاد" در دامن "وحدت و سلام" معنی و موجودیت پیدا می‌کند

آخرین نشانه و رهنمودی که در این سوره از مرحله قدر بدست داده شده این است که: آن سلام است تا گاهی که سپیده دم برآید.

"سلام" این شعار رسای توحیدی واجد آنچنان معنای ژرفی است که بی‌مبالغه می‌توان گفت که یک جهان معنی و فلسفه توحید را به تنهایی در خود دارد. توضیح اینکه در جهانبینی توحیدی که وجود را با مقصد و معنا تبیین می‌کند جوهر حرکات و تضادهای عینی، سلام و وحدت است. در این جهان بینی، وحدت هدف مبارزه اضداد و تضاد وسیله نیل به وحدت و یگانگی و سلام است. بنابراین در جهانبینی توحیدی "تضاد" در دامن "وحدت و سلام" معنی و موجودیت پیدا می‌کند. اصالت هستی شناسانه از آن سلام و وحدت است که سمت حرکت و حل تضاد ها را نهایتاً مشخص می‌سازد. سعی که اگر نبود، جهان در تاریکی ابدی کشاکش اضداد فرو می‌رفت و هستی از هر مقصد و معنایی تهی میشد. لیکن فلسفه سلام و وحدت همچون سپیده دمی است که رسانندهٔ پیام روشنایی و نجات و رستگاری است. یک روشنایی هستی‌شناسانه که در پایان هرشب تیره و تار دمیدن فجر صادق را بطور محتوم وعده میدهد. سپیده دمی سپس آشتی و سلام و صلح و جاودانگی که جان مایه و روح از پیش دمیده شده هستی و اشیاء و امور است. نهایتی مشخص که در ورای همه کشاکشها و فراز و نشیب‌ها و جنگ اضداد رخ می‌نمایند. انتهای خط تضادها، همان آثار سلام و وحدت جاودانه فردوسی است که سخنوری در این پیام قرآنی ترسیم شده است.

"ادخلوها بسلام آمنین" (بدان وارد شوید با سلام و باکمال ایمنی). کما اینکه می‌بینیم در وصف فضای بهشتی جهان اخروی در قرآن آمده است که: "تحیتهم فیها سلام ..." (تهیت و زندباد گویی آنها در آن، سلام است). چراکه "زنده‌باشی" (یا خسته نباشی) گفتن ما در این جهان، بدان خاطرات که زندگی و آسودگی پیوسته در معرض تضادهای اجتناب‌ناپذیرشان یعنی مرگ و خستگی است. لیکن در جهان برترینی که بنا بر آیات سوره محمد، آنتروپی و کهولت و تضاد را در آن راهی نیست (آب نمی‌گندد و طعم شیر تغییر نمی‌کند) همه تحیت ها به سلام و آشتی و صلح جاودانه ارتقاء می‌یابد.

ناتمام

لیلة القدر یا مرحلهٔ جهش

برداشتی از سورهٔ "قدر" و تفسیر "شب قدر"

مراسم تجلیل از مجاهد شهید سعید صفار

توطئه‌هائی که از ناحیه مرتجعین بر علیه انقلابیون مسلمان و مجاهد صورت میگیرد محکوم است.

یکشنبه شب هفته گذشته ۱۲ مرداد بمناسبت هشتمین سالگرد شهادت مجاهد شهید سعید صفار مراسم تجلیلی از طرف خانواده وی در منزل آن شهید برپا گردید در این مراسم که با تلاوت آیاتی چند از قرآن آغاز گشت، ابتدا شرح زندگی انقلابی شهید سعید بوسیله خواهرا وخوانده شد. سپس پیامی از جانب انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران قرائت گشت. همچنین در این مراسم پیامی از سوی پاسداران کمیته ثقفا (واقع درحوالی منزل شهید) بوسیله یکی از پاسداران پاسدار قرائت گردید. در این پیام ضمن تجلیل از خاطره مبارزات پرشور و جانفشانی مجاهد شهید سعید صفار، از دستاوردها و تلاشهای خونبار شهدای مجاهد در مسیر احیاء اسلام انقلابی قدردانی بعمل آمد. در همین پیام ضمن تاکید بر ضرورت مبارزه برعلیه امپریالیسم و ارتجاع، توطئه‌هائی که از ناحیه مرتجعین برعلیه انقلابیون مجاهد و مسلمان صورت میگیرد، محکوم گردید. سپس استاد جلال کنجه‌ای پس از تجلیل از خصوصیات مردمی و توحیدی پدر مرحوم شهید، مطالبی پیرامون ارتباط گسست‌ناپذیر میان "اعتقاد به خدا" و "عشق به خلق" ایراد نمود. در خلال این مراسم سرودهای "شهادت" "زخون" و "۲ خرداد" از مجموعه سرودهای سازمان مجاهدین خلق ایران بوسیله شرکت کنندگان بطور دسته جمعی خوانده شد.

آیت اله طالقانی در دیدار با هیئت کوبایی...

بقیه از صفحه ۱

براساس ایدئولوژی توحیدی هرگز مجاز نیستیم نقاط قوت دیگران را انکار کنیم

تکامل و در جهت مبارزه با دشمن اصلی یعنی سدکننده راه خدا و خلق در هر مرحله تاریخ قدم برمی‌دارد. بهمان اندازه مترقی و انقلابی و قابل تأیید است. بنابراین برای نیروهای انقلابی و اصولی، بخاطر مبارزه‌ای که بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و استثمار می‌نماید، و نیز در جهت رسالتی که در دفاع از حقوق طبقه کارگر (این مستضعفین زمان ما) بردوش گرفته‌اند، باید احترام قائل بود و تأیید شان کرد. بطور کلی این شیوه برخورد صحیح با هر ایدئولوژی و طرز فکر است. یعنی بایستی هر ایدئولوژی را تا آنجا که عملاً "در روندگی اجتماعی خود در مواضع حق قرار دارد تأیید کرد. ما با اتکاء ایدئولوژی توحیدی از یکطرف موظفیم که حرکتهای ضد دیکتاتوری، ضد استثماری را که یا آرمانهای مکتبی ما سازگاری دارد حمایت کنیم. و از طرف دیگر هرگز مجاز نیستیم که توانائی ها و نقطه قوت های دیگران را انکار کنیم. هرگز نباید حق را بپوشانیم، در هرکجا که خود را نشان دهد و بهر درجه‌ای که وجود داشته باشد. در اینصورت با هرگونه حق‌پوشی (مفهوم عمیق کفر) این خود ما هستیم که در درجه‌ا اول بخاطر موضع غیرواقعی و کفرآمیزی که در برابر یک واقعیت بر حق اتخاذ کرده‌ایم، از مواضع یکتا پرستانه پائین آمده، و به موضع های ارتجاعی و کذشته‌گرا رانده شده‌ایم. اصولاً "از اردوی ضد خلق، که نگذریم، در میان نیروهای خلقی که سر علیه امپریالیسم نبرد می‌نمایند، بطورحتم عنصری از حقیقت و حق طلبی وجود دارد. که بایستی آنرا نادیده گرفت. پذیرش نظرات درست دیگران و قبول کارآئی های سیاسی و عملی آنان، خود مبین اصالت و خلوص موضع توحیدی ما است. برعکس، ورنگی و برخوردهای تنگ نظرانه در این رابطه همانطور که بارها حضرت آیت الله طالقانی در مورد آن تذکر داده‌اند، هرگز نمی تواند منصبن دفاع از دین و اسلام و ملت قهرمان باشد. هم چنین هر اقدامی که بنحوی از انحاء دیگران را در بیان نظرات و عقایدشان که محتوائی از حق داشته باشد محدود سازد، دقیقاً ضد توحیدی است. در اینصورت همانطور که ایشان در نطق تاریخی خود درمدرسه فیضیه اعلام داشتند، اگر ما اسلام را اینقدر ضعیف بدانیم که درمقابل مکاتب دیگر چیزی برای عرضه کردن نداشته باشد، با آنرا ناقص دانسته‌ایم و یا نشناخته‌ایم."

واقعیت نیز همین است. تنها آنهائی که در میدان حق طلبی مشت‌هایشان خالی است، از طرح نظرات مخالف و مواجهه با عقاید و افکار دیگران هراس و وحشت دارند. با این توضیح جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که ما بحکم وظیفه ایدئولوژیک توحیدی خود ناگزیر از تأیید جنبه‌های درست و برحق هر مکتب و یا حزب و نیروهای سیاسی هستیم. این جنبه ها از کجا معلوم می‌گردند، و معیار تشخیص ما در این مورد چیست؟

بر اساس جهان بینی اسلامی معیار سنجش هر ایدئولوژی و یا نیروها و احزاب "عمل اجتماعی" است. بر این اساس جنبه‌های حقیقت جویانه و مواضع درست نیروهای انقلابی نظیر مارکسیست ها در خصوصات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و ضداستثماری آنان تجلی می‌یابد. یعنی در آن نقاطی که حضرت آیت‌الله طالقانی در نطق معروف خود در ۳۰ تیر بعنوان نقاط اشتراک تمام نیروهای انقلابی اعم از مسلمان و غیر مسلمان انگشت گذارند. و در آن شعارهای مرحله جدید انقلاب را روشن ساختند. بی مناسبت نیست در اینجا عین بیانات پرارج ایشان را بیاوریم:

"گروهها و جمعیتها چه می‌خواهند؟ چه می‌گویند؟ غیر از عدالت؟ غیر از قسط؟ غیر از آزادی؟ ... بین مسلمانان یک خدا، یک مبداء، یک معاد و یک قرآن حاکم است. گروههای غیر مسلمان هم قسط می‌خواهند، عدالت می‌خواهند، نفی استعمار و نفی استثمار می‌خواهند ... مگر اسلام موافق با استعمار و استثمار است؟ ...."

ملاحظه می‌گردد که اسلام راستین نهایت احترام را برای عقاید مشرقی و انقلابی قائل است. بخصوص درمرحله کنونی که ما درگیر یک نبرد ضد امپریالیستی هستیم و وحدت تمام نیروهای ضدامپریالیست یک امر ضروری است. و هرگونه تلاشی در جهت نقض این اصل به مثابه یک عمل انحرافی و ارتجاعی و ضداسلامی است. بنابراین حرکاتی نظیر محدودکردن آزادیهای صاحبان ایدئولوژیهای مختلف، و تهاجم به مراکز و دفاتر آنان، و اقداماتی نظیر پاره کردن اعلامیه‌های سازمانهای ضدامپریالیست جز به ضرر نیروهای خلق و به سود دشمن تمام نخواهد شد.

عاملین آن چنانچه آقای طالقانی در خطبه نماز روز جمعه هفته گذشته بیان داشتند "یا مسلمانهای ناآگاه هستند و یا آلت دست."

باید دیدگاههای دیگر چگونه برخورد کنیم؟

در اینجا لازم است که اشاره‌ای هم به نقطه‌نظرهای آیت‌الله طالقانی در زمینه "ضمیمه" برخورد صحیح با ایدئولوژی های دیگر بنمائیم.

اساس دیدگاه و نقطه‌نظرات ایشان نسبت به مسأله فوق، همانطور که در ضمن صحبت با نماینده" هیئت کوبائی بیان شده، چنین است:

"ما در نفی استعمار و استثمار و دفاع از آزادی با مارکسیست ها عقاید مشترکی داریم. آنچه ما قبول نداریم اصالت ماده است. ما به اصالت خدا معتقدیم. به اصالت یک منشاء با شعور و آفریننده. این تمام آن چیزی است که بر مبنای آن، موضع ایدئولوژی اسلامی را در قبال ایدئولوژی مارکسیم از دیدگاه ایشان، مشخص می‌گردانند بر مبنای این موضع معلوم می‌شود که چه رابطه‌ای بین ایدئولوژی اسلامی و مارکسیسم وجود دارد و نقاط وحدت و تضاد ایدئولوژی اسلام با مارکسیم کدامند. بعبارت دیگر از چه موضعی باید با مارکسیسم برخورد نمود، و اسلام را در این رابطه در کجا بایستی قرار داد. البته لازم است خاطرنشان سازیم که این اولین بار نیست که آیت‌الله طالقانی این مواضع را پیرامون نحوه برخورد با مارکسیم و مارکسیستها بیان می‌دارند. ایشان قبلاً در نطق معروف مدرسه فیضیه نیز صریحاً گفته بودند که: "مسأله کمونیزم غیر از مسأله غیر علمی ماتریالیسم است. کمونیسم در معنای اصل لغوی یعنی زندگی خانوادگی را اسلام پایه گذاری کرده است. درصدر اسلام این چنین بوده زندگی پیامبر و صحابه و مهاجرین و انصار چنین بوده. ... این منهای آن ماتریالیسم واصالت ماده است که باید آنرا از این جدا سازیم."

با مختصری دقت در بیانات آیت الله طالقانی در اینمورد کاملاً مشخص میشود که ایشان مارکسیسم را در کلیت آن بعنوان یک مجموعه و سیستم فکری، یک ایدئولوژی النقاطی تلقی کرده‌اند که از دو جنبه ترکیب یافته است:

یک جنبه آن، موضع‌گیری این ایدئولوژی بر علیه ظلم و استثمار و دفاع از طبقات محروم و مستضعف است که در جوهر آن مسأله "نفی استثمار" قرار دارد و کوششی است برای یک زندگی خانوادگی و بدور از روابط طبقاتی و خصمانه. ایشان این بخش ازمارکسیسم را وجه‌مشترک مارکسیسم و اسلام و بطور کلی ادیان توحیدی دانسته‌اند. مهمتر از آن اسلام و مکاتب انبیاء راستین توحید را پیشتاز طرح چنین شعاری می‌دانند. این قسمت از مارکسیسم در واقع جنبه "حق" و درست مارکسیسم است.

اما جنبه" دیگر مارکسیسم بنیاد فلسفی آن یعنی "ماتریالیسم" است که در سخن قوی‌تا باطل‌اعلام شده است. زیرا که جهان بینی توحیدی، جهان را هدفدار و با مقصد و معنا تبیین می‌کند، و در نتیجه با فلسفه ماتریالیستی که هستی را کور و بی‌هدف می‌داند، بکلی در تضاد است. بگذریم از اینکه پیروان انقلابی مارکسیسم در عمل هیچگاه باین فلسفه پای بند نبوده، و خودشان قبل از هرکس دیگر، وقتی با واقعیات سر سخت مواجه می‌گردند این چارچوب فلسفی و مادی را می‌شکنند. بنابراین از دیدگاه ایشان مارکسیسم را بعنوان یک سیستم متناقض و النقاطی بایستی تجزیه کرد، جنبه حق آنرا تأیید کرد (نفی استثمار) و جنبه" باطل آنرا رد نمود (ماتریالیسم). این رمز اصلی کشف واقع‌گرایانه ایشان در این زمینه است. تمام مکاتب و دیدگاههایی که درموضع‌گیری نسبت به مارکسیسم به انحراف و ارتجاع افتاده‌اند، اشتباهشان از همین جا آغاز شده است. آنها مارکسیسم را بجای آنکه تجزیه کنند، و با هریک از دو جنبه حق و باطل آن برخورد کنند، آنرا بعنوان یک کل و در مجموع مورد انکار و تردید قرار داده‌اند. و درنتیجه جنبه‌های حق و باطل آنرا باهم نفی کرده‌اند. ولی بهمان نسبت که نفی جنبه" باطل فلسفی و ماتریالیستی آن درست و واقعی است، ضدیت با جنبه" ضد استثماری آن نادرست و گمراه کننده است. ما بهرحال هنگامیکه در برابر امر درست و برحقی بایستیم و ارزش نقطه مثبتی را نفی نمائیم، خود ما ازمواضع حق طلبی دور می‌شویم و سقوط خواهیم کرد.

اتفاقاً "نفوذ جهانی و جاذبه مارکسیسم در میان روشنفکران نیز دقیقاً مرهون همین جنبه" ضد استثماری و عملی (انقلابی) آنست نه بخاطر فلسفه ماتریالیستی آن. زیرا مارکسیسم همواره بعنوان حامی طبقه" کارگر و زحمتکشان در عصر حاضر پرچمدار نفی استثمار و مبارزه با بهره‌کشی گردیده است. و نیز بخاطر همین مسأله است که همراه وقرین جنبش‌های انقلابی جهان محسوب شده است. والا مارکسیسم بمعنای این جنبه" آن و دربعد صرفاً فلسفی و ماتریالیستی‌اش هیچگونه جاذبه و نفوذی ندارد.

هنر مرزبندی مکتبی و توحیدی:

بسیاری از متفکران اسلامی که به نقد مارکسیسم پرداخته‌اند، کوشیده‌اند این ایدئولوژی را در تمامیت و کلیت آن رد کنند. در حالیکه بایستی آن را تجزیه کرده و جنبه‌های حق و باطل آن را جدا سازند. در نتیجه عموماً" موفق به اتخاذ یک موضع واقع‌گرایانه و توحیدی در قبال آن نشده‌اند، و بهمان اندازه از اسلام اصیل و انقلابی فاصله گرفته‌اند. به عبارت دیگر آنها از موضع ارتجاعی و پائین‌تر از مارکسیسم به نقادی آن پرداخته‌اند، و نه از موضع ترقی و بالاتر از آن، تنها با قرار دادن اسلام در سمت چپ و بالاتر از مارکسیسم است، که اصالت و غنای محتوای توحیدی بارز می‌گردد. و دقیقاً "در همین‌جا است که شعار "*الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه*" تحقق عینی می‌یابد. والااگر در قبال مارکسیسم موضع واقع‌گرایانه‌ای اتخاذ نکنیم، در اینصورت چنین اسلامی که لاجرم در سمت راست مارکسیسم قرار گرفته، دیگر از محتوای حقیقی آن تهی گشته، و چیزی جز یک توحید بی محتوای مدافع استثمار (ولو در ابعاد کوچک آن) نخواهد بود. اسلامی که کیفیتاً "از اسلام راستین و انقلابی که برتر از هر ایدئولوژی دیگر است متمایز بوده، و فی‌الواقع حزب در شکل ظاهری و صوری هیچ مشابهت دیگری با آن ندارد. روشنفکران جامعه ما بخوبی با چهره" اسلام سطحی و سنتی، چه در جامعه" خودمان، و چه در نمونه‌ها و عملکردهای فراوان آن آشنا هستند، و عجز آن را در تطبیق با امر انقلاب ضد امپریالیستی و نفی استثمار و حل مسائل پیچیده مبارزه، بعینه مشاهده کرده‌اند. این روشنفکران عدم توانائی چنین ایدئولوژی جزمی را برای ارائه یک تئوری راهنمای عمل و پاسخگو در همه زمینه‌ها بخوبی دریافته‌اند. هنر سازمان مجاهدین خلق ایران در آغاز تولد ایدئولوژیکی خود در سال ۴۴ نیز این بود که توانست مرزها و خط فاصل خویش را با چپ برداشتهای سنتی و سطحی از اسلام مشخص ساخته، و اسلام اصیل را در موضع راستین و واقعی پائین‌تر از مارکسیسم به نقادی آن قرار دهد. و آنگاه مرزهای این توحید ناب را با اندیشه‌های دیگر و مارکسیسم بازنماید. این همان هویت مجاهدین خلق است.

(برای آگاهی از این موضوع یعنی موضع مجاهدین در قبال مارکسیسم و مارکسیستها، و تحلیل‌های ایدئولوژیکی سازمان در این مورد از بدو تأسیس سازمان در سال ۴۴، به کتاب "تشریح و آموزش اطلاعیه تعیین مواضع مجاهدین ..." رجوع کنید.)

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

موضع تردیدآمیز جناحهای حاکم درقبال امریکا:

بقیه از صفحه ۲

در حال حاضر برای مراقبت بیشتر از مرز ایران و عراق اهمیت بسیار دارند."

یا در کیهان ۵۸/۲/۱۶: دکتر یزدی صحبت از رفتار آشتی‌جویانه ایران با آمریکا "بمیان آورده است.

و یا در هنگامیکه سای آمریکا وقیحانه علیه خلق ما به حمله و هجوم پرداخت، و خشم یکپارچه مردم ما را برانگیخت، دکتر یزدی به تسکین مردم ما پرداخته و قطعنامه سنا را جدا و بی‌ارتباط با سیاست رسمی آمریکا عنوان می‌نماید. در حالیکه همان زمان امام خمینی شدیدترین نطقها را علیه آمریکا ایراد کردند.

حتی برای بسیاری از مقامات فعلی مسأله "امپریالیسم" و "آمریکا" عملاً" مسأله‌ای نیست. و شاید در بین آنها باشند کسانیکه اثری از امپریالیسم آمریکا نمی‌بینند، وبنابراین از تأکید انقلابیون ایران بر پایگاهها، عوامل و بالاخره توطئه‌های امپریالیستی و ... کاملاً" متعجب می‌شوند و چه بسا صادقانه بخواهند که دست امپریالیزم را گرفته و بدست آنها بسپاریم، تا به حساش برسند!!

درعین‌حال گاه پیگاه همین مقامات و سایر جناحهای حاکم از "مطامع دشمنان و خرابکاری ها و مفسده‌جوئی‌های امپریالیسم زخم خورده" سخت می‌کنند. و اینکه "آنها به این زودی دست از سر ما برنمی‌دارند" و ...

حتی مشخصاً در بسیاری موارد سیستم حاکم اقداماتی انجام می‌دهد که برای آمریکا خوشایند نیست. از حمایت معنوی جنبشهای انقلابی گرفته تا نپذیرفتن کاتر به عنوان سفیر آمریکا در ایران و ...

لکن بهرحال یک موضع روشن، مشخص و واحدی در قبال آمریکا اتخاذ نشده و با حداقل اعلام نشده است.

کیفیت رابطه با آمریکا جهت خاصی دارد

مشخص نشدن چگونگی رابطه ایران و امریکا گرچه برای مردم ما بدون اشکال نیست، اما محتوای این رابطه و جهت حرکت آن برای عناصر آگاه روشن میباشد. زیرا اولاً "در ورای نوسانات، ریگراگها، تناقضات، رابطه موجود بین ایران و آمریکا، دارای ماهیت مشخصی است که در طول زمان بارزتر خواهد شد.

ثانیاً "این ماهیت چیزی جز عنصر سازشکاری و ارتجاع و رفرمیسم نیست. که البته خطر مهم و اساسی هم در همین است.

اگر می‌پذیریم که بدنبال سقوط دیکتاتوری شاه، مبارزه ما بایستی قاطع‌تر از گذشته پایگاههای امپریالیسم را هدف قرار دهد، هرگونه مماشات و کوتاه‌آمدن در قبال آمریکا، ما را از مسیر انقلاب و آرمانهای خلقی و اعتقادی مان بازمی‌دارد، و به سمت تأیید مناسبات استثماری و امپریالیستی می‌کشاند. به عبارت دیگر بدون شک تیره خواهد بود. آینده‌ای که همچون گذشته بیگانگان را برما مسلط خواهد کرد. آنهم بیگانگانی که منافع ومنابع خلق ما را به یغما خواهند برد و ما را جزو اقمار خود بهر سو که بخواهند هدایت خواهند کرد ...

از اینرو در تشخیص ماهیت روابط فعلی ایران و آمریکا چندان هم دچار مشکل نیستیم. اینگونه رابطه‌ها بارها تجربه شده است. حتی سیاستهای روشنتر و قاطع‌تر از این هم در عمل آزمایش‌شقی خود را پس داده‌اند. زیرا تحقق آزادی و استقلال و رشد اجتماعی ـ اقتصادی یک جامعه" زیر سلطه به عناصری نیازمند است و با مسائلی در رابطه می‌باشد، که هرگونه نقصی درآنها دیر یا زود مسیر حرکت و سرنوشت انقلاب را تغییر خواهد داد.

یک سیاست مستقل و انقلابی در زمینه روابط خارجی مستلزم چه چیزهایی است؟

قبل از هرچیز باید خاطر نشان کنیم که سیاست خارجی هردولت، ادامه" طبیعی سیاست داخلی آن است. یعنی بسته به اینکه چه طبقه و قشری و چه سیاست و ایدئولوژی بی برنامه حاکم باشد، روابط خارجی آن نیز متفاوت خواهدبود. به عبارت دیگر بین روابط خارجی و مناسبات داخلی هر نظام، یک ارتباط ارگانیک و منطقی وجود دارد. مثلاً" از رژیم ضدخلقی شاه نمی‌توان یک سلسله مناسبات انقلابی و خلقی با دیگر کشورها انتظار داشت. رژیمی که در داخل کاملاً" منزوی و دشمن همه خلق است، ضرورتاً "بایستی آلت دست یا مدافع آمریکا، اسرائیل، افریقای جنوبی، رودزیا، سلطان عمان و ... و متقابلاً "دشمن خلق‌های مستعمده‌های نظیر فلسطین، ظفار، ویتنام و ... باشد! بنابراین برای داشتن یک سیاست انقلابی با دیگر کشورها از جمله دشمن اصلی خلقمان، امپریالیسم امریکا بایستی در داخل سیاستها و جریانهای حاکم انقلابی باشند.

> "مثلاً" اگر بخواهیم درزمینه های سیاسی ـ اقتصادی، نظامی و فرهنگی وابسته نباشیم، اجباراً" ناچاریم به سوی خلق رو کنیم و آنرا فعالانه در سرنوشت و مسیر خود دخالت دهیم. در این رابطه است که می‌توان با تکیه بر خلق و در پرتو بسیج توده‌ها از سرمایه‌های خارجی و دیگر کمبود های اقتصادی بی نیاز شد. و قاطعانه به تسلط منابع وسرمایه‌های خارجی پایان داد" اما وقتی در داخل چنین مناسباتی حاکم نیست، طبیعی است که باید خلاء توده‌ها را کمکهای خارجی و سرمایه‌ها و قرار داد های امپریالیستی ـ امریکائی پرکند. والا چرخهای اقتصاد می‌خوابد. ... در اینصورت چگونه میتوان آمریکا را به عنوان دشمن اصلی تلقی کرد و در مقابل آن ایستاد.

آ ـ با تشکیل ارتش خلق و به کمک آموزش‌های سیاسی ـ ایدئولوژیک انقلابی به آن، میتوان با قاطعیت بیشتر به جنگ بقایای ارتجاع و عناصر وابسته و پایگاههای امپریالیستی (از جمله ارتش ضدخلقی) شتافته و مهمتر از آن خود را ازشر نیاروهای کاذب به سلاحهای پیچیده و مستشاری و ارتباطهای پهوشته به آن نجات داد. آنوقت سخنی هم از فرار دادهای تسلیم طلبانه در زمینه تسلیحات با مستشاری با امکاناتی برای مراقبت از مرزها بمیان نخواهد آمد.

ب ـ بدیهی است که دنبال کردن چنین سیاستی مستلزم جذب نیروهای مترقی و انقلابی و کوتاه کردن دست مرتجعین و فرصت‌طلبان از راه رسیده است. چنین سیستمی احتیاج به مشورت عقاید و طرد پیشتازان و مدافعین خلق ندارد. از انتقادات نمی‌هراسد، و ترقیخواهان ضدامپریالیست را به چوب و چماق نمی‌بندد. حقوق خلقها را پایمال نمی‌کند. و ارزش ضدخلقی گذشته را تحت عنوان‌های جدید به جان مردمی حق‌طلب که فقط حق تعیین سرنوشت‌خود را می‌خواهند نمی‌اندازد.

این ره که تو می‌روی ...

برعکس وقتی نیاز به سرکوب خلق مطرح باشد، تقویت و تسلیح و آموزش ضد خلقی ارتش هم مطرح میشود. آنوقت بایستی با آمریکا مناسبات حسنه داشته باشیم، در تمرینهایش شرکت کنیم، تا بتوانیم از کمکها و تجربیاتش استفاده نمائیم، و راه نفوذ او را هموار کنیم. و این درست در شرایطی است که مسیر نیروهای انقلابی جامعه‌ما را مدنی نمائیم. و از ارتباط با کشورهای اسلامی و مترقی نظیر لیبی بر سر مسایل فرعی بشدت می‌گریزیم.

این طبیعی است که وقتی مرتجعین حاکم باشند، تکار انقلابیون و حقفان خلق هم باید در دستور قرار گیرد. آنوقت نیاز به سرویس‌های اطلاعاتی ضدخلقی پیش می‌آید. و سپس نیاز به تجربه و همکاری عناصر متخصص و مجرب بیگانه!!! و برای رسیدن به اینگونه هدفهاست که در قدم اولیس، عناصر ساواکی رژیم شاه بخدمت جمهوری اسلامی درمی‌آیند. و سپس نوبت احیاء ضد اطلاعات ارتش به عنوان "تداوم انقلاب" می‌رسد. آنگاه اداره هشتم راه می‌افتد. و احتمالاً "آخر الامر هم سیا و موساد و ... طراح مصالح امنیتی ما می‌شوند آنهم به عنوان متخصص. اینست ماهیت و سرانجام روابط کنونی ما با آمریکا.

بر اساس این تراژدی است که نمی‌شود در مقابل آمریکا ایستادگی کرد. مطامع اورا سرکوب نمود. و در مناسبات جهانی در قطب مخالف آن قرار گرفت. و درست مهمترین دلیل است که علیرغم شعارها و مخالفتهای لفظی و رسمی با آمریکا میتوان آینده‌ای راپیش‌بینی کرد، که در آن بار اقتصاد و سیاست و ارتش و سرویسهای اطلاعاتی و ارگانهای امنیتی ما با صد رشته محکم به بقایای سیستم آریامهری وامپریالیسم آمریکا وابسته خواهد بود.

تنها یک راه برای رهایی وجود دارد وآن اینستکه مناسبات و نهادهای سیاسی ـ اجتماعی ما بطور بنیادی و به شکل انقلابی آن زیر و رو شود و درجهت مبارزه علیه امپریالیسم و وابستگان داخلی و شیوه" نفوذی آن مبارزه شود.

درسومین نمازجمعه: همبستگی خلقهای ایران و فلسطین پیروزباد

بقیه از صفحه ۴

بکوشیم تا نماز جمعه ما محتوای سیاسی اصیل توحیدی را داشته‌باشد . یعنی در عمل به وحدت مردم کمک کند. تنها به ظاهر و شکل نپردازیم .اگر صفوف جماعت با نتواند آثارتفرقه‌انگیز ۲۵ قرن نظام شاهنشاهی راکه‌هنوزنتایج شوم آن در میان ما است‌ـ از میان بر ـ دارد ، فایده‌ای نخواهد داشت .

اگر توسط گروهی به آزادی تجاوز میشود ، به هر شکل و در هرلباس ، باید همه گروههای سیاسی ، چه مذهبی وچه غیر مذهبی ، به این عمل اعتراض کنند. چون تنها درپناه‌آزادی‌است‌که‌گروههای سیاسی واقعا" مردمی میتوانند رشدکرده ، و یاتوده‌ها پیوند بخورند . نه در شرایطی که بخاطر دروغها و تهمتهای ناروا ، اعتماد مردم از گروههای سیاسی سلب شده باشد .

سپس آقای مهندس‌بازرگان‌نخست وزیر با تفسیر ۵ آیه اول سوره بقره ، خواستار کمک مالی مردم به خسارت دیدگان حوادث دوران انقلاب شدند ، تا بگفته ایشان با تامین مبلغ لازم آبروی دولت و مردم حفظ شود !

آیت‌اله‌طالقانی: توجیه‌اشتباهات، زیاباتراز قبول آنهاست

آنگاه آیت‌الله طالقانی ضمن تایید برنامه‌هائی که قبل از ورود ایشان برگزار شد ، در خطبه اول نماز ، مردم رابه‌وحدت دعوت کردند . ایشان در تفسیر آیاتی از قرآن هشدار دادند که ، اگر گروهی اعمال سوء خود را در خدشه‌دار کردن آزادیها بطرف نکرده ، و توجیه نماید ، ضررش به گروهی خاص نمی‌رسد ، بلکه برای همه" مردم زیانبار است . دراین صورت ضد انقلاب را تقویت کرده‌است . چون پذیرفتن اشتباهات و استبداد ـ منشیهائی که ریشه در حاکمیت نظامهای شاهنشاهی دارد ، کمتر جربه به دست ضد انقلاب می دهد ، تا توجیه کردن این اعمال .

تنها یک قانون اساسی صریح و روشن ، که ضد استبداد و ضد استعمار باشد محتوای اسلامی دارد ، و می تواند پاسخگوی نیازهای مردم ما باشد .

مسئولیت‌های انسان درجریان تکامل

آیت الله طالقانی در خطبه دوم ، درادامه‌تفسیرهفته‌قبل‌پیرامون "حرکت تکاملی و تسبیحی " به تبیین مسئو ـ لیتهای انسان در این جریان تکاملی پرداختند . انسانی‌صاحب‌اراده‌وآگاهی اجتماعی ، که در شکلی نوین و عالی‌به حرکت‌تسبیحی‌بست‌الله‌گام‌برمیدارد . . .

در خاتمه ، امیدواریم که ، با احترام به نظرات وحقوق افراد وگروه ـ های دیگر ، برای کمکهای مادی و معنوی به خلق قهرمان فلسطین قیام کنیم ،وبه چیزی فراتر از شعار تنها بپردازیم ، منافع جنبش را بر منافع گروهی مقدم داریم . ودر مسیر مبارزه" ضدارتجاعی و ضد امپریالیستی ، این شعارهای‌وحدت را از مرحله حرف به عمل درآوریم . به امید آنکه صفوف متحد خلق از نیروهای انحصار طلب ، ارتجاعی و وابسته که به لباس مردم درآمده‌اند جدا شود . تا سیه روی شود هرکه دراو غش باشد .

نگاهی به مطبوعات درهفته‌گذشته

ارتش وکردستان

کیهان ۱۲مرداد ـ مصطفی‌چمران: دولت مصمم است بهرقیمت که هست درمنا طق‌کردنشین صلح‌وآرامش را برقرار سازد .

آیندگان ۱۳مرداد ـ فرمانده زاندارمری کل کشورا علام‌کردکه طرح خلع سلاح عمومی‌تهیه‌شده است .

کیهان آزاد ۱۵مرداد ـ ارتش باکارگذاشتن سلاحهای‌سنگین در نقاط حساس ومشرف به‌شهروکنترل مربوان را بدست گرفته وعلیرغم انتظار مردم‌به بازرسی مسافران پرداخته است .

کار۱۵مرداد ـ دوافسروا ابرسنل پادگان‌کرمانشاه ، بعلت اعتراض دربادگان ، بوسیله کمیته دستگیر ودرزندان بسر میبرند .

کیهان آزاد ۱۵مرداد ـ حزب دمکرات کردستان درنامه" سر گشاده‌ای اعلام‌داشت : کردستان درآستانه جنگ داخلی است .

اگرارتش روی خلق اسلحه‌بکشد ، ساکت نمی ماتیم .

کیهان آزاد ۱۵مرداد ـ ابراهیم یونسی استاندار مستعفی‌کردستان، کردها برای تحویل اسلحه‌شان و آزادی میخواهند .

■ ■ ■

قیادهٔ موقت درمریوان

شهران مصور ۱۹مرداد ـ ازچمران درموردقیاده دریافت سوال شدکه باوجودیکه‌آنها هم مسلح هستند ، چراکاری نمیکنید ؟ودولت ازآن ما حمایت میکنند ؟وی جواب داد: " قیاده‌موقت میهمانان ما هستند ! .

آیندگان ۱۶ مرداد ـ شورای انقلاب مریوان به‌قیاده موقت اخطارکرد .

آیندگان ۱۶ مرداد ـ قیاده موقت خواستارکنترل مریوان بدست قیاده‌ای ماشد .

بامداد ۱۷ مرداد ـ مردم مریوان خواستارا خراج قیاده موقت ازایران شدند .

ندای آزادی ۱۸ مرداد ـ دوجاده سنندج به‌مریوان توسط قیاده موقت بسته‌شد .

■ ■ ■

شیوهٔ حل مسئله زمین ازنظریک لایحه قانونی

بامداد ۱۳مرداد ـ دردرگیری مالکان وکشاورزان دیوانده۲ نفرکشته ،وچندنفرمجروح بجای گذاشت .

پیغام امروز۱۶مرداد ـ دربلوـ چستان هرخانی مامورسرکوب و چپاول منطقه‌خودشده‌است .

جمهوری اسلامی ۱۶مرداد ـ کشا ورزان یک روستای آمل علیه عده‌ای زمینداران بزرگ،که چماقدارا جیرکرده‌اند ،درفرما نداری این شهردست به‌تحصن زدند .

ندای آزادی ۱۷مرداد ـ بدنبال بآتش‌کشیدن چندهکتارمحصول گندم‌مردم‌جلدیان دراطراف

جنبش مسلمانان مبارز در یک مصاحبه مطبوعاتی:

باحسن نیت وصداقتی که بخرج دادیم، پاسخ ما متاسفانه نقض آزادی بود

سه نفر از مسئولین جنبش مسلمانان مبارزدر یک نشست مطبوعاتی در تاریخ پنجشنبه ۵۸/۵/۱۸ نقطه‌نظرات‌سازمان خود را پیرامون اساسی ترین مسائل‌روز توضیح‌دادند ،که‌در محورهای‌زیرمحتوای آنها را بیان میکنیم .

الف ـ دلایل شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

ابتدا درباره‌طرح‌جنبش‌مسلمانان مبارز برای شرکت نیروهای انقلابی مسلمان و نمایندگان‌واقعی‌مردم درمجلس صحبت شد ، یکی از مسئولین گفت :

بخاطر وحدت بخشیدن‌بنیروهای خلقی ، وپیشبرد انقلاب که ضرورتی حتمی بوده ، ما مساله‌انتخابات را با شرایطی قبول کردیم . . .

برای اینکه‌بخواهیم درپیشنهادات خود به یک وحدت نظر برسیم‌با چهار گروه دیگر ،نمایندگان مشترکی انتخاب کردیم . و این نمایندگانی‌که اعلام‌شده همگی افراد مسلمانی هستندکه‌دردوران استبداد گذشته بنحوی مبارزه کرده ، و عملا" مبارز بودن خود را در صحنه" استبداد نشان داده‌اند . . .

اما متاسفانه‌با این حسن نیت و صداقتی که بخرج دادیم ، و با وجود اینکه همیشه هدف ما این بوده که از اصولی دفاع کنیم که در جهت پیشبرد انقلاب و آرمانهای خلق باشد ،جواب مردم‌پسندی دریافت نکردیم . پاسخی که در طول انتخابات گرفتیم ، نقض آزادیهایی بود که بطورگسترده شاهدآن بودیم ، سعی ما همیشه براین بوده که موضعی ارشادی داشته‌باشیم ، هرچندکه در ابعاد وسیع ، نقض اصول‌انقلابی را آگاهانه افشا خواهیم کرد .

ب ـ نقض‌آزادی‌ها در انتخابات و موضع‌ما

جو حاکم بر نحوه برگزاری‌انتخا ـ بات را بهیچ وجه با موازین اسلامی و آزادی سازگار نمیدانیم و موارد مهمی‌از نقض اصول اسلام را می‌آوریم :

۱ ـ پاره کردن اعلان‌های انتخا ـ باتی احزاب و سازمانها توسط‌اعضای وابسته به حزب‌جمهوری اسلامی واعضاء و روسای بعضی کمیته‌ها در سراسرکشور .

۲ ـ ضرب و شتم ، بازداشت و تهدید اعضاء وسمپاتهای‌سازمانهای‌دیگر از سوی افراد وابسته به همین حزب .

۳ ـ سمپاشی ، و اتهامات دروغ ، به نامزدهای غیراز حزب جمهوری و نوشتن اسامی کاندیداهای‌این‌حزب‌برای بیسوادان که رقم بزرگی ازرای‌دهندگان را تشکیل میدادند ـ توسط اعضاء پاسد ـ اران و بازرسان وابسته به این جریان .

۴ ـ برخوردهای خشونت‌آمیز و دزدیدن صندوق حوزه‌هائی که احتمال میدادند آراء‌آن به نفع آنها نباشد .

۵ ـ حذف نام دکتر پیمان از فهرست اسامی نامزدها در حوزه‌های رای‌گیری ، و در نتیجه عدم قرائت آراء ایشان در بسیاری از حوزه‌ها .

۶ ـ سوء استفاده ، شیوه‌های‌کثیف از نام و محبوبیت مردمی امام ، برای تبلیغات انتخاباتی بنفع حزب‌جمهوری اسلامی . درضمن چسباندن مارکهای ضد انقلاب ، غیر مسلمان‌و مخالف امام و جمهوری اسلامی به دیگران ، بطوری‌که اکثریت مردم تصور میکردند فقط یک فهرست نامزدهای مسلمان وجوددارد و بقیه غیر مسلمان و یا ضد مسلمان‌وضد ـ انقلاب هستند .

۷ ـ تقلب در آراء وریختن آراء اضافی در صندوقها در بعضی حوزه‌های رای گیری .

در پایان عکسها و اسنادی گوامیر سوءاستفاده در انتخابات بنفع حزب جمهوری اسلامی ارائه داده ، و اضافه کردند اگر حزب جمهوری اسلامی مدرک تا بیدی برای کاندیداهایش‌از طرف امام دارد بهتر است آن را نشان دهد تا مسائل روشن گردد .

آنگاه به بیان نمهدمکتبی‌واسلامی جنبش مسلمانان‌مبارز در قبال نقض‌مکرر آزادیها پرداختند . سپس به دولت به علت نپذیرفتن مسئولیت در برابرنقض آزادی و کنار کشیدن آن انتقاد کردند . و به انحصار طلبی حزب‌جمهوری‌اسلامی که در جریان انتخابات خود را بعید ـ ترین وجهی نشان داد انگشت‌گذاردند .

مسئولین جنبش مسلمانان مبارز با دلایل روشنی حمله به روزنامه آیندگان را عملی‌که شدیدا" بوی فاشیسم میدهد، خواندند . و از روزنامه انقلاب اسلامی و آقای هاشمی رفسنجانی‌که‌موضع مسئول هم دارند ، بخاطر سعی در صحیح‌جلوه دادن جریان انتخابات ،انتقاد کردند.

مسائل دیگری که مطرح شدعبارت‌بوداز

۱ ـ نقش توده" مردم در در حفظ دستاوردهای انقلاب از خطرات ارتجاع و امپریالیسم

۲ ـ تفاوت گذاشتن بین شرکت مردم در سیاست ، وسوءاستفاده از آنها برای برنامه‌های گروهی خاص.

۳ ـ بی‌توجهی مسئولین‌بحاکمیت مردم برسرنوشت خویش . از جمله عدم رسیدگی به نیروهای کارگری که خواست میلیونها کارگر ایرانی است .

۴ ـ بی توجهی به حل مشکلات خلقهای کرد ، عرب و . . .که‌چارتوطئه‌ـ های‌ضدانقلاب ،ارتجاع و آمریکاهستند .

راه حل‌این مشکلات و جلوگیری از زندگی روز افزون مردم از فعالیتهای‌سیا ـ سی ،بنظر جنبش مسلمانان‌مبارز ، در آزادی مردم و گروهها بیان شده‌است . آزادی‌ای که در صورت عدم حفظ و تضمین آن ، جامعه بسوی‌فاشیسم خواهد رفت .

ج ـ وحدت نیروها

واعتصموا بحبل الله جمیعا" ولا تفرقوا

امروز گروههائی شعار وحدت می ـ دهند در حالیکه درعمل‌بانحصارطلبی مشغولند . جریان انتخابات حد اقل توانست مرزبندی قاطعی بین نیروهائی که طرفدار قدرت و انحصارطلبی‌هستند ، با نیروهای انقلابی که صرفا" ارزشها و اصول برایشان مطرح‌است‌بوجودآورد و تفاوت این دو را نشان دهد .

ما از طرح مساله‌وحدت به‌نتیجه را مورد نظر داشتیم .

۱ ـ وحدت اصولی احزاب‌وگروهها بخاطر شرایطی که امروزه پیش‌آمده‌است. با توجه به اینکه عدم وحدت نیروهای مردمی در اینده شرایط بحرانی رایپیش می‌آورد .

۲ ـ تحکیم قدرت وحدت ، و به دنبال آن تحکیم وحدت خلق برای پاسداری از ارزشهای انقلاب .

۳ ـ مقابله با توطئه‌های روزافزون امپریالیسم وارتجاع و سرمایه‌داری وا ـ بسته ، آنهم در شرایطی که اولا" قرار ـ دادهای نظامی ایران و آمریکابطورعلنی یا غیرعلنی ابقاء میشوند . وثانیا" محتوای این قراردادها بطور کلی برای ملت‌فاش نمیشوند . در نتیجه ما میتوانیم‌توطئه" روزافزون امپریالیسم را دقیقا" ببینیم . امپریالیسم و ارتجاع در یک ارتباط نا ـ گسستنی و از موضع طبقاتی سرمایه‌داری وابسته ،در شرایط‌امروز اصلی‌ترین‌تضاد ما است .

همبستگی باسایرنیروها

این یک مسأله‌اساسی است که آیا نیروهای غیر مذهبی میتوانند در این وحدت‌شرکت داشته باشند یا خیر . علـ ـ نظر که بارها امام خمینی وآیت‌اللهطا ـ لقانی تاکید کرده‌اند ،برای نیروهای‌غیر اسلامی به لحاظ سیاسی و آرمان های مکتبی شان بهترین راه همکاری با این جبهه است ،اگروافعا" برای آنها آزاد ـ شدن فرد از مثلث امپریالیستی و استثماری و استبدادی ارزش وپرتصیب و آرمان است ، باید در این جبهه‌پشت سر این جبهه حرکت کنند .

شرکت‌نیروهای غیراسلامی در این جبهه ، با پذیرفتن رهبری امام ومبارزه در ابعاد ضدامپریالیستی ،ضداستبدادی و ضد استثماری اشکالی ندارد .به شرط اینکه رهبری این جبهه در دست‌نیرو ـ های پیشرو و مترقی مذهبی باشد .

با مداد ۱۵مرداد ـ وزیرکار : بگذاریدبدیگران آزادانه‌حرف شان را بزنند .

کیهان ۱۵ مرداد ـ

قطب زاده‌گفت : اگرتمام این روزنامه‌های بی‌معنا دست بدست هم‌بدهندهیچ غلطی نمیتوانند بکنند .

کیهان آزاد (فوق‌العاده) ـ آیندگان توقیف‌شد . با توقیف آیندگان انتشارروزنامه‌های کیهان آزاد ،آزادی،ندای‌آزادی وچندنشریه دیگربا خطرجدی‌روبرو است .

با مداد ۱۶مرداد ـ لایحه مطبوعا ـ ت به‌تصویب رسید ـ شورای‌انقلاب درلایحه چندتغییردادهاست ـ

اطلاعات ۱۷ مرداد ـ آهنگر توقیف شد .

با مداد ۱۸مرداد ـ ۴عضو (سه‌تن تحریریه‌ویک‌کارمندادارى) ـ روزنامه‌جمهوری اسلامی‌دراعترا ض به‌سانسورا خبارومطالب درروزنامه‌استعفاء دادند .

با مداد۱۸ مرداد ـ انتشار ـ پیغام امروزمتوقف شد .

ندای آزادی ۱۸مرداد ـ دکتر ممکن گفت : دولت ووزارت ـ ارشادملی ازجریان اشغال آیندگان اطلاع قبلی نداشت .

کیهان آزاد ۱۸مرداد ـ ماموران مسلح کمیته‌نیمه‌شب برای دستگیری یکی ازاعضای شورای سردبیرآیندگان درکوی نویسند گان وخبرنگاران مبادرت به تیراندازی کردند .

با مداد ۱۸مرداد ـ هادوی داد ـ ستان انقلاب استعفاء کرد .

■ ■ ■

روابط‌ایران باکشورهای مختلف

ایران درجنبش غیرمتعهدها قطعی شد .

اطلاعات ۱۵ مرداد ـ ایران با کوبا رابطه‌سیاسی برقرارمیکند

انقلاب اسلامی ۱۵مرداد ـ به دنبال دیدارروزیرامورخارجه کویت ،شاهزاده‌سعودالفیصل وزیرخارجه‌عربستان سعودی به دعوت یزدی بزودی ازایران دیدارخواهدکرد .این دیدار نتایج مهمی‌برروابط تهران و سایرکشورهای عربی خلیج فارس، خواهدداشت .

با مداد۱۶ مرداد ـ کویت بین ایران وعراق میانجی شد .

جمهوری اسلامی ۱۶ مرداد ـ ملاقات سفیرسومالی با نخست وزیر .

■ ■ ■

بقیه در صفحه" ۹

نکته:

"وحدت کلمه فقط برای بهره‌گرفتن از جاذبه‌مردمی امام"

روحانیون بسیاری را می بینیم‌که‌درمقابله‌با نیروهای انقلابی مسلمان با یکدیگر نزدیک میشوندوبقولی وحدت کلمه پیدا میکنند .همین روحانیون حتی با حکم‌صریح امام‌هیچکدام‌درنماز جمعه‌با امامت صریح حضرت آیت اله طالقانی حاضرنمیشوند .حتی محض نمونه‌هم‌یکنفرازایشان را نمیتوان یافت .گویا چیز دیگری غیرازوحدت کلمه‌وحکم امام‌راهنمای عمل آنهاست !!

■ ■ ■

احزاب انقلابی ومردمی تنها پس‌ازعبورازفرازونشیب های اجتماعی ومبارزه‌طولانی قوام‌میابند .آنها معمولا کاروانی ازشهدا همراه‌خود دارند .اصول ومبانی فکری وعقیدتیشان کاملاشخص است عناصرناخالص‌که‌دارای وحدت عقیدتی (ایدئولوژیک ـ سیاسی)نیستنددرطول زمان تصفیه‌شده‌اند .بالاخره‌ازاین طریق پایگاه مردمی و اجتماعی کسب‌کرده‌اند .

احزاب دیگری نیزهستند که‌یکشبه‌درشکل وظاهر (ونه درمحتوی)راه‌طولانی رامی پیمایند .همین.

■ ■ ■

ـ آزادی تاآنجا محترم‌است که‌به‌آزادی دیگران لطمه واردنیاید .

ـ آزادی تاسرحدهرج و مرج قابل قبول است .

ـ آزادی حدومرزهم‌دارد .

ـ سوء استفاده ازآزادی ممنوع است .

ـ همیشه‌آزادی باعبارت کاملامحیح فوق نقض میشود . هیچکس (حتی شاه)نمیگفت چون من دیکتاتورم آزادی نمیدهم .

■ ■ ■

به‌همسروخانواده‌سید محمدرضا سعادتی درایـن هفته‌ملاقات ندادند .معلوم نیست که‌آیا حقوق بشرهم‌در اوضاع‌واحوال فعلی بوضعیت روزمربوط میشود؟

سوال اینست که‌آیا این نتیجه‌انتخابات است که‌به ملاقات سعادتی هم‌کشیده‌شده است ؟

■ ■ ■

دریکی ازشهرهای شمال،فردی که‌برای بیسوادان اسامی کاندیدها را می‌نوشت‌ازآنها سوال میکرد : "آیا اسلامی‌باشد یاکمونیست ؟"وچون جواب می شنیدکه‌اسلامی‌باشدسوال‌میکرد که "آیا مسلمان واقعی باشد یا منافق؟"وسپس اسامی‌کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی را برایش مینوشت .

■ ■ ■

دریکی ازشهرهای شمال فردی که‌برای بیسوادان اسامی کاندیدها را می‌نوشت ازآنها سوال میکرد : "آیا اسلامی باشدیا کمونیست ؟" وچون جواب میشنیدکه‌اسلامی باشدسئوال میکردکه "آیا مسلمان واقعی باشدیا منافق" وسپس اسامی کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی را برایش مینوشت .

گزارشی از تخلفات و تقلبات انتخابات

از حدود ۲۳۰۰ حوزه اخذ رای تهران، مجاهدین خلق ایران کارت بازرسی حدود ۲۰۰ حوزه را در اختیار داشتند. بعلت جو موجود، دخالت و حاکمیت عناصر غیرمسؤل، چندین نفر از بازرسان را خودسرانه در محل اخراج کرده، و یا اصولا به حوزه محل ماموریت راه ندادند. از ۲۱۰۰ حوزه دیگر اطلاعی در دست نیست.

بازرسان تا بحال حدود ۲۰۰ شکایت مستند تسلیم وزارت کشور کرده‌اند. برخی از مدارک در شماره فوق العاده چاپ شده و اینک چند نمونه دیگر.

۱ – دو نمونه از رای دادن با شناسنامه کودک ۴ ساله و با کارت تحصیلی.

نمونه رای دادن با کارت تحصیلی با گزارشی همراه است که در آن نویسنده از نقض قانون در هنگام رای گیری در روستای شان یاد میکند. این روستا "نیکنام ده" است که از حوزه‌های بخش شمیران میباشد. مهمترین اعتراضهای او عبارتست از:

اولا – وجود علامیه‌های حزب جمهوری اسلامی در موقع رای گیری در محل، منشیان حوزه تنها لیستی از کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی داشتند. رای دهندگان چه با سواد و چه بیسواد مکلف بودند تعرفه‌های رای را در اختیار منشیان بگذارند. و آنها هم بدون نظر رای دهنده فقط و فقط نام کاندیداهای جمهوری اسلامی را مینوشتند. و با لاخره نقض آن قانون که رای باید همراه با شناسنامه باشد و نه کارت تحصیلی و فتوکپی آن ضمیمه نامه فرستاده میشود.

ثانیا – بازدیدبرگهای تعرفه بدون رضایت یا اطلاع افراد رای دهنده. کسانی را که رای مخالف حزب جمهوری اسلامی می‌دادند تهدید میکردند و میگفتند اینها دیگرکی هستند؟ بعد هم یک مارک کمونیستی، دیگر ابروئی برای رای دهنده در دیا باقی نمیگذاشتند. فردی از افراد حاضر بر سر شمارش آراء میگفت: "آراء مخالف نظر خودشان را نابود کرده‌اند."

۲ – طبق یک گزارش که به وزارت کشور تسلیم شده است در حوزه کردان واقع در شهرستان کرج تعداد ۶۴ برگ انتخاباتی از بیرون حوزه نوشته شده و برای ریختن به صندوق بداخل حوزه آورده شده است. هوشیاری بازرس باعث شد که این برگها لو برود. این ۶۴ رای که یک نمونه آن کلیشه گردیده، عینا به وزارت کشور تسلیم شده است.

به عالی
وزارت کشور
برگه نمونه انتخابات رای دهندگان
مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
«تعرفه انتخاباتی رای دهندگان»

- نام و نام خانوادگی
- شماره شناسنامه — شماره قسمه انتخاباتی
- بخش — شهرستان
- نوع انتخابات انتخاب
- انتخاب منشی قسمه اخذ رای
- انتخاب نماینده فرماندار و یا بخشدار
- انتخاب با اکثریت رای دهنده
- محل مهر انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
- تاریخ

به عالی
وزارت نخست وزیری جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
برگه رای انتخابات مجلس
بررسی نهایی قانون اساسی
«ورقه رای»

- آیت الله حسینعلی منتظری
- آیت الله سید محمود طالقانی
- آیت الله سید محمد حسینی بهشتی
- آیت الله دکتر سید محمد حسین بهزاد
- مهندس مهدی بازرگان
- مهندس عزت الله سحابی
- عباس شیبانی
- هاشم صباغیان
- علی محمد طریقت

محل مهر انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

۳ – گزارش یک بازرس که عینا به وزارت کشور تسلیم شده و متن آن در اینجا تایپ گردیده است:

"فرماندار محترم شهرستان تهران

محترما، معروض میدارد، من بازرس شماره ۶۰۹۰ در ساعت هشت و ربع صبح روز ۵۸/۵/۱۲ در بازرسی که از حوزه انتخابی شماره ۴۷۴ بعمل آوردم، مشاهده کردم که شخصی با سه برگ انتخابی اقدام به اخذ رای نموده است.

لازم به تذکر میباشد که هر سه برگ مذکور دارای یک اثر انگشت میباشد. و سه شناسنامه در دست ایشان موجود بود که متعلق به یک خانواده میباشد... سه برگ انتخابی مورد نظر به پیوست میباشد که به کاندیداهای حزب حاکم رای داده است."

۴ – امر راهنمائی و نویسندگی در حوزه‌ها طبق قانون به افرادی از معتمدین محل بایستی واگذار شود.

ولی طبق نامه فوق که سپاه پاسداران نوشته است فردی به این منظور به حوزه ۱۷۵۳ معرفی گردیده است.

آیا این تنها نمونه میباشد؟ آیا از این نمونه‌ها بطور غیر رسمی اعمال نشده است؟

۵ – حوزه ۱۳۲۴ طبق اطلاعیه ستاد انتخاباتی در مسجد بلوک شهربانی خیابان پارس مستقر بود ولی بعدا "صندوق دیگری تحت همان شماره در داخل ماشین تویوتا ۵۷۹۶۳ تهران ۲۴ بصورت سیار به جمع‌آوری رای مشغول بود. و طبق گزارشها نظران عینی و هم – چنین بازرس حوزه ۱۳۲۴ هیچ نوع کنترلی روی این صندوق وجود نداشته، و ۴ نفر مستقر در داخل ماشین اغلب رأی ها را خودشان نوشتند و به صندوق ریختند. در مورد نیکه اساسا "طبق اعلامیه‌های ستاد انتخاباتی هم چو صندوقی وجود خارجی نباید داشته باشد.

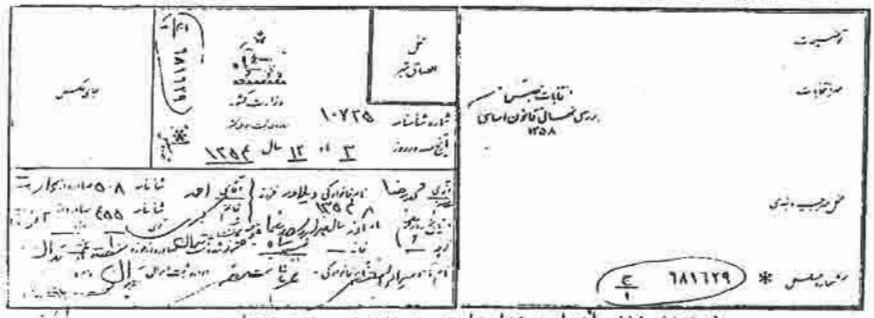

در حوزه ۵۱۵ رأی این شناسنامه به صندوق ریخته شده است.

بقیه در صفحه ۱۱

آیا بازسازی دستگاههای اطلاعاتی...

بقیه از صفحه ۱

یک سیستم اطلاعاتی مردمی، همانگونه که در جریان انقلاب اخیر شاهد آن بودیم توسط خود توده‌ها بوجود آمده و با مشارکت فعال خود آنها هم به حیات خود ادامه میدهد. قطع این ارتباط بمنزله قطع شریانهای حیاتی آن سیستم و بالمآل تبدیل شدن آن به سیستمی ضد خلقی و در برابر آنهاست. فراموش نمیکنیم در دوران پرتکاپو پرشور انقلاب چگونه مردم ما هرگونه توطئه‌ای را افشا میکردند و اجازه هیچگونه دسیسه‌چینی به ضد خلق نمی‌دادند. نطق کذایی شاه توسط کدام شبکه پیچیده‌ای به خارج درزکرد؟ و حتی پرسنل آگاه و مبارز ارتش، جدیدترین تصمیم گیریها و تغییر و تحولات را چگونه و با چه مکانیزمی در اختیار انقلابیون قرار میدادند؟ همانگونه که در داستان زندگی و مبارزات پیغمبرانی نظیر "موسی" نیز میبینیم که کوچکترین آمری حتی در دربار فرعون، از نظر او دور نمیماند.

بنابراین با طرح و ایجاد سیستمی اطلاعاتی این سوال نیز بلافاصله مطرح میشود که کدام سیستم اطلاعاتی، با چه هدفی و در مقابل چه کسی؟ از آنجائی که هرشکلی ناگزیر تناسبی مستقیم و ارگانیک با محتوای خاص خود دارد، پرسیدنی است در سیستم اطلاعاتی که مبنا، تجربه و تخصص است و نه چیز دیگر، چه اهدافی دنبال میشود؟ همان متخصصینی که سالها سابقه جنایت در دستگاههای اطلاعاتی رژیم منفور پیشین را دارند، چه کاری به نفع توده‌ها میتوانند بکنند. بی جهت نیست که دعوت دوباره آنها برای باز – گشت به سر کارهای قبلی، آنهم به این سرعت، برای خودشان نیز بسیار حیرت‌انگیز است.

سیستم اطلاعاتی رژیم گذشته:

هرنظام وارگان سرکوبگری در کنار خود احتیاج به منبعی دارد، تا خوراک لازم را برای آن فراهم آورد. از همین رو در نظام پیشین، ارتش نیز از همان بدو امر اداره اطلاعات و ضداطلاعات را تشکیل داد، تا اولا "فعالیت خود پرسنل را کنترل کند، و ثانیا "طرحهای لازم را برای بقاء رژیم و سرکوب خلق فراهم آورد. اختاپوسی که بر تمام ارگان حیاتی جامعه و بر تمام شئون زندگی انسانها پنجه افکنده و کوچکترین روزنه‌ای را به سوی آزادی بسته بود. امکانات تکنیکی و انسانی که در اختیار آن بود، غیر قابل تصور بود. طبق آمار و برآوردهای خود رژیم تعداد ۱۷۳۸۰ منبع ضد اطلاعات ارتش در گوشه و کنار به کار کثیف و ضد – مردمی خود مشغول بودند.

مراودات و مشورتهای مکرر و مرتب با مستشاران آمریکائی این امکان را برای آن فراهم میاورد که از آخرین دستاورد – ها و شیوه‌های ضد خلقی سیا و پنتاگون بهره گیرد. و اینهمه برای آن بود که کوچکترین ندای آزادیخواهی و حق طلبانه‌ای را در نطفه خفه کند. اگر ضد اطلا – عات ارتش را ناقوس شوم سرکوب و عامل تمام بلایا و فشاری بدانیم که طی سالها بر این خلق ستمدیده رفت، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. ساواک از درون همین سیستم منحوس، پا به عرصه وجود گذاشت، و چهره کریه آن همواره بعنوان مقدمه و پیشدرآمدی قبل از ورود ارتش و دیگر ارگان‌های سرکوب رژیم عیان میشد. به همین جهت تلاش بسیاری صرف تربیت و پرورش افرادی شد که از یکطرف کلیه روابط و پیوندهای آنها با توده مردم و خواسته‌های آنها بریده شده باشد، و از طرف دیگر متخصصینی کارآزموده در خدمت اهداف پلید مورد نظر باشند. مجموعه این عوامل دست بدست هم داد و سیستمی را بوجود آورد که تا آخرین لحظات حیات نظام گذشته به توطئه و کشیدن نقشه و طرحهای ضد خلقی مشغول بود و بهر کوششی برای خنثی کردن تلاش مردم در گسستن زنجیرهای دیکتاتوری دست میزد. طبق اسناد و مدارکی که دست آمده شبکه‌های متعددی مثلا "تحت دست میرد. طبق اسناد و مدارکی که به دست آمده شبکه‌های متعددی مثلا "تحت عنوان "ستاد بررسی تهدیدات، شایعات و تبلیغات مضره" و ... سعی در یافتن راه‌چاره‌ای برای استخلاص رژیم داشت. از طرح کودتا گرفته تا پشتیبانی از دولت بختیار، بررسی و تعیین موضع ارتش شا – هنشاهی در مقابل تشکیل دولت سایه (منظور دولت مهندس بازرگان است. به کاریکاتور مجاهد شهید سرگرد علی محبی مراجعه شود.) همه از اینگونه چاره‌اندیشی‌ها است.

پس از انقلاب، ضد انقلاب تجارفت؟

بعد از انقلاب، توده‌های ارتش درست که هیچ مانعی در پیش‌پای نمی‌شناختند، سالها کینه و خشمی را که در سینه‌ها نباشته بودند نثار رژیم و تمام عوامل و ایادی و نهادهای آن کردند. از جمله ساواک نیز بزرگام‌های استوار آنها بر آن درآمد ولی عجیب اینکه دستگاههای ضد اطلاعات ارتش از تعرض مصون ماند، و تحت چتر و حفاظی که از دست نخورده ماندن کل سیستم ارتش ایجاد شده بود به حیات زیر پرده خود ادامه داد. و پس از مدتی تحت عنوان تازه "تداوم انقلاب" و "اداره مشاوره وارشاد" و ... عیان شد. نظا – میانی که با آگاهی از اعمال کثیف و ضد انسانی خود از ترس بخود میلرزیدند، پس از اندک زمانی با جسارت و تابآوری، با دعوت برای بازگشت به سر کارهای قدیم خود مواجه شدند. اداره هشتم ساواک نیز که عنوان "ضد جاسوسی" را یدک میکشید، همانگونه که همواره مشا – هده شده است در ابتدا با شعار و هدف "دفاع از تمامیت ارضی کشور در برابر حملات دشمنان خارجی و فعالیت های بیگانگان" جای خود را در کنار ضد اطلا – عات ارتش باز یافت. زیرا همانگونه که گفته شد تا زمانیکه به ارتش، ضد اطلاعات آن پیوسته نشود و یکپست معاونت در وزارت دفاع برای آن ایجاد نگردد، کارآئی لازم را ندارد. ولی در ادامه این تلاش سازمان یافته و حساب شده، تا حصول نتیجه قطعی هنوز یک قدم اسا – سی در پیش است. و آن اینکه این تو – طئه رسوا چگونه بمردم عرضه شود. از طرف دیگر پاسخ پیش‌بینی شده به خوا – ستهای مشروع خلقها، سرکوب از طریق ارتش است و ارتش نیز بی‌صبرانه منتظر خواهد کننده همیشگی راه و منبع تغذیه‌ای است که مقدمات لازم برای تجاوز را فرا – هم کند. ترکیب فعل از انقلاب آنچنان چهره‌ای مفتضح دارد که همچگونه میدان عملی در پیش مردم نخواهد یافت.

شیوه تازه‌ای جستجو می‌شود:

اینجاست که چاره‌ای تازه اندیشیده و پای افراد غیر نظامی به میان کشیده میشود.

همانطور که دیدیم ارتش بتنهائی در شرایط کنونی قدرت عمل ندارد، و در کنار آن پاسداران انقلاب باید مشروعیت تجاوزات مکرر و پی‌درپی را فراهم کند. همینطور سازمانهای اطلاعاتی تازه تاسیس نیز با استفاده از عناصر ضد انقلابی گذشته قابل ارائه و عرضه نیست و باید تحت نظر عوامل غیر نظامی ارتجاعی تازه ارخا – رج آمده و یا افراد اطلاعاتی سازمانهای ارتجاعی، آغاز بکار کنند. این ترکیبی است که در کلیه نهادهای ضد خلقی تازه تاسیس بچشم میخورد. بدینترتیب دیگر جمع و آغاز بکار همکاران پالیزبان‌ها مورد سوال قرار نخواهد گرفت. این سوال پیش نخواهد آمد که آیا دارندهٔ جاسوسی که وظیفه‌اش حفاظت و حراست از مرزها و جلوگیری از توطئه‌های سر – سپردگانی نظیر پالیزبانها است، آیا میتواند بر علیه همکاران قدیمی خود که در همان نقاط به تجاوزات آشکار و فعالیت های ضد انقلابی خویش مشغولند، اقدام کند؟ و یا اینکه این سیستمهای اطلاعاتی چرا و از چه رو، اولین آزمایشهای خود را روی نیروهای انقلابی (که خودمانیم ارگزند آن چندان بی‌نصیب نماندیم) پیدا و میکنند؟ پس بکبار دیگر به نقطه آغاز همان سوال اساسی بازگردیم که:

"آنچه را در این مسیر (که البته جدای از هدفها هم نمیتواند باشد) تعیین کننده میدانیم کدام است؟ تخصص یا ایدئولوژی؟" چرا که بسته بپاسخی که به این سوال میدهیم راه آینده مان را هم مشخص کرده‌ایم. اهداف ایدئو – لوژیک ما هیچگاه بر سرکوب خلقها و ایجاد دیکتاتوری و فشار و اختناق نه تنها صحه نمیگذارد، بلکه قاطعانه در مقابل آن خواهد ایستاد. ولی اگر سر دیگر داریم، از تخصص که به عالیترین شکلش نزد مستشاران آمریکائی یافت میشود میتوان استفاده کرد. اما ....

دیدگاههای ایدئولوژیک مجاهدین خلق

برداشتهائی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه‌های ۹۱ و ۱۹۶)

امام علی میخواهد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد.

بقیه از صفحه ۱

(در مورد این اصول و احکام) هیچ سازی به " مشورت " شما هم نیست . به خدا قسم در اینموارد (که پای اصول در میان است) نه شما می‌توانید مرا سرزنش کنید و نه دیگری غیر از شما . . . " این خطبه در پاسخ به این سؤال طلحه و زبیر ایراد شد که " چرا علی مشورت با ایشان را ترک کرده و در کارها از آنها کمک نمی‌طلبد " . بخوبی روشن است که طلب این " مشورت " و تقاضای دموکراسی در امر اداره و رهبری جامعه از چه جایگاه و موضع طبقاتی سرچشمه می‌گیرد . درواقع طلحه و زبیر خواستار یک امتیاز و حق " سیاسی " شده‌اند . آنها " سهم " خویش را در تصمیم گیری از علی طلب می‌کنند . " سهمی " که دقیقاً در جهت برآوردن و تأمین منافع طبقاتی و اقتصادی ایشان و به مثابه " بازتاب سیاسی ، امتیازخواهی آنان است . (امتیاز دادن به بعضی‌ها در تقسیم بیت‌المال) یک امتیاز سیاسی‌ای است که از یک امتیاز اقتصادی ـ اجتماعی نشأت گرفته ، و در عمق خود و نهایتاً " مبین اجبار و فشاری است که می‌خواهد علی را به عدول از مواضع خود وادار کند ، و امتیاز ایدئولوژیک بگیرد . اما علی اهل امتیاز دادن و سازش نیست . سازش با چه کسانی ؟ . با کسانیکه پوئی از انقلاب و اسلام راستین و مضمون عدالت نبرده‌اند ، و از روی ناچاری و ترس از افکار عمومی با امام بیعت کرده‌اند ؟ آنهائی که دین چیزی جز وسیله دنیاشان نبوده و در امر انقلاب به چیزی جز غنائم و موقعیتی از آن نمی اندیشند ؟ و امتیازدادن به چه قیمتی ؟ جز به قیمت مایه گذاشتن از اصول و از دست دادن هویت و مواضع یکتاپرستانه خودش ؟ با این افراد و جریانات چه وحدتی می‌تواند داشته باشد ؟ دیدگاه و مشی او اساساً " و از بنیاد با تفکرات بی‌محتوای شرک‌آمیز و سودپرستانه امثال طلحه وزبیر متضاد است . اختلاف و تضادی که بطور آشتی‌ناپذیر مبانی بنیادهای ایدئولوژیکی یکدیگرند ، و لازمه " اثبات و حیات یکی ، نفی و مرگ دیگری است . اینست که در همان روزهای اول بعد از پیروزی انقلاب خطاب به ابن عباس صریحاً " میگوید : " ابن عباس ! من اهل اینگونه حرفهای تو و مغیره نیستم . . . . نظر مشورتی خود را می‌گویی ، من هم نظری می‌دهم . بعد از اینکه ، نظرت را نپذیرفتم ، باید حرف مرا اطاعت کنی . . . " (امام علی جلد ۲) .

در اینجا علی بر اصل رهبری و مرکزیت تأکید می‌نماید ، وحدود " مشورت " را تا آنجایی می‌داند که اصول نقض نگردند . والا وقتی که مساله انحراف از اصول در بین باشد ، به هیچ مشاوری احتیاج ندارد ، و هیچ نیازی هم به نظرات تجدیدنظر طلبانه و تعدیل‌های این و آن ندارد . . از دیدگاه علی مشورت با کسانی که از همچگونه صلاحیتی برخوردار نیستند ، و صرفاً " از یک موضع فرصت‌طلبانه و بخاطر منافع خود درصدد کسب امتیاز سیاسی هستند ، نمی‌تواند کار درستی باشد . آنها در حقیقت مشورت را وسیله‌ای برای تأمین خواست ها و تمایلات طبقاتی خود یافته‌اند . چنین مشورتی در نهایت جز سازشکاری و دست شستن از " اصول " نخواهد بود . تن دادن به شور با چنین کسانی در واقع به معنای پذیرفتن کادر و چارچوبی است که درآن کادر خط مشی علی از پیش رد شده است . بدین علت است که علی قاطعانه دربرابر این خواست طلحه وزبیر ایستادگی میکند . والاروش است که مشورت در شکل صحیح آن یک اصل اپکارناپذیر است که خود علی بارها بر آن تأکید نموده است . و در موارد متعددی در نهج‌البلاغه از جمله کلام ۱۵۲ و ۱۶۲ ضرورت آن را خاطر نشان ساخته است . علی بارها در عمل و در جریان اداره " امور جامعه این اصل را بکار می‌بست و از مشورت با مردم و افراد دیگر دریغ نمی‌کرده است .

بهرحال مردم چون با علی بیعت کردند ، یک روز هم صبرنکرد و آماده " الغاء " سیستم و نظامی شد که از حدود ۲۰ سال پیش مستقر شده بود .

دوری و پراکندگی برخی نیروها پس از موضع‌گیری قاطع و اصولی امام علی

بسیار طبیعی و قابل پیش‌بینی است که بلافاصله پس از چنین موضع‌گیری ، خشم کسانی که با بخشش‌های نظام فسل ممتاز شده بودند ، برانگیخته شود ، و با اجرای آن خیلی‌ها از اطراف علی پراکنده و حمایت خویش را از او قطع کنند . حتی به توطئه‌چینی بر علیه وی دست زنند .

طلحه و زبیر بلافاصله ازنزد علی برخاسته و بسراغ سران مرتجع جاهلیت دیروز رفتند ، تا آنها را علیه علی تحریک و متشکل سازند . عده‌ای نیز که با پاگرفتن حکومت علی موقعیت و منافع خود را در خطر می‌دیدند به ایشان پیوستند و بنای ضدیت با او را نهادند .

پیشنهاد امتیازدادن غیراصولی برای جذب افراد و نیروها

درست در همین نقطه است که نصیحت‌گران و توجیه‌کاران زبانشان دراز شده و سرزنش ها و پند و موعظه‌ها آغاز می‌گردد . عده‌ای به علی می‌گویند : " سیاست تو خیلی تند و افراطی است ، و موجب افروخته شدن آتش انقلاب در میان کسانی می‌شود که سرمایای دوران اشرافیت از ایشان سلب شده است . " (امام علی جلد ۲)

در این مورد موضعگیری و سخنان موعظه گرانه مغیرة بن شعبه بسیار جالب است :

مغیره خطاب به علی گفت : " من به تو نصیحت می‌کنم که کارگزاران گذشته را در جای خود ابقا کن . معاویه را درکار خود بگمار . ابن عامر را هم ابقاء کن . دیگر کارگزاران راهم در جای خودشان باقی گذار آنان با تو بیعت و اعلام همبستگی می‌کنند و کشور راهم امن و آرام نگه می‌دارند ! " (امام علی جلد ۲) .

علی نیز در پاسخ وی گفت : " بخدا قسم اگر اعتنی از روز مانده باشد در اجرای خط مشی خودم تلاش بخرج می‌دهم ، و هرگز افرادی ازقماش آنهایی راکه نام بردی والی نمی‌کنم . بخدا قسم معاویه را دو روز هم سر نمی‌گمارم . اگرآنها مزلمان را پذیرفتند ، چه بهتر و اگر نپذیرفتند با شمشیر به خدمتشان میرسم " .

امام علی برای جذب افراد و نیروها امتیاز نمی‌دهد

او می‌خواهد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد

علی یک انقلابی معتقد به‌کار مکتبی است که با مصلحت گرایی و سازشکاری و موضعگیری های بینابینی (بین حق و باطل) بکلی بیگانه است . مثلاً " وقتی رویه‌ای را درست و اصولی تشخیص میدهد دیگر اعتراض و مخالفت این و آن نمی ـ تواند تخفیف و تعدیلی در موضع اصولی او ایجاد کند . البته این به معنای عدم انعطاف لازم در موارد تاکتیکی نیست ، و نیایستی از این مساله درست بسودن اقدامات چپ‌روانه را برداشت نمود . بلکه مطلب بر سر این است که علی در اصول هرگز اهل کوتاه آمدن و سازش نیست . روشن است که این موضعگیریهای قاطع تا چه اندازه می‌تواند موجبات نارضائی اقشار ممتاز و طبقه استثمارگر را فراهم سازد . تفاوت یک مصلحت‌گرا و یک فرد معتقد به کار مکتبی نیز در همین جا است که اولی در برابر امواج مخالفت و فشارهای مزبور تسلیم شده ، و چه بسا ممکن است از تصمیمات خود منصرف گردد . و حال آنکه یک انقلابی معتقد به مکتب و اصول حتی به قیمت فداساختن همه امکانات و نیروی خود و حمایت‌ها و . . . حاضر نخواهد شد از آنچه که بعنوان " اصل " بدانها پای‌بند است دست بکشد . قاطعیت علی (ع) در این موارد بسیار قابل توجه است . در نامه‌ای به مالک اشتر نوشت : " سپس بدان که : حکمرانان را خویشان و نزدیکانی است که به خودسری و گردنکشی و درازدستی (به مال مردم) و کمی انصاف خو کرده‌اند . ریشه و اساس ایشان را از طریق مبارزه با عوامل و شرایطی که موجب وضعیت ستمکرانه می‌گردند ، از بین ببر ، و ظلم را بطور بنیادی نابود کن . یعنی هرگز به کسانی از آنان که در اطرافت هستند و یا به اهل بیت و خویشاوندت چیزی از زمین به اقطاع نده و مزرعه و آبادی را به آنان واگذار نکن " .

پس از روی کارآمدن علی، مغیره وقتی قاطعیت و سرسختی او را دید ، با اتخاذ یک موضع پراگماتیستی ظریف و مصلحت‌گرایانه می‌خواست علی را وادار سازد که در رابطه با کارگزاران رژیم قبلی بطور تاکتیکی هم که شده موضع سرسختانه‌ای نگیرد . مغیره به امام نصیحت کرد : " همینکه بیعت آنان و اطاعت سپاهیان از تو ، تثبیت شد ، هر کس راخواستی عوض‌کن و یا باقی گذار . . . " ولی علی از این سرهم بندیها وجوشکاریها بلد نیست . و اصلاً " اهل جوشکاری نیست ، پاسخی که علی بدین راه حل مغیره می‌دهد بسیار جالب و قابل تعمق است . به او می‌گوید : " در مکتبم نیرنگ وارد مکن و در کارم خدشه روا مدار . . . "

دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه‌چینی از دست نمیدهد

باز وجدانهای بیداری را دیدیم که بطرق مختلف از کلیه اقشار ، اضطراب و نگرانی عمیق خود را نسبت به پایمال شدن خون شهدا ابراز می‌کردند . آنها همگی خواستار آزادی فرزندی به بند کشیده شده بودند . " آزادی سعادتی " . آیا واقعاً " مسئله تنها در " آزادی سعادتی " خلاصه میشد . این همه فریادها ، این همه تلاش ها و این همه نگرانی ها تنها بخاطر همین بود ؟ طبیعی است که چنین نیست . به بندکشیده شدن فرد خاصی مطرح نیست . در ورای این اسارت و یا در حقیقت در پشت این توطئه ، اسارت و نابودی ارزش هایی است که به بهای خون هزاران شهید و هزاران اسیر بدست آمده است .

فردی دستگیر می‌شود ، تکچه می‌گردد ، پرونده‌ای ساخته می‌شود و متهم به جاسوسی !! ، جاسوسی بنفع بیگانه !! . . . این فرد اتفاقاً " عضو سازمان مجاهدین خلق ایران است . تبلیغات علیه او شروع می‌شود ، او را آگاهانه " بزرگ " می‌کنند ، یکی از رهبران سازمان ! . . . فرد سوم سازمان ! . . . و . . . چرا ؟ هدف چیست ؟ هدف برای دشمن روشن است ، دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه‌چینی و حمله از دست نمی‌دهد ، با بی‌اعتبار کردن این فرد مستقیماً " بی‌اعتباری سازمان متبوعش را دنبال می‌کند . پس " بزرگ‌کردن " و بالابردن مواضع سازمانی این فرد ، تاکتیکی است که در متن چنین استراتژی و یا چنین توطئه‌ای قرار می‌گیرد . توطئه‌ای علیه نیروهای انقلابی از طرف عوامل ارتجاع . عواملی که همواره و در نهایت در یک نقطه ـ یعنی ضدیت با نیروهای انقلابی ـ با دشمنان خارجی تلاقی خواهند نمود .

دفاع از تمامی ارزشهای مکتبی

بنابراین در این جریان تمامی ارزشهای مکتبی و انقلابی مجاهدین مطرح است نه فرد " سعادتی " .

دفاع از حیثیت سیاسی یا ایدئولوژیک " سعادتی " دفاع از تمامی ارزش‌های اصیل و انقلابی سازمانی است که موجودیتش مرهون خون پاکترین و عزیزترین فرزندان خلق و تحمل وحشیانه ترین شکنجه‌ها و سیاهچالهای هزاران مجاهد دیگر است .

خواهران و برادران قهرمان : شما با درک عمیق این مسئله بهترین پاسخ را به این عوامل شناخته شده دادید . پاسخی مطلوب برای هر مجاهد دردمند و متعهد و پاسخی دندان‌شکن برای هر عنصر فرصت‌طلب و مرتجع . آفرین بر شما .

درود بر شما باد که نشان دادید پاسداران واقعی انقلاب پیروزمندمان هستید . و این شما هستید که با دردمندان نبرد با هرگونه توطئه ضد انقلابی و ارتجاعی با سلاح ایمان و شهادت پیکار می‌کنید و از دستآوردهای انقلاب پاسداری می‌نمائید .

شما نشان دادید که دیگر تاریخ تکرار نخواهد شد و نیروهای انقلابی توسط عوامل کهنه و ارتجاعی و به کمک دشمنان خارجی دیگر به این بادگی از صحنه خارج نخواهند شد . پاسخ خلق قهرمان ایران در این شرایط به هرندای حق‌طلبانه‌ای خیلی سریع . قاطع و کوبنده است . درود بر شما پاسداران نهایی دستآوردهای انقلاب .

تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی جامعه بی‌طبقه توحیدی فراهم است

شما تیلور راستین تمامی دردها ، نگرانی ها ، کینه‌ها ، خشم‌ها ، و فریادها علیه تمامی توطئه‌های ارتجاع بودید .

شما تیلور راستین اسلام ناب و عالمی بودید که دیگر بلحاظ تاریخی تن به همچگونه سازشی با ارتجاع نخواهد داد . اسلامی که تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی آن یعنی جامعه " بی‌طبقه توحیدی فراهم است .

درود بر شما دانش آموزان و دانشجویانی که در این آزمایش و ابتلاء اجتماعی ، هشیاری و تعهد مکتبی خود را نشان دادید و تصویری آشکار و روشن از اسلام اصیل و انقلابی عرضه کردید . . . آفرین بر شما عزیزان و فرزندان این خلق قهرمان .

من هرچند که عواملی مایل نبودند و به وسایلی هم متوسل میشدند . ولی این فریادها ، این نگرانی‌ها و این عواطف را می‌شنیدم و عمیقاً " آنها را احساس می‌کردم . آرزو داشتم که من هم درکنار شما بودم و فریاد می‌زدم ، راه پیمایی می‌کردم و خلاصه با شما گام برمی‌داشتم ، ولی تکرار آرزویی بیش نبود . آرزویی که در یکسال قبل هم سرتاسر وجود من و تمامی آنهایی را که در زندانهای رژیم فاشیستی آریامهری بودند ، انباشته بود . در آن موقع تنها پاسخی که می‌ـ توانستیم به این قیام باشکوه و خونین بدهیم ، احساس و ابراز همدردی و اعلام همبستگی و درنهایت چندروزی اعتصاب غذا بود .

تنها پاسخ من به دردها و نگرانیها

اینبار تنها یک نفر بود . من بودم و سلول . . . و تنهایی و اعتصاب غذایی نامحدود . اینبار و تنهایی می‌ـ پایستی شکنجه و فشار ناشی از اسارت را تحمل کنم . اسارت در بند کی و در بند چه کسی ؟ اسارت در چنگال توطئهٔ ارتجاع که بار تحمل تمامی فشارهای ملموس این اسارت رابدنبال داشت . از شکنجه‌های جسمی گرفته تا انواع و اقسام شکنجه‌های روحی . . . تحمل درک ملموس تمامی ضدیت‌ها با نیروهای انقلابی . در چنین شرایطی پاسخ من ، تنها عکس العمل من به این دردها و نگرانی‌ها و به این فریادـ های حق‌طلبانه چند قطره اشکی بود که فرو می‌ریخت ، قطراتی که از پیوند عمیق بین من و شما خبر می‌داد ، خبر از درد واحد ، آرزوی واحد و خبر از عشق واحد ، عشق به خدا و عشق به خلق . خدا قطراتی که پیام‌آوران امید و روشنی بودند ، نشان از طوفانی را میدادند که میدان را برای هرگونه سکون و بروز هرگونه یاسی را برهم می‌زدند و امواجی از حرکت و امید ایجاد می‌کردند .

قطراتی که تیلور راستین پیروزی حق بر باطل ، انقلاب بر ارتجاع بودند .

قطراتی بودند که از وجود و عمق آرمانهای شما خواهران و برادران می‌جوشید ، و پس از لبریز کردن ظرفیت وجودیم از دریچه چشم به نشان پیروزی و بشارت فتح خارج می‌گشتند .

لحظات باشکوهی بودند که پس تمام توان لازم برای حرکت در مسیر شهادت را می‌داد و تمامی رنج حاصل از اسارت را از بین می‌برد . ودرچنین لحظاتی می‌خواندم : یا رب قو علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمة جوانحی و هب لی الجد فی خشیتک والدوام فی الاتصال بخدمتک حتی اسرح الیک فی میادین السابقین واسرع الیک فی البارزین واشتاق الی قربک فی المشتاقین وادنو منک دنو المخلصین واخافک مخافة الموقنین واجتمع فی جوارک مع المؤمنین . . .

از خدا می‌خواستم که به من آن توان را بدهد که شایستگی این را داشته باشم تا بعنوان یک عضو ساده سازمان مجاهدین خلق ایران این همدردی ، این همگامی و خلاصه این پیوند را حفظ نمایم و بتوانم در حد خودم پاسخگوی تعهداتم باشم .

در اینجا تعظیم و تکریم خودم را نسبت به تمام احساسات پاک و خالصانه‌ای که به اشکال مختلف دراین مدت سه ماهه از طرف کلیه خواهران و برادران مجاهد و آزاده خویشـ تقدیم می‌دارم ، باشد که من هم متقابلاً " بعنوان یک مجاهد ، شایسته این مهر باشم تا مبادا دچار خشم خدا و خلق گردم .

نابود باد توطئه های ارتجاع
مرگ بر امپریالیسم خونخوار سردمداری آمریکا
سلام بر آزادی ـ در اهتزاز باد پرچم انقلابی اسلام
مستحکم باد پیوند خلق با پیشتاز خلق
سید محمدرضا سعادتی
۸ / مرداد / ۱۳۵۸

اقدامات و تصمیمات قاطع اصولی برای حفظ اصالت و خلوص ایدئولوژیک خود ، مستلزم از دست‌دادن چیزهایی نیز هست . طی این مدت ۲۵ سال ، علی بدنبال پاسخ " نه " که به عملکردها و خط مشی انحرافی گفت ، گرچه حمایت‌ـ های بسیاری از او دریغ شد و در کوتاه مدت به انزوله شدن و منجر گشت ، اما درست در همین نقطه ، حقانیت و آینده تاریخی او ، اثبات و تأمین گردید . آری ، او طی این مدت در حالیکه چشمانش را خاشاک و کلویش را استخوان گرفته بود (خطبه شقشقیه) پایداری کرد . تا آنکه از " میراث تاراج رفته‌ای " حراست کند که در معرض مسخ و تحریف قرار گرفته بود .

نامه "سعادتی" خطاب به خلق قهرمان ایران

مردمی مسلح به سلاح ایمان و شهادت، به دفاع و پاسداری از خون شهدا بپا خواسته‌اند

نامه زیر که سعادتی آنرا متعاقب شکستن اعتصاب غذای ۳۵ روزه خود خطاب به خلق قهرمان ایران نوشته است توسط پست بدست همسرش رسیده که بدینوسیله با طلاع عموم می‌رسد .

"نام خداوند درهم کوبنده " ستمگران و تکامل‌بخش رنجبران "

در چنین شرایطی که حسب الامر حضرت آیت الله طالقانی به اعتصاب غذای خود پایان دادم ، و در ضمن شرایطی فراهم شده تا بالاخره بتوانم چنین رابطه‌ای را برقرار کنم ، لازم و وظیفه خود دانستم که چند کلمه‌ای را به محضر خلق قهرمان ایران بویژه خواهران و برادران رزمنده‌ای که بطرق گوناگون نسبت به اسارت این برادرشان معترض بودند ، تقدیم دارم .

باز مادران دادیده و ستم کشیده‌ـ ای را دیدیم ، که با فریادشان خبر از اسارت فرزندی را می‌دادند . اسارتی مجدد ولی در بهار آزادی . . .

باز صفوف منظم راهپیمایان را دیدیم ، مادران ، پدران ، خواهران و برادران نگران ، که در صفوفی متشکل و با قاطعیتی تمام ، مسلح به سلاح ایمان و شهادت به دفاع و پاسداری از خون شهدا بپا خاسته بودند . آنها همگی آزادی مجاهدی به بندکشیده را خواستار بودند .

دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه‌چینی از دست نمیدهد

باز وجدانهای بیداری را دیدیم که بطرق مختلف از کلیه اقشار ، اضطراب و نگرانی عمیق خود را نسبت به پایمال شدن خون شهدا ابراز می‌کردند . آنها همگی خواستار آزادی فرزندی به بند کشیده شده بودند . " آزادی سعادتی " . آیا واقعاً " مسئله تنها در " آزادی سعادتی " خلاصه میشد . این همه فریادها ، این همه تلاش ها و این همه نگرانی ها تنها بخاطر همین بود ؟ طبیعی است که چنین نیست . به بندکشیده شدن فرد خاصی مطرح نیست . در ورای این اسارت و یا در حقیقت در پشت این توطئه ، اسارت و نابودی ارزش هایی است که به بهای خون هزاران شهید و هزاران اسیر بدست آمده است .

فردی دستگیر می‌شود ، تکچه می‌گردد ، پرونده‌ای ساخته می‌شود و متهم به جاسوسی !! ، جاسوسی بنفع بیگانه !! . . . این فرد اتفاقاً " عضو سازمان مجاهدین خلق ایران است . تبلیغات علیه او شروع می‌شود ، او را آگاهانه " بزرگ " می‌کنند ، یکی از رهبران سازمان ! . . . فرد سوم سازمان ! . . . و . . . چرا ؟ هدف چیست ؟ هدف برای دشمن روشن است ، دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه‌چینی و حمله از دست نمی‌دهد ، با بی‌اعتبار کردن این فرد مستقیماً " بی‌اعتباری سازمان متبوعش را دنبال می‌کند . پس " بزرگ‌کردن " و بالابردن مواضع سازمانی این فرد ، تاکتیکی است که در متن چنین استراتژی و یا چنین توطئه‌ای قرار می‌گیرد . توطئه‌ای علیه نیروهای انقلابی از طرف عوامل ارتجاع . عواملی که همواره و در نهایت در یک نقطه ـ یعنی ضدیت با نیروهای انقلابی ـ با دشمنان خارجی تلاقی خواهند نمود .

دفاع از تمامی ارزشهای مکتبی

بنابراین در این جریان تمامی ارزشهای مکتبی و انقلابی مجاهدین مطرح است نه فرد " سعادتی " .

دفاع از حیثیت سیاسی یا ایدئولوژیک " سعادتی " دفاع از تمامی ارزش‌های اصیل و انقلابی سازمانی است که موجودیتش مرهون خون پاکترین و عزیزترین فرزندان خلق و تحمل وحشیانه ترین شکنجه‌ها و سیاهچالهای هزاران مجاهد دیگر است .

خواهران و برادران قهرمان : شما با درک عمیق این مسئله بهترین پاسخ را به این عوامل شناخته شده دادید . پاسخی مطلوب برای هر مجاهد دردمند و متعهد و پاسخی دندان‌شکن برای هر عنصر فرصت‌طلب و مرتجع . آفرین بر شما .

درود بر شما باد که نشان دادید پاسداران واقعی انقلاب پیروزمندمان هستید . و این شما هستید که با دردمندان نبرد با هرگونه توطئه ضد انقلابی و ارتجاعی با سلاح ایمان و شهادت پیکار می‌کنید و از دستآوردهای انقلاب پاسداری می‌نمائید .

شما نشان دادید که دیگر تاریخ تکرار نخواهد شد و نیروهای انقلابی توسط عوامل کهنه و ارتجاعی و به کمک دشمنان خارجی دیگر به این بادگی از صحنه خارج نخواهند شد . پاسخ خلق قهرمان ایران در این شرایط به هرندای حق‌طلبانه‌ای خیلی سریع . قاطع و کوبنده است . درود بر شما پاسداران نهایی دستآوردهای انقلاب .

تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی جامعه بی‌طبقه توحیدی فراهم است

شما تیلور راستین تمامی دردها ، نگرانی ها ، کینه‌ها ، خشم‌ها ، و فریادها علیه تمامی توطئه‌های ارتجاع بودید .

شما تیلور راستین اسلام ناب و عالمی بودید که دیگر بلحاظ تاریخی تن به همچگونه سازشی با ارتجاع نخواهد داد . اسلامی که تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی آن یعنی جامعه " بی‌طبقه توحیدی فراهم است .

درود بر شما دانش آموزان و دانشجویانی که در این آزمایش و ابتلاء اجتماعی ، هشیاری و تعهد مکتبی خود را نشان دادید و تصویری آشکار و روشن از اسلام اصیل و انقلابی عرضه کردید . . . آفرین بر شما عزیزان و فرزندان این خلق قهرمان .

من هرچند که عواملی مایل نبودند و به وسایلی هم متوسل میشدند . ولی این فریادها ، این نگرانی‌ها و این عواطف را می‌شنیدم و عمیقاً " آنها را احساس می‌کردم . آرزو داشتم که من هم درکنار شما بودم و فریاد می‌زدم ، راه پیمایی می‌کردم و خلاصه با شما گام برمی‌داشتم ، ولی تکرار آرزویی بیش نبود . آرزویی که در یکسال قبل هم سرتاسر وجود من و تمامی آنهایی را که در زندانهای رژیم فاشیستی آریامهری بودند ، انباشته بود . در آن موقع تنها پاسخی که می‌ـ توانستیم به این قیام باشکوه و خونین بدهیم ، احساس و ابراز همدردی و اعلام همبستگی و درنهایت چندروزی اعتصاب غذا بود .

تنها پاسخ من به دردها و نگرانیها

اینبار تنها یک نفر بود . من بودم و سلول . . . و تنهایی و اعتصاب غذایی نامحدود . اینبار و تنهایی می‌ـ بایستی شکنجه و فشار ناشی از اسارت را تحمل کنم . اسارت در بند کی و در بند چه کسی ؟ اسارت در چنگال توطئهٔ ارتجاع که بار تحمل تمامی فشارهای ملموس این اسارت رابدنبال داشت . از شکنجه‌های جسمی گرفته تا انواع و اقسام شکنجه‌های روحی . . . تحمل درک ملموس تمامی ضدیت‌ها با نیروهای انقلابی . در چنین شرایطی پاسخ من ، تنها عکس العمل من به این دردها و نگرانی‌ها و به این فریادـ های حق‌طلبانه چند قطره اشکی بود که فرو می‌ریخت ، قطراتی که از پیوند عمیق بین من و شما خبر می‌داد ، خبر از درد واحد ، آرزوی واحد و خبر از عشق واحد ، عشق به خدا و عشق به خلق . خدا قطراتی که پیام‌آوران امید و روشنی بودند ، نشان از طوفانی را میدادند که میدان را برای هرگونه سکون و بروز هرگونه یاسی را برهم می‌زدند و امواجی از حرکت و امید ایجاد می‌کردند .

قطراتی که تیلور راستین پیروزی حق بر باطل ، انقلاب بر ارتجاع بودند .

قطراتی بودند که از وجود و عمق آرمانهای شما خواهران و برادران می‌جوشید ، و پس از لبریز کردن ظرفیت وجودیم از دریچه چشم به نشان پیروزی و بشارت فتح خارج می‌گشتند .

لحظات باشکوهی بودند که پس تمام توان لازم برای حرکت در مسیر شهادت را می‌داد و تمامی رنج حاصل از اسارت را از بین می‌برد . ودرچنین لحظاتی می‌خواندم : یا رب قو علی خدمتک جوارحی واشدد علی العزیمة جوانحی و هب لی الجد فی خشیتک والدوام فی الاتصال بخدمتک حتی اسرح الیک فی میادین السابقین واسرع الیک فی البارزین واشتاق الی قربک فی المشتاقین وادنو منک دنو المخلصین واخافک مخافة الموقنین واجتمع فی جوارک مع المؤمنین . . .

از خدا می‌خواستم که به من آن توان را بدهد که شایستگی این را داشته باشم تا بعنوان یک عضو ساده سازمان مجاهدین خلق ایران این همدردی ، این همگامی و خلاصه این پیوند را حفظ نمایم و بتوانم در حد خودم پاسخگوی تعهداتم باشم .

در اینجا تعظیم و تکریم خودم را نسبت به تمام احساسات پاک و خالصانه‌ای که به اشکال مختلف دراین مدت سه ماهه از طرف کلیه خواهران و برادران مجاهد و آزاده خویشـ تقدیم می‌دارم ، باشد که من هم متقابلاً " بعنوان یک مجاهد ، شایسته این مهر باشم تا مبادا دچار خشم خدا و خلق گردم .

نابود باد توطئه های ارتجاع
مرگ بر امپریالیسم خونخوار سردمداری آمریکا
سلام بر آزادی ـ در اهتزاز باد پرچم انقلابی اسلام
مستحکم باد پیوند خلق با پیشتاز خلق
سید محمدرضا سعادتی
۸ / مرداد / ۱۳۵۸

نگاهی به مطبوعات

بقیه از صفحه ۷

اسرار نظامی

کیهان ۱۳ مرداد دستانی ارتش اعلام کرد : فاش کنندگان اسرار نظامی مجازات میشوند . انقلاب اسلامی ۱۵ مرداد ـ در این روزنامه با چاپ ۶ ستون در پاره ارتباط سرتیپ خسروی ، جانشین فرماندهی نیروی هوائی ـ با اسرائیل و نیز سوء استفاده از مرده شاه سابق ، به تصمیم دادستانی در مورد افشای اسرار نظامی که در بالا اشاره شد اعتراض میکند .

پیغام امروز ۱۵ مرداد ـ سرتیپ شاکر رئیس ستاد مشترک ارتش مدت ۹ سال در دفتر اطلاعات ویژه شاه کار میکرده و رابط بین رکن ۲ و ساواک بوده است .

کیهان آزاد ۱۵ مرداد ـ رحیمی گفت : یزدی یک پزشک است ، و ارا مورنظامی بی‌اطلاع میباشد . و با فروش جنگنده‌ها ، آمریکا ما را خلع سلاح میکند ، وی گفت از ارتجدید ۱۵ سال زندان برای " افشای اسرار نظامی " نمی ترسم .

آرزوها داشتیم.... آرزوها داریم

"به پاسدارانی که به گرداب فاجعه کشانده میشوند"

دلهایمان پروازها داشت....

آرزوها داشتیم .... همین دیروز بود که وقتی از خانه در می‌آمدیم یادتو، باورمان بود . امید یافتن ترا داشتیم . . . . آرزوها داشتیم . در میان انبوه بی‌پناهی ها ، در رگبارهای بی‌انتها ، به امید روزی که تو پناهمان باغی ، به امید لحظه‌ای که تو خود نیز بی پناه باشی ــ همچو ما ــ زنده ماندیم و تنها بوی تراز کوچه پس کوچه های شب شنیدیم .

وقتی که در قهوه خانه ها از دور می‌دیدیمت و حجاب‌های اجباری نمی‌گذاشت غرق بوسه‌ات کنیم بغضمان را شبانه ، در زیر روپوشی می‌شکستیم ... و آرزوها داشتیم ....

در تهاجم وقیح توهین و تحقیر ، وقتی که چیزی نمی‌توانستیم بگوئیم ، وقتی کار دیگری از دستمان برنمیآمد ، به شما شکایت می‌بردیم . امیدمان شما بودید ... آرزوها داشتیم ... و در زیر تازیانه‌ها حتی یک لحظه نیز در حقانیت شما شک نکردیم . هیچگاه درنگ نکردیم ..... برادرم جوانیش را با یاد شما پرپر کرد که جوانی شما پرپر بود .

در دیروز فاجعه ، در ظلمت فاجعه ، در تهاجم فاجعه ، در بطن فاجعه آرزوها داشتیم . و ننگ فراموشی شما را نخریدیم . در کنارتان ، بی‌آنکه ما را بشناسید با یکدیگر همسایه بودیم . شبها باهم سفرها کردیم . دلهایمان پروازها داشت . و وقتی مجبور بودیم که خانه‌ات را ترک کنیم ــ بی‌آنکه خود خواسته باشیم ــ کوله‌بارمان آندوه حدائی‌ها بود ....

وقتی به غرش درآمدی ، وقتی به کوچه‌ها ریختی ، وقتی در پشت بامها بانگ برداشتی ، وقتی فریاد شدی ، وقتی از روزی که مسلح شوید ، گفتی ، وقتی زیر تانکها له شدی ، وقتی بدن شکیبت را در جویها یافتیم ، وقتی در سوگ تو نشستیم اوج پروازمان بود .... آرزوها داشت شکفته میشد . شرمنده بودیم . اما تنهانبودیم . احساس در پوستمان می‌شکفت .....

دردآور است برادر ، دردآور ... اسلحه برای همه آگاهی می‌آورد و تو از وقتی مسلح شدی فراموش کردی ، آرزوهایت را بخاطر می‌آوری؟ آرزوهای سرخ شهادت را به یاد داری ؟ برادرم را فراموش کرده‌ای که چگونه در نیزار سر-نیزه از تو دفاع کرد و اعدام شد ؟ و حالا چه کسی اعدام باید گردد . لحظه‌ای درنگ کن ، بخاطر بیآور آیا من و تو هر دو ، همه ، یکصدا فریاد نبودیم ؟

بعد از شاه نوبت چه کسی بود ؟ من ؟ ما ؟ .....؟ .....؟

غیر از این بود که آرزوهای همه‌مان سرکردن شب و روزی بود در ایران ایران نه در ایالتی ، از کشوری که ، جرثومه بغض و غارت شناخته بودیمش .

امروز نیز آرزوها داریم ... امروز که ترا بیازی گرفته‌اند . امروز که نمیدانی اسلحه‌ات را بکدام سو نشانه روی . امروز که با خشم و کین بما نگاه می‌کنی . امروز که می‌خواهند از تو جلادی خوب سازند . امروز که به تو گفته‌اند ما بیگانه‌ایم . امروز که بیگانه‌ات کرده‌اند ..... امروز نیز آرزوها داریم .

چهره برافروخته‌ات ، رگهای برآمده و فریاد خشم‌آلودت ما را از میدان بدر نخواهد برد . آرزوها داریم .... خوب می‌دانیم شما از ماشید و ما بی شما هیچ .....

حیف از تو .... حیف، مشت گره شده‌ات هوا را به تندی میشکافد ، و تو نمی‌دانی ... نمی‌دانی . و درد همین جاست . تو آرزوهای ما را نمی‌شناسی . .. خود را نمی‌شناسی . حیف . . حیف از تو . . . حیف از این قدرنشناسی . گویا باز هم خون جرقه آگاهی خواهد بود و آنگاه بلوغ آگاهی در تو جوشه خواهد داد آرزوهایت دوباره زنده خواهند شد . پرسشها خواهی کرد . ... بن بست ها را خواهی دید .

چه کسی بین ما دیوار کشید ؟ داغ اتهام را بی‌واهمه از تهمت و تصفیه برخواهی گزید . پرسشت تکرار طپش قلب همه دردمندانست ..... دیوار جدائی‌ها باید بر سر سازندگانش ویران شود ....

تحمل خواهی کرد ، خروش خواهی کرد که تو پل نیستی .... که هرگز نبوده‌ای .

* * *

در دیروز فاجعه آرزوها داشتیم .... در فاجعه امروز نیز آرزوها داریم . " دردوست داشتنت درنگ نمی‌کنیم . "اما تودر نثار خشمت بما نردیدکن"

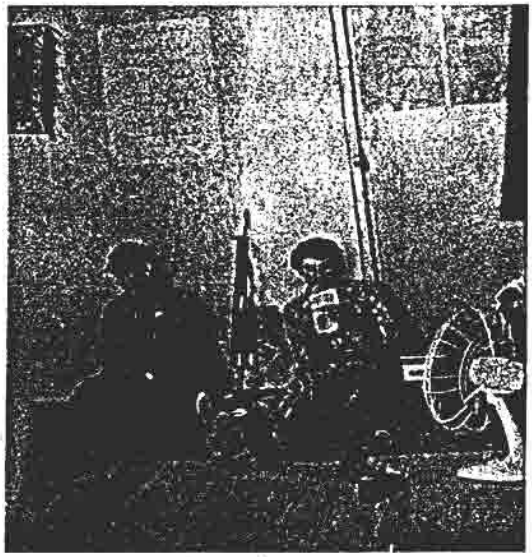

حیف از تو برادر... حیف

افطار رنجبر

با آنکه در تمامی اعصار
همواره ، شعله‌های فروزان انقلاب
از استخوان ما ، زبانه کشیده است
در کلیه‌ام ولی
در این غروب ساکت ودلگیر
یک هیمه نیست تا که بیفروزم (۱)

* * *

بس قرنها گذشت
ما خیل روزه‌دار
چشمانمان ،
این خیزگاه ما عقدهٔ نفرت
بر دورتر منارهٔ تاریخ
تا برگشد دوباره موذن
تکبیرهای سرخ رهائی را

* * *

هشدار ،
ای نشسته بر این خوان غارتی
وقتی که تندر خشم خلق
بانگ مؤذنان رهائی
در آسمان شهر کند پرواز
آندم ،
افطار گرسنگان شهر
با بانگ ومرگ خصم شود ،
آغاز

(۱ ــ از همسر پیامبر(ص) نقل شده است ، که ماه رمضان برما گذشت اما در خانهٔ پیامبر خدا از شدت فقر ودیلند نشد .

به :

سازمان مجاهدین خلق ایران
به مناسبت مصادرهٔ
ساختمان بازرسی در بهمن ماه
۱۳۵۷

ای شهید راه خلق ...

ای مجاهد ای چریک !
ای که قلب گرم خلق
خانه‌های امن تست
می‌کنی تصرفی به حق
قلب خلق و قلب دشمنان خلق را
قلب خلق را به جانفشانی‌ات به راه خلق
قلب دشمنان خلق را به منطق گلوله‌ات
ای مجاهد ای چریک
ای شهید راه خلق
این تصرف دوگانه ، حق تست
خانه‌ات به هر دوجا مبارک است

تهران ــ ۵۸/۱۱/۲۰
م ــ آزرم

(شب قدر . . .)

همه عمر در گریزم ، ز سجود زاهدانه

شب قدر من برون شو ، تو ز پرده‌های پنهان ....
که دو چشم من براه ، تو ز خوابها گریزان
همه عمر موج بودن ، به خروش رود هستی
به امید آن نهایت ، که رسم به وصل طوفان
همه شور و شوقم امشب ، به فضای خون و وحشت
ز پیام سرخ بودن ، به ترانه شهیدان
به امید خیزشم تا ، بجهم به بام هستی
که چنین بود به گیتی ، شب آخر پلنگان
ره خلق گر بود این ، که ز تازیانه خونین
نبود غمی که عمرم ، همه طی شود به زندان
شب من اگر سیه شد ، به سیاهچال دژخیم
دل خود به چنگ گیرم ، چو ستاره‌ای فروزان
به کجا نماز خوانم ، شب قدر چونکه نبود
وجبی زمین که رنگین ، نشده ز خون یاران
همه عمر در گریزم ، ز سجود زاهدانه
که همیشه در قیامم ، ز سرود رهنوردان
شب قدر شد خدایا ، تو بقدرم بفرما
که نماز خون گذارم ، به اذان تیرباران

برخی مراکز قدرت، درمسیر انحصارطلبی، حدو مرزی نمی‌شناسند

درباره هجوم نظامی به مراکز مطبوعات

بنام خدا
وبنام شهدای گلگون کفن آزادی

گروههای امضاءکننده اعلامیه حاضر در نهایت تاسف و تعجب خبر هجوم وموم کردن چاپخانه یادگار (ایندگان) و بازداشت تعدادی از نویسندگان وکارکنان آنرا دریافت کردند . تاسف باین لحاظ که روش های ضد دمکراتیک گذشته که آنچه را در اواخر حکومت پهلوی بر مطبوعات آمد تداعی می‌کند و تکرار می‌شود . تعجب باین دلیل که چراودر چه اوضاع و احوالی مدارکی که از سند و انقلاب در اختیار مقامات مربوطه بوده است ناگهان تحت عناوین کلی بافاسد علم می‌شود . وانگهی بکدام مجوز قانونی قبل از محاکمه میتوان چاپخانه‌ای را تعطیل و انتشار روزنامه‌ها و مجلات وابسته به آن را صرفنظر از هر دید ــ گاهی که نسبت به این روزنامه‌ها وجود داشته باشد ، خودسرانه موقوف کرد .

بامتعاد ما این نشان دیگری است از لگام گسیختگی برخی مراکز قدرت که در مسیر انحصارطلبی خود هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد . بدیهی است که هر دادستانی می‌تواند در حدود صلاحیت خود هرجرم احتمالی مستندرا به محاکمه بکشاند و پس از طی مراحل قانونی لازم ، مجرمین مربوطه را کیفر دهد . اگرچه ما معتقدیم که برای تصفیه جامعهٔ مطبوعات از ابادی رژیم شاه هیچ مقامی صالحتر از خواهران و برادران صدیق مطبوعات نیست . بخصوص که سهم فرد فرد آنها در جریان انقلاب و تحریم مطبوعاتی رژیم شاه ، سهمی است انکار ناکردنی که بارها و بارها نیز مورد تشکر رهبران قرار گرفته است .

علیهذا ما هجوم نظامی اخیر را تعرض علیه آزادی تمام ملت ایران محسوب نموده وبخاطر پاسداری از حرمت انقلاب و حیثیت اسلام و آزادی وتقدس خون شهدای گلگون کفن آن ، رفع ستمی را که بر جامعهٔ مطبوعات رفته است به تاکید خواستاریم و دخالت هر چه سریعتر شخص نخست وزیر و وزرای دادگستری و ارشاد را ضروری می‌دانیم .

همچنین باید خاطرنشان نمودکه :

اولا" ــ بتصریح این ندای قرآنی که کل نفس بما کسبت رهینه (هرنفسی در گرو آنچه خود کسب کرده می‌باشد) گناه دارو بوش همایون وداردوسته او را به پای احدی غیر از خود آنها نمی‌توان نوشت در همین جا ضروری است متذکر گردیم که بایستی کلیه دست اندرکاران اقدامات ضدملی را در محضر نموده های مردم با تمام اسناد و مدارک مربوطه افشاء نمود .

ثانیا" ــ معرفی و کیفر کلیه ایادی شاه و امپریالیسم و صهیونیسم امریکا بسیار پسندیده است ، مشروط براینکه نه کسی را (در هر لباسی که می خواهد باشد) از این افشاگری و حسابرسی معاف دارند و نه هم دسته دسته آنهارا آزاد نموده و به همکاری بخوانند .

ــــــ سلام پرآزادی

امضاء جنبش ــ جنبش مسلمانان مبارز- جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) ــ سازمان اسلامی شورا (ساش)- جنبش ملی مجاهدین

۵۸/۵/۱۷

به یاد :

مصطفی جوان خوشدل
وهمرزمان شهیدش

ازخاک پرسخاوت، بیرون بیا

آهای
انسان سالهای تلخ
تو مان عهد کرده‌ای
این روز را
از خاک پر سخاوت
بیرون بیا

*

در ، پشت پنجره
دیوار ، پشت در
این را توگفته‌ای :
نه
با آنکه میله‌ها
سرمای سخت زمستان را
هشدار می‌دادند
می جوان
جوان
جوان
انگار با شنیدن نام تو
جوان میشود
حتی
آنکه بعد سالها
گمرش از پی شکست
تا شده‌ست

*

آهای
بیرون بیا
انسان سالهای تلخ
تو
فریاد کرده‌ای
با فواره خون هرگلوله :
چون سرخ‌تر شود فلق
سپیده نزدیک تر شود .
تو با من عهد کرده‌ای
این روز را
از خاک پرسخاوت
بیرون بیا .

***

حماسه یک پایداری بزرگ

بقیه از صفحه ۱۲

می‌کند. پس هرفکر وعقیده وسیستم تا آنجا معتبر ومانند نی است که با واقعیات جهان خارجی تطبیق یافته وبتواند نیازها وکارکردهای ضروری را برآورده سازد. موفقیت و پیروزی چیزهای "نو" آسان وبدون رنج بدست نمی‌آید. سنت آفرینش براین است که "نو" همیشه از میان درگیری وفرسایش، شکفته وفیروز شود تا بدینوسیله شایستگی خود را در جنگ اضداد به اثبات رساند وصلاحیت بقا احراز کند. "إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ": (بندگان صالح وارث زمین خواهند گشت) حضرت علی (ع) درباره نقش در دشوار تکامل، میسر خواهد گشت؟

"يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ" (ای انسان! تو در تلاش بسوی پروردگارت هستی، پس او را ملاقات خواهی کرد).

این غامض ترین مسأله فلسفی هر مکتب است که بخصوص ماتریالیسم از پاسخ دادن به آن سخت عاجز است. بر طبق فلسفه توحیدی ما، هر مرگ انقلابی، بشر حیات وپیروزی ودرجه‌ای است که به روی تباهی، بسته میشود:

"أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ" (آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ، ترک دیار کردند که هزاران نفر بودند وخدا بدیشان گفت، مرگرا بپذیرا شوید و سپس آنها را حیاتی دوباره بخشید؟ چنین است که انسان با ارزشهائی که بخاطر آن جان باخته وبا تمامی وجود "یگانه" می شود وبدینوسیله حقانیت وامالت آنها را گواهی (شهادت) می کند: "جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا" (۱۴۳ بقره). (وبدینسان شما بهترین امت قرار دادیم تا الگو ونمونه برای مردم باشید وپیامبر بر شما گواه است).

وحدت وتطبیق پذیری با حقیقت آفرینش (جهان خارجی) در این مسیر به اوج می‌رسد. اوجی که معامله رمز وجود انسانی و ممتاز کننده او از دنیای حیوانی است. اوجی که تنها با "خودگذشتگی" ورنج وفداکاری میسر است. این است عالی ترین شیوه حل تضاد بین انسان وآفرینش. که بی گمان به وحدتی جاودانه با مضمون آن منتهی خواهد شد از آنجا که در هر درجه بالاتری از تطبیق ویگانگی، شعله حیات فروزانتر می شود، پس نباید این اوج را مردگی وفنا انگاشت، چراکه در ورای این افق محسوس، خورشید حیاتی سرد رخشنده تر در پهنه‌هائی بس وسیع تر طلوع می کند: "وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ" (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندار بلکه آنها زنده‌اند ونزد پروردگار خویش ارتزاق می نمایند).

(۱) — (پس از دستگیری اسفندیاری، به خانواده شهید فاطمه امینی اجازه دادند که از جثه شکنجه‌هائی که این جلاد به فاطمه داده بود آگاه شوند).

****

درباره: فاطمه امینی با نام مستعار مثمر

محترما" باستحضار میرساند

نامبرده بالا که در تاریخ ۵۴/۲/۵ به رسول خودکشی نموده است قبل از اینکه اعدام شود (از اعضاء "نوای گروه مجاهدین خلق بوده ودر مشهد دستگیر گردیده است) ارتباط داشته وعلاوه بر آن در سه منزل تیمی سکونت داشته ودر این منازل با پنج نفر از اعضاء "نوای وسلح گروه باصطلاح مجاهدین خلق (شیرین، حسن ابراری، زنی با نام مستعار اشرف، سروش موحد ومنصوره) نیز در ارتباط بوده که پس از دستگیری بعلت خودداری از بیان مطالب واطلاعات خود، منازل مورد نظر تخلیه گردیده است.

قسمتی از اظهار نظرها واکی در مورد خواهر مجاهد شهید پس از آنکه در تاریخ فوق و زیر شکنجه به شهادت رسید.

گزارشی از تخلفات وتقلبات انتخابات

بقیه از صفحه ۸

۶ — فتوای علماء مشهد دائر بر اینکه بر همه مردم وطبقات واجب است که به کاندیداهای مشخصی رأی بدهند، در نتیجه آزادی — انتخابات جای خود را به رأی دادن بصورت یک جریان واجب مذهبی داده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

با نظر به اعلامیه تحریم سوم شهریور مان مذکر داده ایم بر طبق مردم وطبقات مختلف فرض ولازم است که بخصوص آیت عظام وحج اسلام ایجاب می کند که وظایف اسلامی انها مندرج است رأی داده وآنان را برای بررسی قانون اساسی مجلس خبرگان بفرستند خداوند بهترین حامی خواهد بود

پنجم شهریور مبارک برابر هشتم صفر ۱۳۹۴ ۵۸۰۴

۱ حضرت‌های حاج میرزا جواد تهرانی — ۲ حضرت‌های میرزا علی آقا مشکینی
۳ حضرت‌های حاج شیخ محمد علی — ۴ حضرت‌های شیخ ابوالحسن شیرازی
۵ حضرت‌های شیخ مهدی نوغانی — ۶ حضرت‌های شیخ عبدالسمیع اسلامی
۷ جناب‌های دکتر محمود روحانی — سید جلال تهرانی — سید سعیدالدین شیرازی

۷— سند زیر نمونه دیگری از تخلفات را در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی نشان میدهد، که در آن شناسنامه کودک ۲ ساله‌ای مورد استفاده قرار گرفته است.

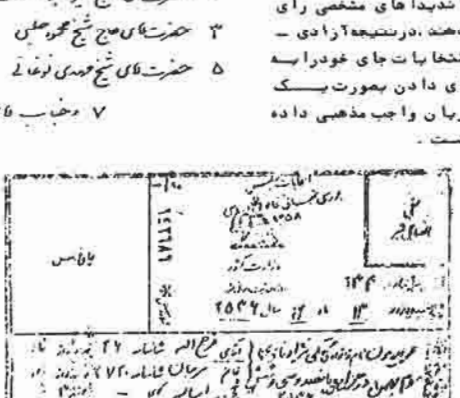

۸— نامه‌ای از یک برادر کارگر شرکت ویتانا

"من اعلامیه‌ها وپوسترهای مربوط به کاندیداهای مجاهدین را در کارخانه چسبانده بودم. اما کارفرما (بنام طهرانچی) دستور داد همه آنها را کندند ویک ورقه ای را که در آن اسامی کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی نوشته شده بود چاپ ودر کارخانه پخش کردند گفت غیر از این اعلامیه بقیه همه را پاره کنند. اینها اسامی بی است که ما نام داده است حال من نمیدانم که تکلیف ما با این کارها چیست. دیگر از حد افشاگری گذشته. حزب جمهوری اسلامی با حقه وکلک همه امکانات را از ما گرفته است. با پدر سما اعلام کنند که بغیر از حزب جمهوری اسلامی بقیه نا مسلمان هستند. تا ما تکلیفمان را بفهمیم. چون به من با این سن وسال وسابقه‌ام میگویند کمونیست. به مجاهدین هم کمونیست میگویند. آخر تا کی باید در مقابل این تهمتها و فریبکاریها سکوت کرد. بمن بگوئید چکار کنم."

* * *

۹— گزارشی از تقلب آشکار در حسین شمارش آراء

"هنگام رای گیری وشمارش آراء به حوزه ۳۰۲ دبیرستان روشنگر رفتم. در مورد نحوه شمارش آراء علنا وخیلی آشکارا تقلب میکردند. یکی از آقایان دراز ای هر اسم از کاندیداهای فعال داشته باشد. از طرف دیگر می‌بایستی برای حفظ برتری خودش بر بلوک شرق (بویژه شوروی)، درگیر یک مسابقه پرخرج تسلیحاتی شود. بر اساس بررسی‌های جدید که از کیسینجر به جانبه بدست می‌آید، آمریکا به این نتیجه می‌رسد که بایستی درگیر یک مبارزه همه‌جانبه، با شوروی شود، و این مبارزه در همه زمینه‌های مختلف اقتصادی — سیاسی و تبلیغاتی توسعه یابد. البته چنین درگیری، به مفهوم خروج از خط تشنج زدائی نیست. و آمریکا همانند گذشته از درگیری نظامی با شوروی پرهیز خواهد کرد. لذا می‌بینیم در خط سیاسی جدید، از ابتدای روی کار آمدن کارتر یک برنامه تبلیغاتی وسیع، در رابطه با مساله حقوق بشر در مورد بلوک شرق (بویژه شوروی)، به مرحله اجرا در — می‌آید. با اینکه در زمینه اقتصادی آمریکا سعی دارد، با تشکیل یک بلوک مستحکم اقتصادی از مثلث (آمریکا — ژاپن — اروپای غربی)، شوروی و بلوک شرق را شدیدا" تحت فشار قرار داده، و بطور کلی اقتصاد جهانی را از این طریق بخودش وابسته نماید.

۲— محدود کردن مسابقه پرخرج تسلیحاتی

و تقویت نیروی دریائی، بجای نگهداری و حفاظت مستقیم از مناطق خاص که در ضمن برای آمریکا هزینه زیادی را نیز دربردارد. در همین رابطه است که آمریکا در خط سیاسی جدید خودش، تصمیم می‌گیرد که نیروهایش را از کره بیرون ببرد.

همانطوریکه فوقا" توضیح داده‌شد، آمریکا تصمیم می‌گیرد عوض درگیر شدن در یک مسابقه پرخرج تسلیحاتی، حتی — الامکان از طریق اقتصادی با نفوذ شوروی مقابله کند.

ج— فراماسونری جدید در راه استحکام سلطه امپریالیزم بر جهان سوم:

۱— وابسته کردن حکومتها با استفاده از پیشرفت تکنولوژی

با توجه به برتری‌های تکنولوژیکو قدرت اقتصادی آمریکا در قیاس با بلوک شرق، وابسته کردن حکومتها از طریق وابستگی اقتصادی بجای روش گذشته قرار گرفت. اعمال خشونت و استفاده از نیروی نظامی، و حمایت از رژیم‌های خودکامه و دیکتاتور پایه سیاست گذشته در کشورهای وابسته بود، در سیاست جدید امپریالیسم میکوشد که با استفاده از روشهای اقتصادی و با موجوئی از برتری تکنیکی خود کشورها را در نوبر وابستگی نگهدارد. برای این منظور کافی است که امپریالیسم آمریکا برخلاف سیاست زمان کیسینجر از بلوکه کردن اجباری جهان و تقسیم بندی جهان به دو بلوک شرق و غرب احتراز کند تا فضا ومیدان برای نفوذ اقتصادی واستفاده از برتری تکنیکی‌اش فراهم گردد. بهمین دلیل است که آمریکا اصل تنوع حکومتها را میپذیرد. شعاری که آندروینگ روی آن تاکید بسیار دارد.

از همان آغاز قدرت گیری آمریکا در صحنه جهانی و بین المللی (بعد از جنگ جهانی دوم)، یکی از مسائل عمده اش جلوگیری از نفوذ شوروی، در مناطق تحت سلطه امپریالیستها بوده است. به همین دلیل از همان آغاز با اتخاذ انواع و اقسام تاکتیکها، سعی داشته است از رفتن کشورهای تحت سلطه سمت اردوگاه شرق، جلوگیری بعمل آورد. وبا استفاده از همین بهانه بود که آمریکا در گذشته، هرگونه حرکت آزادیخواهانه را تحت شعار مبارزه با کمونیسم کوبیده است. و حتی شاهد بوده‌ایم کمیرای حفظ منافعش و برای اینکه کشورهای تحت سلطه نتوانند به اردوگاه متقابل بپیوندند، از ضد — خلقی ترین و کثیف ترین رژیم‌ها حمایت کرده، با بدست خودش پست ترین افراد را بر ملتی حاکم نموده است. ولی بر اثر جمع بندی‌های بعد از جنگ ویتنام، و تحت تاثیر آثار ناشی از آن (بحران تورم — رکود)، آمریکا به این نتیجه میرسد که دیگر لزومی ندارد روی این تقسیم بندی بیش از حد اصرار ورزد. زیرا در گذشته این اصرار آمریکا باعث میشد بسیاری از کشورها سریعتر به سمت اردوگاه شرق بروند. و اضافه بر آن حمایت آمریکا از دیکتاتوری و خفقان در کشورهای وابسته نیز باعث میشد که کشورهای مزبور را هرچه سریعتر به سمت اردوگاه شرق سوق دهد. تمامی این مسائل در کنار قدرت و توان برتر تکنولوژیکی آمریکا و همچنین بهم پیوستگی عمیق اقتصاد جهانی، آمریکا را برآن میدارد که از این به بعد برای تحت تسلط نگاه داشتن کشورها از زمینه‌های اقتصادی بیشتر سود جوید. تا استفاده از قدرت نظامی و حمایت از دیکتاتورها (**). بر اساس چنین دیدگاهی، آمریکا میتواند حتی با کشوری مثل ویتنام رابطه اقتصادی داشته باشد، ونیازمندی وابستگی یک کشور به اردوگاه مقابل، لزوما" آمریکا را موضع — گیری در قبال آن بکشاند.

۲— حمایت از نیروها وجریانات نیمه ملی

در سیاست جدید امپریالیسم آمریکا میکوشد تا در مقابل بوروکراسی و دیکتاتوری حاکم بر کشورهای جهان سوم از نیروها وجریانات نیمه ملی حمایت کند. از این طریق میخواهد در جهت ایزولاسیون باصطلاح تروریسم (وکمونیزم!) (***) گام بردارد. ودر حقیقت میخواهد نیروهای انقلابی را منزوی کند، و انقلاب بنیادی و مسلحانه را به بوته فراموشی اندازد".

این نحوه برخورد با مسائل کشورهای جهان سوم، نیز از درون همان دیدگاه کلی درمی‌آید. دیدگاهی که بخاطر تحول را در این کشورها امری ضروری و اجتناب ناپذیر میداند. ولی معتقد است که بایستی تحولات را از مسیر هرج ومرج گونه به مسیر تحول منظم انداخت. تا به منافع آمریکا ضربه کاری وارد نیاید. وبر همین اساس حمایت یکجانبه از رژیمهای دیکتاتوری را صلاح نمی‌بیند. بلکه معتقد است که بایستی از جریانات نیمه ملی که تا حدودی دارای پایگاه داخلی میباشند، حمایت به عمل آورد. ودست دیکتاتورها را برای انجام هرکاری باز نگذاشت. یکی از هدفهای برنامه حقوق بشر آمریکا، نیز همین مساله است:

"تحت فشار قراردادن رژیمهای دیکتاتور و خود کامه". زیرا امپریالیسم به خوبی دریافته است، که در شرایط تاریخی کنونی، دیگر از این طریق نظامی نمیشود منافع امپریالیستها را حفظ نمود، و اگر راهی وجود داشته باشد از طریق کنار آمدن با جریاناتی است که تا حدودی در داخل کشورهای جهان سوم پایگاهی دارند. البته به این نکته توجه داریم که امپریالیستها در صورتی که از این طریق نتوانند منافعشان را حفظ کنند، باز بزور متوسل خواهند شد.

ناتمام

(*) در تقسیم بندی مناطق نفوذ، یک خط قرمز (دتانت) وجود دارد، که هر کدام از این دو کشور (آمریکا یا شوروی) نمی‌تواند خارج از این خط که در حقیقت منطقه نفوذ دیگری است دخالت فعال — نماید.

(**) البته توجه داریم که این مساله بدین مفهوم نیست که آمریکا دیگر از تاکتیکهای سابق استفاده نمیکند. طبیعی است مرادمان برای حفظ منافعش و در صورت لزوم، از این تاکتیکها استفاده خواهد کرد. بنابراین مطلب فوق بدین معنی است، که تا جائیکه امکان دارد سعی میکند از شیوه جدید استفاده نماید.

(***) این خط درست نقطه مقابل خط قبلی است، که آمریکا از ترس نزدیکی کشورهای تحت سلطه به اردوگاه شرق، از هر گونه تغییری در سیستم‌های تحت سلطه جلوگیری میکرد، و در نتیجه ادامه چنین خطی به حمایت از رژیم های دیکتاتوری منجر میشد.

فراماسونری جدید...

بقیه از صفحه ۱۲

حزب جمهوری اسلامی یک میزد ولی در مورد کاندیداهای مشترک مجاهدین وبالاخص مسعود رجوی با صراحت میگفتند: اینها کمونیست هستند ولش کن و... وفقط در ازای هرچند تا رای یک خط میکشیدند. نکته جالب آوراینکه آنها در مورد آقای ناصرکاتوزیان فکر میکردند ایشان ارمنی هستند. ورای های اورا هم ثبت نمیکردند. ولی وقتی که من گفتم که او مسلمان است، جلوی اسم ایشان نیز چندین مربع (☒) زدند که مثلا اینقدر رای آورده است."

مجاهد شهید فاطمه امینی چگونه در زیر شکنجه به شهادت رسید؟ (آخرین قسمت)

حماسه یک پایداری بزرگ

۲۵ مرداد چهارمین سالروز شهادت مجاهد شهید فاطمه امینی

***

در شماره‌های گذشته واقعیت هایی از مبارزه یک خواهر مجاهد را با رگوکردیم. موضع ایدئولوژیک سیاسی او را دیدیم. موضع‌گیری او را در برابر منحرفین چپ بوضوح یافتیم. تسلیم ناپذیریش را در شرایط سخت شکنجه و ابتلائات گوناگون در برابر برنامه انقلاب متوجه گشتیم. قسمتی از اوراق بازجوئی او را که از دست ژندرمهای ساواک در رفته بود ارائه کردیم. اما در شماره گذشته بعلت مصادف بودن با سالروز شهادت برادر مجاهد سعید صفار توفیق نیافتیم به آخرین قسمت زندگی خواهر مجاهد اشاره کنیم. اینک آخرین مقاومتهای قهرمانانه فاطمه امینی.

***

حماسه پرشور زندگی انقلابی فاطمه زمانی باوج خود رسیدکه به سازمان پیوست. در این زمان بودکه دیگر شوروشوقش برای مبارزه وبیشتر داهداف سازمان حدتی شناخت. سراپای وجودش انباشته ازعشق به پیکارگشت وچندان اراین عشق سرشار بودکه همه‌کسانی که حتی یکبار باا ودیدار داشته‌اند عظمت ونکوه آنرا احساس کرده‌اند. اودرهیچ شرایطی ازمبارزه وتلاش وحرکت بازایستادنیا بدامی آورد زمانی راکه بر روی تخت بیمارستان درحالی که توانائی کمترین حرکتی را، حتی غذاخوردن نداشت، ازطریق یکی ازبرادران که اورادرهمان ایام بستری کرده‌بودند، پیامی به‌همرزمان سپردش فرستادکه حاوی نکات امنیتی بسیارمهم بود.

فاطمه یکی ازمقاومترین انقلابیون وافتخاربزرگ خلق قهرمان ایران بویژه زنان مبارزسیهن ماست. پس از ۵ماه‌ونیم شکنجه کلیه اطلاعاتش سالم ماند، تا آخرین لحظه حیاتش مخفیگاههای هم رزمانش، رانگفت وتام خواهران وبرادران مجاهدش رافاش نکرد. گفته‌می شودکه‌او درلحظه دستگیری آدرس سه خانه‌تیمی رامی‌دانسته‌است. فاطمه‌درطول بازجوئی وشکنجه بطورکلی ازصحبت بامزدوران امتناع می کردواغلب جواب آنهارانمی داد. و این بیش ازهرچیزخشم شکنجه‌گران را نسبت به‌وی برمی‌انگیخت. مقاومت قهرمانانه فاطمه دربرشکنجه‌اوج اعتلای شخصیت انقلابی اوبودکه پس ازعبورازکوره‌گدازان ۱۲سال مبارزه‌خستگی‌ناپذیربدان نقطه رسیده‌بود. مبارزه صدیقانه‌پرشوری که طی آن همه‌هستی خودراوقف راه‌خداوخلق کرده‌وهرلحظه آمادگی بیشتری برای بدوش کشیدن بارسختی‌های آن پیدامی‌کرد.

طُوبیٰ لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلیٰ رَبِّهَا فَرْضَهَا وَعَرَّكَتْ بِجَنْبِهَا بُؤْسَهَا (نامه ۴۵ نهج البلاغه)

(خوش بحال آنکه تعهدات خویش را انجام رساندوبارسختیهای آن رابردوش کشید.....).

اوچنان درمبارزه‌وسازمان حل شده بودوچنان باعقایدواهداف مقدس وانقلابی خودوحدت داشت که‌لحظه‌ای جداشدن ازآنهاوازیادبردن این آرمانهادرحتی سخت ترین شرایط ممکن برایش متصورنبود. آخراوبخاطرهمین آرمانهازنده‌بودوبرای تحقق آنهامبارزه‌میکردو در همان راه شکنجه‌میدید و بالاخره برای پیش‌بردن همین عقاید، مرگ انقلابی رابرگزیدوشهید شد.

خاطره‌ای بربنقل ازهمان برادری که‌او رادربیمارستان شهربانی دیده‌بودبسیار شورانگیزاست. "شب عید ۵۴بود. درآن شب یکی ازافرادی‌که‌دراتاقی دیگربود وبشدت شکنجه‌دیده‌بودبشهادت رسید. ازساعتهاقبل صدای ناله‌وی ازاتاق مجاور بگوش مامی رسید. صبح پس ازتحویل سال من بطورمخفیانه وازپشت پرده پاراوان به‌فاطمه تبریک گفتم". فاطمه‌درپاسخ من چنین گفت:

"برادر! امیدحقیقی مارمانی است که‌حلقها بردشمنان خودپیروزشوندوظلم وسیه‌رکشی رخت بربندد. بامیدآنروز، پیروزباشی..."

فاطمه زنی بسیارمتواضع، صمیمی، پرشور، دقیق، فعال، قاطع وخلاصه جامع تمام خصوصیات ومنشهای انقلابی توحیدی بود. درمیان کسانی‌که به‌نحوی بااودرارتباط بوده‌اندکمترکسی است که تحت تأثیرخصائل وویژگیهای عالی اخلاقی اوقرارنگرفته‌باشد.

خانواده‌های‌شهدای مجاهدین خلق ایران هرگزخاطره‌صمیمیت وفداکاری فاطمه‌ونقش مؤثراوراد‌رپیشبردمبارزه‌دفاع‌ازحق طلبانه‌شان برعلیه‌کارگزاران جلاد رژیم شاه‌فراموش‌نخواهندکرد. اومعلم راستین وانقلابی دانش‌آموزان وبارصمیمی آنان در حل مشکلات فکری وعملی آنهابود. مجاهد شهیدفاطمه‌امینی اولین زن‌انقلابی‌ایران بودکه‌درزیرشکنجه‌به‌شهادت رسید. تاریخ مبارزات خلق‌قهرمان‌ایران، خاطره‌پایداری بزرگ این مجاهد پاک‌باخته‌رادرسینه‌خود ثبت نموده‌ونسلهای آینده‌رابازآن آگاه خواهدکرد.

این شهدای بزرگوارا‌گرچه‌درمعرض حملات ناجوانمردانه‌پورتوبیستی قرار گرفته‌واگرچه‌مرتجعین راست هم اکنون تمام تلاش خویش‌رابرای تهمت زدن و خدشه دارنمودن اعتبارآنان‌وپایمال‌کردن خونشان بکارگرفته‌اند. ولی‌هرگزبرسیمای پاکشان گردپریشانی‌وفراموشی‌نخواهد نشست. چراکه دیدیم آنان‌درراه‌تحکیم مواضع وارزشهای انقلابی‌توحیدی‌که‌متضمن خداعلای رهائی‌وبهروزی‌خلق‌ماست چه صداقت وفداکاری‌پرشوری‌ازخود نشان دادندوچه‌سختی‌هاوشکنجه‌وزجری را تحمل کردند. درست بدین‌علت‌است‌که این شهدادرمتن‌تکامل‌ودرقله‌آن جای گرفته‌اندودردل خلق ماجاودانه‌گشته‌اند.

حضورفعال زن انقلابی‌ومجاهدخلق مادرصحنه‌پیکارانقلابی دردوران سیاه اختناق‌پهلوی، باردیگرقالب قدیمی‌و طبقاتی‌وجودزن راکه‌صرفاً‌درادامه‌نسل وخانه‌داری وباخودنمائی‌هوس‌انگیزخلاصه می‌شددرهم شکست ووجودانقلابی جدیدی‌راکه‌بلحاظ کمّی‌معادل نیمی از آحادانسانی است برنیروی‌جنبش‌انقلابی خلقمان افزود. زن‌مسلمان‌ایرانی باتکیه براین‌میراث پرافتخاراست‌که‌راه‌خودرا بسوی رهایی ازقیدستم مضاعف می‌گشاید وباشرکت فعالانه‌درپیکاربرپشورخودکه نمونه‌های شکوهمندآنرادرجنبش اخیرشد دیکتاتوری‌دیدیم، نقش‌انقلابی‌خود را ایفامی‌نماید. ودراین میان الگوهاونمونه هائی‌چون زینب رابعنوان اولین منادی آزادی زن درتاریخ‌خونبارستمی درپیشاپیش خودمی بیندکه‌دردوران‌تاریک‌بردگی‌با ایستادگی جسورانه‌دربرابرمخوف‌ترین جباران‌زمان‌وعمل‌پرشورافشاگرانه‌دربرابر انبوه‌مردمی‌که‌ازحقایق‌دورنگهداشته‌شده‌بودند عهده‌دارسالت والایی شدکه‌پس ازحسین (ع) برشانه‌اوبود.

بدینگونه‌مجاهدشهیدفاطمه‌امینی رابحق بایستی سمبل‌شرف‌ووجدان‌انقلابی زن مسلمان عصرمادانست.

باشدکه‌تمامی‌زنان‌بیداروآزادیخواه‌جهان وخواهران انقلابی ومسلمان‌وطن مان همواره باالهام ازدستاوردهای‌این‌پیشگامان‌راستین خودد‌رراهی‌که‌ماخون‌پاک‌او و همرزمان‌شهیدش سرخ گشته‌است به‌پیش تازندوایمان‌وقاطعیت‌وروحیه‌تزلزل‌ناپذیررزمندگانی‌چون‌او، اپشان‌رادراین مسیرنیروبخشد.

فلسفه بزرگ

فاطمه این قربانی بزرگ راه‌آزادی ودهها‌وصدهاقربانی دیگری‌که دراین راه تقدیم نمودیم‌ودرآینده‌میزدرصورت‌لزوم خواهیم داد، همه‌وهمه‌بهای لازمی‌هستند برای‌کسب پیروزی. ماازآن ابتدا‌هرآنچه راکه‌عزیزودوست داشتنی بود، برای فدا ساختن درراه‌خداوخلق‌آماده‌کرده‌بودیم. چون یقین داشتیم که‌راه‌تکامل‌جزبدین طریق پیش نمی‌رود. "لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ" (هرگزبه‌نیکی هادست نمی یابیدمگرآنچه‌دوست داریدانفاق کنید). تکامل‌همیشه بادرگیری‌مجین‌بوده است. مبارزه‌ای سخت وآشتی‌ناپذیرکه‌بر انجام‌پدیده‌های "تطبیق‌پذیر" راپیروز

بقیه در صفحه ۱۱

"بانوی پاک رهائی"

بایاد: شهیدفاطمه‌امینی

آمد
بانوی پاک رهائی
خشم مجسم مظلومان
پیچیده در ردای صداقت و ایمان
ایستاد
درآستانه‌ی ضیافت گرگان،
کوه بلند پیکر پاکش را
باران زخم پلیدان می‌شست،
از هر شکاف کوه،
جوبار سرخ فام شهامت جاری بود
شطی ز خون
از ابر گیسوان کبودش می‌ریخت
برق نجیب دو چشمانش
پیوند روز و سیاهی بود

*****

گفتند: نام و نشانت؟
گفت:
من یک مجاهدم
فرزند خلق
اهل کدام دیاری؟
گفت:
من زاده‌ی دیار محنت خلقم
پرورده‌ی پلیدی و بدکاری شما
گفتند از کدام ایل و تباری؟
گفت:
بی‌شک، جدا از تبار شما یانم
من،
پژواک خشم خفته‌ی خلقم
همخوابه‌ی مسلسل و نارنجک
آواز من خروش رهائیست
شعرم حدیث درد خلایق
صد بار اگر به تازیانه بکوبیدم
آواز و شعر من جز این نتواند بود.

*****

زان پس
بانوی پاک رهائی
کوه بلند استواری و ایمان
تن را به تازیانه‌ی گرگان داد
خاموش، پرصلابت و مغرور
در راه خلق
درآن ضیافت خونین جان داد.

*****

بانوی پاک رهائی
ای کوه خفته، حالت باد
رود روان سلام و درود خلق.
افسانه‌ی صلابت تو امروز
لالای کودکان رسته ز بیداد است
شعر بلند مبوری و ایمانت
آواز هر ترانه و فریاد است.
بانوی خفته،
حالت باد

۵۸ / ۵ / ۱۱

از علاقمندان تقاضا می شود که کمکهای مالی جهت سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۲۱۷۰ بانک صادرات شعبه کشاورز واریز نمایند. وحواله‌آن را به‌ستاد مجاهدین واقع درتهران- خیابان مصدق- پائین‌تراز میدان ولی‌عصر، ارسال‌دارند.

هفته نامه مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول - تکشماره - ۱۵ ریال
آدرس تهران - خیابان مصدق
جنبش ملی مجاهدین

مبارزه ضدامپریالیستی (قسمت سوم)

فراماسونری جدید راه خروج امپریالیزم امریکا از بحران را ارائه میکند.

نتایج حاصل از جمعبندیهای کمیسیون سه جانبه

طبیعی است که این بررسی ها، در نهایت هدفی جز پیدا کردن راه حل، برای خروج کشورهای سرمایه‌داری از بحرانهائی که با آن مواجه‌اند، ندارد. بخصوص برای امپریالیسم آمریکا که در حقیقت بحران‌های فوق الذکر (چه سیاسی و چه اقتصادی)، او را به طور جدی با مشکلات زیادی مواجه کرده بود. طراحان سیاست‌های امپریالیستی، نتایج بررسی های خود را در رابطه با مسائلی که با آن مواجه بودند، در زمینه‌های مختلف اعم از داخلی یا خارجی (چه از نظر اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی) حول سه محور زیر بیان نمودند.

الف- در رابطه با اروپای غربی

ب- در رابطه با بلوک شرق

ج- سیاست جدید امپریالیستها در رابطه با کشورهای جهان سوم:

الف- استراتژی جدید امریکا در رابطه با اروپا.

۱- پذیرش کمونیسم اروپائی

در صورتیکه بتواند به قدرتی علیه نفوذ شوروی تبدیل شود (البته در صورت باقی ماندن این کشورها در درون پیمان ناتو).

همانطوریکه می‌دانیم، آمریکا از همان آغاز، نگران نفوذ شوروی در اروپای غربی بوده است. بدلیل اینکه بخش شرقی اروپا، بطور عمده زیر نفوذ شوروی قرار دارد. و می‌تواند برای نفوذ در قسمت غربی اروپا بعنوان یک پشت جبهه مناسب عمل کند. در همین رابطه آمریکا با اروپای غربی، پیمان ناتو را بوجود آورده، و هرروز نیز در جهت تقویت هرچه بیشتر آن تلاش می‌کند. پیدایی جریانی تحت عنوان کمونیسم اروپائی، که بظاهر سنگ کمونیسم را نیز سینه می‌زند، اگرچه برای خنثی‌ها می‌توانست نگران کننده باشد، ولی آمریکا با توجه به ماهیت این جریان، نه تنها نگران گسترش آن نیست، بلکه حاضر میشود برای جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر شوروی در اروپای غربی، کمونیسم اروپائی را بپذیرد. البته در صورتیکه کشورهای مورد نظر، در صورت بقدرت رسیدن چنین کمونیستهائی، در پیمان نظامی ناتو باقی بمانند.

۲- پذیرش مسئله تقسیم رهبری با اروپای غربی (بطورخاص آلمان غربی)

و دنبال نکردن خط سیاسی قبلی مبنی بر اینکه امپریالیسم آمریکا بایستی به عنوان قدرت بلامنازع امپریالیستی باشد.

بعد از جنگ جهانی دوم که بطور کلی کشورهای اروپای غربی، متحمل صربات زیادی شدند. امپریالیسم آمریکا، سرمنکس از این جنگ بهره زیادی برد، و جنگ باعث شکوفایی اقتصادیترگردید. با اجرای طرح مارشال و بازسازی اروپا، آمریکا توانست جایگاه بسیار محکمی، در میان کشورهای امپریالیستی بدست آورد. تمامی این مسائل باعث شد، که امپریالیسم آمریکا به عنوان قدرت بلامنازع امپریالیستی درآید. اما مشکلات اقتصادی آمریکا و بحران تورم رکود از طرفی، و قدرت گیری کشورهای اروپائی بطور خاص آلمان غربی از طرف دیگر هنگام با توسعه کشورهای بلوک شرق، آمریکا را از موضع گذشته سقوط داد. مجموعه عوامل فوق ضرورت را ایجاب می‌کرد، که آمریکا در تصمیم گیری‌های سیاسی، و در معادلات بین‌المللی جائی نیز برای کشورهای اروپای غربی باز کند. لذا می‌بینیم که در استراتژی تازه آمریکا، این مساله مورد توجه واقع شده است.

ب- کمیسیون سه جانبه و مسالهٔ بلوک شرق:

۱- مبارزهٔ همه جانبه و گسترده با بلوک شرق

در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و حقوق بشر و... بجای تکیه بر مسابقه پرخرج تسلیحاتی. قبل از شکست ویتنام، آمریکا حتی الامکان سعی داشت از درگیری و رویاروئی مستقیم با شوروی پرهیزکند. (جنگ سرد). و با خط برخوردشان بیشتر بر اساس تشنج زدائی تنظیم شده بود. در همین رابطه تقریباً "امریکا و شوروی، تمامی جهان را به مناطق تحت نفوذ و سلطه خودشان، تقسیم کرده بودند. (*) در سالهای آخر جنگ ویتنام بر اثر مشکلاتی که این جنگ برای آمریکا پیش آورد (و به علت برخورد با خط تشنج زدائی)، ایالات متحده نتوانست در سازی از جریانات دخالت

بقیه در صفحه ۱۱